

ضیافت

فضیلت و آداب میهمانی

حبیب الله فرحزاد



ضیافت : فضیلت و آداب میهمانی

مشخصات کتاب

سرشناسه : فرحزاد، حبیب الله، 1341 -

عنوان و نام پدیدآور : ضیافت : فضیلت و آداب میهمانی/ مولف حبیب الله فرحزاد ؛ ویرایش و تدوین اکبر اسدی .

مشخصات نشر : قم: طوبای محبت، 1396 .

مشخصات ظاهری : 160 ص. ؛ 14 × 21 س م.

فروست : سیره پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم)؛ 7 .

شابک : 70000 ریال: 978-600-366-125-7

عنوان دیگر : فضیلت و آداب میهمانی .

موضوع : محمد(ص)، پیامبر اسلام، 53 قبل از هجرت - 11ق.

موضوع : Muhammad, Prophet, d. 632

موضوع : فرحزاد، حبیب الله، 1341 - -- وعظ

موضوع : مهمانی ها -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع : Parties -- Religious aspects -- Islam

موضوع : ضیافت -- جنبه های مذهبی-- اسلام

موضوع : Dinners and dining-- Religious aspects-- Islam

شناسه افزوده : اسدی، اکبر، ویراستار

رده بندی کنگره : BP22/9/ف3642ض9 1396

رده بندی دیویی : 297/93

شماره کتابشناسی ملی : 4931236

اشاره

فهرست مطالب

از ما نیست...59

ص: 6

تأثیر لقمه حرام...86

ص: 7

بی تکلفی در میهمانی...115

ص: 8

پیش گفتار

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرین

خدای بزرگ را سپاس می گوییم که ما را به نعمت عظمای ولایت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام متنعم کرد و سیره و سنت آنان را سرلوحه زندگی ما قرار داد!

یکی از سیره های پیامبر و اهل بیتش که خیر و برکت و وسعت رزق مادی و معنوی برای ما و خانه هایمان به ارمغان می آورد و در روایات فراوان روی آن تأکید و پافشاری شده است، سیره ضیافت و میهمانداری است.

اگر به چشم حقیقت نگاه کنیم، همه موجودات جهان میهمان حق تعالی و اولیای او هستند. فیوضات حضرت حق دمادم به واسطه اولیای الهی و ائمه معصومین علیهم السلام به ما می رسد. آنها هستند که ما را میهمان کرم خویش می کنند. و این ماییم که باید همواره خود را میهمان آنان بدانیم؛ چنان که در زیارت آن بزرگواران در روزهای هفته، همین درخواست را داریم. در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز شنبه می خوانیم:

أنا ضیفک فیه و جارک فأضفنی یا مولای و أجرنی فانک کریم

ص: 11

تحب الضیافه و مأمور بالإجاره؛(1) من در این روز میهمان شما هستم و در جوار شما. پس مرا به میهمانی بپذیر ای مولای من، و مرا پناه ده، که تو بسیار بزرگوار و میهمان نوازی و از سوی خدا

مأمور به پناه دادن خلق هستی!

سید بن طاووس بعد از زیارت امام زمان علیه السلام در روز جمعه، به این شعر متمثل می شده است:

نزیلک حیث ما اتجهت رکابی

و ضیفک حیث کنت من البلاد(2)

یعنی ای امام زمان، من هر کجا فرود آیم، بر شما فرود آمده ام، و هرکجا که باشم، میهمان شما و سر سفره شما هستم.

پیش از اینت بیش از این اندیشه عشاق بود

مهرورزی توباماشهره آفاق بود

سایه معشوق اگر افتاد بر عاشق چه شد

ما به او محتاج بودیم او به ما مشتاق بود

بر در شاهم گدایی نکته ای در کار کرد

گفت بر هر خوان که بنشستم خدا رزاق بود

سنت میهمان داری، سیره رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم دین و سیره همه انبیا و اولیای خدا بوده است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم پس از آن که به رسالت مبعوث شدند، در نخستین اعلان رسالت خویش، بستگان و خویشان نزدیک خود را به یک میهمانی دعوت و پس از پذیرایی رسالت خویش را اعلان می کنند.

1- جمال الأسبوع، ص 31؛ بحار الأنوار، ج 99، ص 212.
2- مفاتيح الجنان، ص 125.

حضرت ابراهیم که در قرآن از او ستایش شده است، به خاطر میهمان داری فراوان به «ابا اضیاف» معروف بوده، و بدون میهمان غذا نمی خورده است.

این نشانگر آن است که میهمان داری از جایگاهی بس ارزشمند برخوردار است و می توان از آن به عنوان یکی از ارزش های بلند الهی یاد کرد.

آنچه پیش روی شماست حاصل مباحثی در باب سیره میهمانداری و میهمان دوستی و ارزش و اهمیت و آداب میهمانی است که در محفلی دوستانه مطرح شده است و پس از تدوین و ویرایش به شما عزیزان تقدیم می گردد. امید است این مباحث، ما را بیش از پیش با فرهنگ متعالی اهل بیت علیهم السلام آشنا سازد و در زمره پیروان واقعی آنان قرار دهد.

در پایان بر خود لازم میدانم که از دوست عزیزم، جناب آقای اسدی که تدوین و ویرایش و آماده سازی این مجموعه را بر عهده داشتند، و همچنین از ناشر محترم صمیمانه تشکر و قدردانی کنم. از خداوند متعال بهترین ها را برای همه شما خوانندگان عزیز خواستارم !

ایام ولادت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها

قم مقدس / 20 جمادی 1438/ حبیب الله فرحزاد

ص: 13

1_سیرۀ میهمان داری

اشاره

ص: 15

سیرهٔ اولیای الهی

یکی از سیره هایی که در جامعه کمرنگ شده است، سیره میهمان داری و ضیافت است. میهمان دوستی، میهمان شدن، میهمانی دادن، سیره همه انبیا و پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه وآله وسلم و اهل بیت عصمت علیهم السلام و سنت خود خداست. همه خلایق میهمان خدای متعال هستند.

انبیا و اولیای الهی همه میهمان دوست و پذیرای میهمان بوده اند. حتی از خود و از خانواده شان می زدند و میهمان را که هدیه و عزیز خداست، قدر میدانستند و گرامی می داشتند، حتی اگر میهمان مشرک و کافر باشد.

در روایت آمده است که دیدند امیر المؤمنین علیه السلام محزون و غمگین هستند. از آن حضرت پرسیدند: «مم حزنک، سبب اندوه شما چیست؟» امام علیه السلام فرمودند:

لسبع أتت یضف إلینا ضیف؛(1).به خاطر این که یک هفته گذشته است و میهمانی برای ما نیامده است.

ایثار اهل بیت علیهم السلام

مردی نزد پیامبر آمد و از گرسنگی شکایت کرد. پیامبر کسی را به

1- مناقب آل أبی طالب علیه السلام ، ج 2، ص 73؛ بحار الأنوار، ج 41، ص 28.

خانه های همسرانش فرستاد و آنان گفتند: جز آب چیزی نداریم.

خیلی عجیب است. این دنیا چقدر بی ارزش است! اگر دنیا ارزش داشت، رسول خدا از آن بهره ای داشت. امام صادق علیه السلام فرمودند: فرشته ای همراه جبرئیل به زمین آمد که تا آن هنگام پای بر زمین ننهاده بود و کلیدهای گنجینه های زمین همراهش بود. گفت: ای محمد، پروردگارت سلامت می رساند و می فرماید: اینها کلیدهای گنجینه های زمین است. اگر میخواهی پیامبر و بنده باش و اگر می خواهی پیامبر و پادشاه باش. جبرئیل به رسول خدا اشاره کرد که فروتن باش و رسول خدا. پیامبر عرض کرد: «بل أکون نبیاً عبداً؛(1) می خواهم پیامبر و بنده باشم.»

در روایتی دیگر آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند:

عرضت علی بطحاء مکه ذهباً فقلت یارب لا ولکن أشبع یوماً و أجوع یوماً فإذا شبعت حمدتک و شکرتک و إذا جعت دعوتک و ذکرتک؛(2) دره بطحاء مکه را پر از طلا به من عرضه کردند، اما من گفتم: پروردگارا! نه، ولی من روزی سیر باشم و روزی گرسنه (برایم بهتر است.) تا چون سیر شوم تو را حمد و سپاس گویم و هنگامی که گرسنه شوم تو را بخوانم و یادت کنم.

می فرمود: نمی خواهم آلوده شوم. خیلی عجیب است. ما در به در به دنبال دنیا می گردیم، او می گوید: نمی خواهم. فرمود: دوست دارم بعضی از روزها گرسنه باشم و از خدا درخواست کنم و بعضی روزها سیر باشم و شکر خدا کنم.

1- الأمالی (للصدوق)، ص 449؛ روضه الواعظین، ج 1، ص57.
2- الکافی، ج 8 ص 131؛ بحار الأنوار، ج16، ص 279.

پیغمبر بسیار گرسنگی می کشیدند. گاهی از گرسنگی سنگ به شکم می بستند تا قدری از رنج آن کاسته شود. در هر صورت، پیغمبر کسی را نزد همسرانشان فرستادند. گفتند: چیزی نداریم. پیامبر فرمود: چه کسی این مرد را امشب میهمان می کند؟ علی علیه السلام گفت: من یا رسول الله، پس نزد فاطمه سلام الله علیها آمد و او را باخبر کرد. او گفت: نزد ما جز غذای بچه ها چیزی نیست، ولی ما آن را به میهمانمان می دهیم. امیر المؤمنین علیه السلام گفت: بچه ها را بخوابان و من چراغ را برای میهمان خاموش می کنم. فاطمه چنین کرد و به میهمان غذا دادند. چون صبح شد، خداوند درباره آنان این آیه را نازل کرد:

وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛(1)و هر چند در خودشان احتیاجی مبرم باشد، دیگران را بر خودشان مقدم می دارند. و هرکس از

خست نفس خود مصون ماند، ایشان اند که رستگاران اند.(2)

اینها از هزارها کرامت و معجزه بالاتر است. خودش گرسنه، همسرش گرسنه، بچه ها را با گرسنگی می خواباند و از میهمان پذیرایی می کند! آن وقت ما حاضر نیستیم میهمان به خانه مان بیاید یا از او پذیرایی کنیم. اینها گفتنش آسان است.

حضرت زهرا فرزندان را خواباندند. آیا نمی توانستند بگویند ما افضل خلق هستیم، ما باید بخوریم، بقیه باید گرسنه باشند؟ هزارها توجیه می توان کرد. اصلا چون این کارها را کردند، خدا آیه در شأنشان نازل کرده است. انسان

1- سوره حشر، آیه 9.
2- شواهد التنزیل، ج 2، ص 331؛ وسائل الشیعه، ج 9، ص462.

کریم از خوراندن دیگران لذت می برد. از سیر کردن دیگران لذت می برد. لقمه دهانش را به کسی می دهد و لذت می برد. شب عروسی پیراهنش را به فقیر می دهد و لذت می برد. اما ما خودمان می پوشیم و لذت می بریم. لذتهامان جا به جا شده است.

حضرت زهرا سلام الله علیها فرزندان را خواباندند و چراغ را خاموش کردند. این غذا به اندازه یک نفر بوده است. اگر بیشتر بود، خود حضرت هم می نشستند و تناول می فرمودند. چون مستحب است انسان قبل از میهمان شروع کند و دیرتر دست بکشد که میهمان خجالت نکشد. حضرت خود را مشغول چراغ کردند و چراغ خاموش شد. در تاریکی میهمان را سیر کردند و وانمود کردند که من هم مشغول غذا خوردن هستم. تا میهمان غذا خورد و سیر شد و بعد استراحت کرد.

منزلت ایثار

سهل بن عبد الله گوید: حضرت موسی عرض کرد: «یارب أرنی درجات محمد و أمته، بار الها، مراتب حضرت محمد صلی الله علیه وآله وسلم و امتش را بر من بنمایان» فرمود:

یا موسی إنک لن تطیق ذلک و لکن أریک منزله من منازله جلیله عظیمه فضلته بها علیک وعلی جمیع خلقی؛ ای موسی، تو توان آن مقامات را نداری، اما من یک درجه والای از آنها را بر تو می نمایانم که به خاطر همان مقام والا او را بر تو و بر جمیع خلایق برتری داده ام.

می گوید: آن گاه ملکوت آسمان گشوده شد. حضرت موسی نگریست، و

چیزی نمانده بود که از شدت انوار و نزدیکی آنها به درگاه حق، از پا درآید. عرض کرد: بار خدایا، به چه وسیله او را به این عظمت رساندی؟ فرمود:

بخلق اختصصته به من بینهم و هو الإیثار یا موسی لا یأتینی أحد منهم قد عمل به وقتاً من عمر إلا استحییت من محاسبته و بوأته من جنتی حیث یشاء؛(1) به دلیل خلقی که ویژه او ساخته ام، و آن ایثار است. ای موسی، کسی از ایشان نزد من نیاید که زمانی ایثار کرده باشد، مگر این که از محاسبه او شرم میکنم و او را در هر جای بهشت که بخواهد، جا می دهم.

پخدا به موسی کلیم الله فرمود: عظمتی که به پیغمبر و امتش دادم، به خاطر ایثار است. نگفت: به خاطر نماز شب، به خاطر تلاوت قرآن و دعا. اگر کسی این ایثار را بکند، آن مقام را به او می دهد. ما حاضر هستیم لباس نو خود را بدهیم و لباس کهنه را به تن کنیم؟ حاضریم ماشین نو را بدهیم به دیگری؟ هیچ وقت حاضر نیستیم.

در حالات مرحوم طیب نوشته اند: یک موقعی می بیند یک سیدی در کوچه نشسته، وسائل منزلش هم کنار اوست. می پرسد: چه شده است؟ می گوید: اجاره خانه نداشتم، مرا از خانه بیرون کردند. خیلی ناراحت می شود. با رفقایش ماشین می گیرند و وسائلش را به خانه ای نو می برند. بعد تحقیق می کنند می بینند خانه را برای خودش ساخته بوده است، ولی این امتحان را خدا سر راه او گذاشته که اولاد پیغمبر خانه دار بشود.

واقعا اینها خیلی دل و جگر می خواهد. ما وقتی می خواهیم از اضافه مالمان

1- مجموعه ورام، ج 1، ص 173.

را خمس بدهیم، دست و پایمان می لرزد. ما معمولا نمی خواهیم کار خیری انجام دهیم. فقط می خواهیم به طرف خودمان بیاید. ایثار مقام خیلی بلندی است. این که انسان دیگران را سیر کند و خودش گرسنه باشد خیلی گذشت می خواهد.

سیرهٔ امام مجتبی علیه السلام

برخی از علمای قم بودند که در طول سال، صبح و ظهر و شب، در خانه هاشان میهمانی می دادند. این سنت بسیار خوبی است. نمی خواهم بگویم که ما هم شبانه روز میهمان داری کنیم. آنهایی که تمکن دارند، همیشه آماده پذیرش و پذیرایی از میهمان باشند. این کاری است که امام حسن مجبتی علیه السلام داشتند. آن حضرت میهمانخانه داشتند. هرکس از راه دور و نزدیک می آمد و جا و غذا نداشت، در خدمتش بودند.

پسر حاج شیخ کاظم عمری که از علمای بزرگ مدینه و بزرگ شیعیان آن دیار است می فرمود: ما به نیت امام حسن مجتبی علیه السلام در طول سال این سفره را ادامه داده ایم. در این حسینیه، در طول سال، به نیت امام حسن علیه السلام نهار درست می کنیم. ایرانی و غیر ایرانی، از کشورهای مختلف می آیند میهمان می شوند. خیلی هم برکت و آثار دارد.

سنت میهمان داری را باید احیا کرد، هرچند به یک پذیرایی ساده باشد. تشریفات و تجملات لازم نیست که اصل کار فراموش شود. شخصیت بزرگی مثل مرحوم آیت الله انصاری همدانی می فرمودند: از تمام خیرات و برکات و اعمال صالح، چیزی که برای من مانده است این میهمانی و پذیرایی از بندگان خداست.

میهمانداری ابراهیم خلیل علیه السلام

امام صادق علیه السلام فرمود: حضرت ابراهیم علیه السلام ابا اضیاف، یعنی پدر همه میهمان نوازها بود. هر وقت که میهمان نداشت از خانه بیرون می شد و در خانه را می بست و کلیدهایش را بر می داشت و دنبال میهمان می رفت.(1)

یکی از دلایلی که حضرت ابراهیم علیه السلام به مقام بلند خلت و خلیل اللهی رسید، میهمان دار بودن اوست. رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

ما اتخذ الله إبراهیم خلیلا إلا لإطعامه الطعام و صلاته باللیل و الناس نیام؛ (2) خداوند متعال جناب ابراهیم را خلیل خود نکرد، مگر به خاطر اطعام نمودنش و نیز به واسطه نماز شب خواندنش در

هنگامی که مردم خواب بودند.

حضرت ابراهیم علیه السلام سعی می کرده است همیشه در خانه اش میهمان باشد. اگر هم میهمان نمی آمد، می گشت و میهمانی پیدا می کرد. یک موقع کسی را پیدا نکرد. کسی را برای اطعام به خانه آورد و به او گفت: در وقت غذا خوردن مستحب است بسم الله بگویی. گفت: من کافرم و خدا را قبول ندارم. گفت: اگر خدا را قبول نداری، من هم به تو غذا نمیدهم و او را بیرون کرد.

خدا به ابراهیم گفت: چرا میهمان را بیرون کردی؟ گفت: چون تو را قبول نداشت. خدای متعال فرمود: این یک عمری ما را قبول نداشته و ما رزق و روزی او را داده ایم. تو یک روز نتوانستی کار مرا بکنی و از او پذیرایی بکنی. یعنی ایمان شرط آب و غذا دادن به کسی نیست.

1- الکافی، ج 4، ص 40؛ بحار الأنوار، ج 12، ص 13.
2- علل الشرائع، ج 1، ص 35، بحار الانوار، ج 71، ص384.

ابراهیم دید خیلی اشتباه کرده، رفت و او را پیدا کرد. گفت: نمی آیم. تو مرا بیرون کردی. گفت: باید بیایی. می گویند: شتر مرد را بلند کرد و با شتر او را برگرداند. او را آورد و پذیرایی مفصلی از او کرد. گفت: نفهمیدم، تو مرا از خانه بیرون کردی، دوباره با شتر مرا بگرداندی! چرا؟ گفت: همان خدایی که تو حاضر نشدی اسم او را ببری، مرا توبیخ کرد که من یک عمر است رزق بنده ام را می دهم، چرا تو امتناع کردی؟ آن مرد گفت: این خدا واقعا دوست داشتنی است. اقرار به خدا کرد و مؤمن شد. (1)

اکرام میهمان کافر

در مکتب اسلام چند چیز استثنا ندارد. یکی هم اکرام میهمان است. رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم خطاب به امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند:

یا علی أکرم الجار و لو کان کافراً و أکرم الضیف و لؤ کان کافراً و أطع الوالدین ولو کانا کافرین و لا ترد السائل و إن کان کافراً؛(2) یا علی، همسایه را اکرام کن، هرچند کافر باشد. میهمان را اکرام کن، هرچند کافر باشد. از پدر و مادر اطاعت کن، هرچند کافر باشند. و سائل را از خود مران، هرچند کافر باشد.

میهمان اگر دشمن شما هم باشد، حرمتش لازم است، چه رسد به مؤمن و آدم های خوب. اگر در خانه را زدند و میهمان شدند، حرمتشان لازم است.

در احوالات مرحوم شیخ ابوالحسن خرقانی هم نوشته اند: ایشان سیره اش

1- المحجه البیضاء، جلد 7، ص267.
2- جامع الأخبار، ص 83.

این بوده که به شاگردان و خانواده گفته بود، هرکس که میهمان شد از دینش نپرس. چون خدا شرط رزق و روزی میهمان را مؤمن بودن و مسلم بودن قرار نداده است.

مسلمانان در هندوستان در ماه رمضان افطاری می دهند. یهودیان، گاو پرستان، آتش پرستان... همه می آیند. نه مسلمان اند و نه روزه دار. این خیلی خوب است. چه بسا باعث مسلمان شدن آنها می شود. خدا اطعام را دوست دارد.

برکت میهمان

سنت میهمان داری در قدیم بیشتر بوده است. الآن به خاطر تشریفات و تجملات و تنبلی ها این سنت مقداری کم رنگ شده است. این سنت را باید احیا کرد. خانه هایی که در آن میهمان نمی آید، بی برکت اند. رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

کل بیت لا یدخل فیه الضیف لا یدخله الملائکه؛(1) ملائکه در آن خانه ای که میهمانی نمیشود، وارد نمی شوند.

ورود ملائکه در هر جا برکات الهی را به همراه دارد. در خانه ای که ملائکه وارد نمی شوند، برکتی وارد نخواهد شد.

برخی افراد میهمانی های خود را در تالارها و رستورانها برگزار می کنند. البته اشکالی ندارد، ولی برکتی که در میهمانی در خانه هست، در تالارها نیست. سر میز می نشینند و همدیگر را هم درست نمی بینند و بعد هم می روند. اگر کسی جا ندارد این خوب است، ولی اگر در خانه رفت و

1- جامع الأخبار، ص 136؛ بحارالانوار، ج 72، ص 471.

آمد باشد، برکت و نورانیت خانه زیاد می شود و محل رفت و آمد فرشتگان می شود.

در هر صورت در میهمان خیر فراوانی نهفته است و کسی که از میهمانی دادن محروم است، از این خیرات و برکات محروم خواهد بود. از پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم روایت شده است که فرمودند:

لا خیر فیمن لا یضیف؛ (1) در کسی که ضیافت نکند خیری نیست.

برکاتی که به واسطه میهمان به انسان می رسد، هم فراوان است و هم سریع به انسان می رسد. امام صادق علیه السلام از قول پیامبر گرامی اسلام فرمودند:

البرکه أسرع إلی من یطعم الطعام من السکین فی السنام؛ (2) برکت به سوی کسی که اطعام می کند شتابان تر است از فرود کارد به کوهان شتر.

مشاهدهٔ برکات میهمان

شخصی به محضر پیغمبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم رسید و عرض کرد: من خیلی دلم می خواهد میهمانی کنم، ولی متأسفانه خانم من زیر بار نمی رود.

عکس این را هم زیاد داریم. بعضی از خانم ها دوست دارند میهمانی کنند شوهرشان، یا به خاطر هزینه، یا به خاطر زحمتش، یا به خاطر خسیس بودن حاضر نیستند میهمانی بدهند.

حضرت فرمودند: من و اصحابم را دعوت کن و به خانمت بگو وقتی ما

1- المحجه البیضاء، ج3، ص 32.
2- بحار الأنوار، ج 72، ص 461.

می آییم و می رویم به ما نگاه کند. می خواستند باطن عمل را به او نشان دهند.

آیات و روایات فراوانی پرده از باطن اعمال انسان بر می دارند و باطن و حقیقت عمل را برای انسان روشن و آشکار می کنند. مثلا قرآن در باره حقیقت و باطن خوردن مال یتیم از روی ظلم می فرماید:

إِنَّ الَّذِینَ یَأْکُلُونَ أَمْوَالَ الْیَتَامَی ظُلْمًا إِنَّمَا یَأْکُلُونَ فِی بُطُونِهِمْ نَارًا؛(1) کسانی که اموال یتیمان را به ظلم و ستم می خورند، (در حقیقت،) تنها آتش میخورند.

می فرماید: کسانی که مال یتیم را می خورند، انگار آتش می خورند. یا آیه ای غیبت کردن را همانند خوردن گوشت برادر مرده خود می داند.(2) اگر انسان بداند وقتی غیبت می کند گوشت برادر مرده اش را می خورد، نزدیک آن هم نمی رود. اگر الآن به شما بگویند گوشت آدمی را با چاقو ببرید و بخورید، حالتان بد می شود. واقعا غیبت همین است.

افرادی خواب دیده اند که ما داریم گوشت فلانی را می خوریم. تعبیر آن این است که غیبتش را می کنی. اگر انسان باطن گناهان را بیند، اصلا فکر گناه را هم نمی کند.

حضرت فرمودند: برای این که این خانمت میهمان دوست شود، من باطن میهمانی را به او نشان می دهم. فقط به او بگو وقتی ما می آییم و می رویم ما را نگاه کند. آمد و به خانمش گفت: پیامبر خودش را دعوت کرده و این پیغام را هم داده است که شما در وقت ورود به خانه و خروج از آن به او و میهمانان نگاه کن.

1- سوره نساء، آیه 10.
2- سوره حجرات، آیه 12.

وقتی پیامبر با اصحاب آمدند، زن از پشت در نگاه کرد. دید میهمانها می آیند و دامن دامن میوه و نان و غذا و گوشت و خوراکی به همراه دارند. وقتی دید رزق و روزی و کیسه های نان و غذا و برنج وارد خانه اش شد، بسیار خوشحال شد. و از آن حضرت و اصحاب پذیرایی کرد. بعد موقع رفتن دید با رفتن آنها مارها و کج دم ها و بلاها و نکبت ها و هر چه سبب آزار بود، همه از خانه او بیرون می رفتند. وقتی این صحنه ها را دید عاشق میهمان شد.(1)

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

الضیف یأتی القوم برزقه فإذا ارتحل ارتحل بجمیع ذنوبهم؛(2) میهمان با رزقش بر گروهی وارد میشود و هنگامی که از آنجا می رود، به همراه همه گناهان آن گروه آنجا را ترک می کند.

این بدان معنا نیست که میهمان گناهان میزبان را به دوش می کشد، بلکه به آن معناست که خداوند گناهان میزبان را به برکت میهمان می بخشد.

باید اینها را باور کنیم. باورش خیلی مهم است. اگر کسی واقعا یک مقدار آثار و برکات میهمان داری را بیند، عاشق میهمان و میهمان داری می شود.

از صفات خدا

اصلا میهمان داری کار خدا کردن است. خداوند میهماندار همه هستی است.

وَالَّذِی هُوَ یُطْعِمُنِی وَیَسْقِینِ؛(3) و آن کس است که او به من خوراک میدهد و سیرابم می گرداند.

1- هزار و یک حکایت اخلاقی، ص 352.
2- بحار الأنوار، ج 72، ص 461.
3- سور شعراء، آیه 79.

خدا می خواهد کار خودش را به ما بدهد. انسان که خلیفه الله است باید صفات الله را داشته باشد. یکی از صفات خدا میزبان بودن است. می گوید: شما هم میزبانی کن. از میهمان ها پذیرایی کن که سخاوت، برکت و خیر می آورد. خدمت کردن ریشه همه خوبی هاست. فکر نکنیم که عبادت تنها نماز و دعا و ذکر و توسل است.

مرحوم آیت الله انصاری همدانی اگر نگوییم بی نظیر، در زمان ما شخصیت بسیار کم نظیری بوده است. بعضی از بزرگان که هم مرحوم آقای قاضی را دیده بودند و هم چندتن از بزرگان را می گفتند: آیت الله انصاری واقعا فوق العاده بود. اصلا قابل قیاس نبود.

مرحوم آقای دولابی می فرمودند: آقایان از شیراز و اصفهان و قم به همدان می رفتند و میهمان ایشان می شدند. ایشان پذیرایی می کردند. ایشان این تعبیر را داشتند: من در اواخر عمر هیچ عملی ندارم، جز این که دلم به همین میهمانداری ها و پذیرایی از بندگان خدا خوش است. یعنی همین که مؤمنین که از راه دور می آیند و انسان از آنها پذیرایی می کند، عمل بسیار بزرگ است.

ارزش گرامی داشتن میهمان

پیغمبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرموند:

من أکرم الضیف فقد أکرم سبعین نبیاً و من أنفق علی الضیف درهما فکأنما أنفق ألف ألف دینار فی سبیل الله تعالی؛(1) هرکس میهمانی را گرامی بدارد، گویا هفتاد پیامبر را گرامی داشته، و کسی

1- ارشاد القلوب، ج 1، ص 138.

که یک درهم برای میهمانی هزینه کند، گویا هزار هزار (یک میلیون) دینار در راه خدا هزینه کرده است.

میهمان پیش خدا خیلی عزیز است. از این رو پیغمبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: کسی که یک درهم برای میهمانی هزینه کند، مثل این است که یک میلیون دینار در راه خدا انفاق کرده است. در هم از جنس نقره است و دینار از جنس طلا. یعنی برای میهمان نقره خرج کرده ای، ولی خداوند آن را طلا برای شما ثبت می کند، آن هم یک میلیون برابر.

پذیرایی از یک میهمان به مراتب بالاتر از خدمت به فقراست. اگر یک نفر میهمان را پذیرایی کنی، مثل این است که هفتاد پیغمبر را در خانه ات دعوت، و از آنها پذیرایی کرده ای، به ویژه اگر میهمان بنده صالح و مخلص خدا باشد. امام عسکری علیه السلام فرمودند:

لو جعلت الدنیا کلها لقمه واحده لقمتها من یعبد الله خالصاً لرأیت أنی مقصر فی حقه؛(1) اگر تمام دنیا را به صورت یک لقمه در آورم و آن را به خورد یک بند مخلص خدا بدهم، به نظرم در حق او کوتاهی کرده ام.

میهمان داری آنقدر نزد خدای تعالی ارزشمند است که خداوند به کسانی که میهمانی می دهند، در برابر فرشتگان مباهات می کند. رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

إن الله تعالی یباهی بمطعم الطعام الملائکه؛(2) به راستی که خداوند تعالی در برابر فرشتگان، به کسی که به دیگران غذا بخوراند، مباهات می کند.

1- التفسیر المنسوب إلی الإمام الحسن العسکری علیه السلام ، ص 329؛ عده الداعی، ص 234؛ بحار الأنوار، ج67، ص 245.
2- ارشاد القلوب، ج 1، ص 137.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

من أطعم مسلماً حتی یشبعه لم یدر أحد من خلق الله ما له من الأجر فی الآخره لا ملک مقرب و لا نبی مرسل إلا الله رب العالمین؛ هیچ یک از مخلوقات خداوند پاداش غذا دادن به مسلمان و سیر نمودن او را در سرای آخرت نمی دانند، نه فرشته مقرب و نه پیامبر مرسلی؛ جز خداوند، پروردگار جهانیان.

آنگاه فرمودند:

من موجبات الجنه والمغفره إطعام الطعام السغبان؛ یکی از عوامل بهشت و آمرزش، غذا دادن به مسلمان گرسنه است.

سپس این آیه را تلاوت فرمودند:

أَوْ إِطْعَامٌ فِی یَوْمٍ ذِی مَسْغَبَهٍ یَتِیمًا ذَا مَقْرَبَهٍ أَوْ مِسْكِینًا ذَا مَتْرَبَهٍ؛(1)یا در روز گرسنگی، طعام دادن به یتیمی خویشاوند، یا بینوایی خاک نشین.(2)

قوت روح

بی جهت نبوده که اهل بیت علیهم السلام لقمه دهانشان را به میهمان می دادند. اگر چیزی نداشتند، به هر شکلی که بود قرض می کردند تا میهمانی را برگزار کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

قوت الأجسام الطعام و قوت الأرواح الإطعام؛(3) قوت بدن ها

ص: 31

1- سوره بلد، آیه 14-16.
2- المحاسن، ج 2، ص 389؛ بحارالانوار، ج 71، 361.
3- الدعوات، ص 142.

غذاست و قوت روح ها اطعام و غذا دادن به دیگران است.

کسی که دیگران اطعام می کند، روح و جانش انرژی می گیرد. لذت انسانهای کریم در اطعام است. روح انسان از اطعام نشاط و رشد پیدا می کند. اگر کسانی هستند که فقط خودشان می خورند و به دیگران نمی دهند، این از لئامت و پستی آنان است. امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند:

لذه الکرام فی الإطعام ولذه اللئام فی الطعام؛ (1) لذت کریمان در خوراندن است و لذت لئیمان و پست فطرتان در خوردن.

امام هشتم علیه السلام هم فرمودند:

السخی یأکل طعام الناس لیأکلوا من طعامه و البخیل لا یأکل من طعام الناس لئلا یأکلوا من طعامه؛ (2) سخاوتمند از غذای مردم میخورد تا از غذایش بخورند، و بخیل غذای مردم را نمی خورد، تا غذایش را نخورند.

بعضی ها هستند که به میهمانی نمی روند؛ می گویند: چون من هم باید دعوت کنم. جایی نمی روند مبادا به خانه شان بیایند. این ها بخیل هستند. بخیل پست ترین آدم هاست.

آتش بخل

شخص بخیلی به محضر خاتم انبیا حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم عرض کرد: آقا جان، من وضعم خراب است. خسیس و بخیل هستم. به حدی بخل من شدید است که اگر سائل و گرفتاری به طرف من بیاید و حس کنم که از من

1- تصنیف غرر الحکم، ص 377.
2- الکافی، ج 2، ص 41؛ مشکاه الأنوار، ص 231.

می خواهد چیزی طلب کند، «فکانما یستقبلنی بشعله من النار؛ مثل این است که با شعله ای از آتش به طرف من می آید.» از انفاق و احسان فراری هستم. پیغمبر خدا فرمودند:

إلیک عنی لا تحرقنی بنارک؛(1) از من دور شو. مرا به آتش خود مسوزان !

بعد فرمودند: اگر به حالت بخل از دنیا بروی، خدا هیچ عملی را از تو قبول نمی کند و تو را با صورت در آتش جهنم می اندازد.

یک دلیل اطعام ندادن بخل است. میهمانی دادن صفات بزرگی برای انسان ایجاد می کند که یکی از آنها سخاوت است. فرمود: بخیل از غذای مردم نمی خورد مبادا خانه اش بیایند و غذایش را بخورند. ولی انسان سخی بر عکس این است. غذای مردم را می خورد تا بقیه هم بیایند و غذایش را بخورند.

مشرک سخاوتمند در قیامت

امام باقر علیه السلام فرمودند: مؤمنی در مملکت جباری زندگی می کرد. آن آدم جبار و ظالم به این مؤمن خشم کرد و خواست او را بگیرد و از بین ببرد. این مؤمن از آن مملکت فرار کرد و به مملکت دیگری رفت. در آن مملکت هم همه کافر و مشرک و غیر مسلمان بودند.

مشرکی این مؤمن را پناه داد و از او پذیرایی کرد. بعد از مدتی آن مشرک از دنیا رفت. فرشتگان عذاب به خاطر مشرک بودنش آمدند او را به آتش

1- المحجه البیضاء، ج 6، ص 75؛ احیاء العلوم، ج 10، ص44.

جهنم ببرند. فرشتگان رحمت هم از بهشت آمدند تا او را به خاطر این که مؤمنی را پناه داده و از او پذیرایی کرده است، به طرف بهشت ببرند. بین آنها نزاع شد. خداوند فرمود:

لو کان فی جنتی مسکن لمشرک لأسکثنت فیها و لکنها محرمه علی من مات مشرکاً و لکن یا نار هاربیه و لا تؤذیه؛ اگر در بهشت جایگاهی برای مشرکین می بود، تو را ساکن آن می کردم، ولی بهشت برای کسانی که به حالت شرک مرده باشند حرام است. پس ای آتش، از او گریزان باش و اذیت و آزاری به او نرسان!

یعنی اگر من عهد نکرده بودم که بهشت مخصوص افراد مؤمن و آنهایی است که اقرار به من دارند، او را به بهشت می بردم، ولی چون لازمه بهشت ایمان به من است، او را بهشت نبرید، ولی غذا به او بدهید، به خاطر اینکه یک مؤمنی را پناه داد و از او پذیرایی کرد. از این رو آتش جهنم بر او حرام شد، و غذایش را هم سر وعده به او می دادند.

از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا غذایش از بهشت می آید؟ فرمودند: از هر کجایی که خداوند خواسته باشد.(1) همین که در آتش جهنم نیست، خیلی مهم است. روزی هم برایش می رسد. یعنی در بهشت نیست، ولی آثار بهشت برای او هست. این به خاطر میهمانی و اطعام است.

میهمانی با کفر و شرک مبارزه می کند و بخل با ایمان. بخل انسان را به جهنم می برد، ولی میهمانی کردن و سخاوت، مشرک را از آتش جهنم نجات

1- المؤمن، ص 50؛ الکافی، ج 2، ص 189؛ بحارالانوار، ج 71، ص 288.

می دهد. اگر «لا اله الا الله» می گفت: کارش تمام بود. ولی توفیق نداشت. بهشت نرفت، ولی آثار و برکات بهشت برایش هست.

کشش سخاوت و میهمانداری

چند نفر کافر حربی قصد ترور پیغمبر را داشتند. آنان را دستگیر کردند. اینها از توبه سر باز زدند و گفتند ما پیغمبر را می کشیم. اولی و دومی اعدام شدند. نفر سوم را که می خواستند اعدام کنند، جبرئیل نازل شد که یا رسول الله، این مرد سخاوتمند و خوش اخلاق است، اعدام را از او بردارید. پیامبر هم او را آزاد کردند. چون هم خیر به مردم می رساند و هم خوش اخلاق بود.

چند قدمی که رفت برگشت. گفت: چرا حکم اعدام از من برداشته شد؟ پیامبر فرمودند: پیک وحی، جبرائیل آمد و گفت: تو دو صفت خوب داری؛ سخی و میهماندار و خوش اخلاق هستی. گفت: مگر خدای تو اینها را دوست دارد؟ فرمود: بله. ما به خاطر همین ها مبعوث شده ایم. او هم شهادتین گفت و مسلمان شد. پیغمبر خدا فرمودند:

هذا ممن جرّه حسن خلقه و سخاؤه إلی جنات النعیم؛(1) این کسی است که خوش اخلاقی و سخاوتش او را به بهشت کشاند.

ابن جذعان، آدم سخاوتمندی بوده است. سفره داری می کرد و اطعام می داد، اما کافر بود و در زمان جاهلیت از دنیا رفت. ولی به خاطر این دست و دل بازی اش، پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

اهون أهل النار درکه ابن جذعان؛ سبکبارترین و کم عذابترین اهل آتش ابن جذعان است.

1- الخصال، ج 1، ص 96؛ بحارالانوار، ج 41، ص 75.

پرسیدند: یا رسول الله، چه شده که عذاب این جذعان سبک ترین است؟ پیامبر فرمودند:

کان یطعم الناس الطعام؛(1) همواره مردم را اطعام می کرد.

میهمان دوستی

امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم از محلی عبور می کردند. در آنجا مشغول کندن قبر بودند. کسی که قبر را می کند خسته و ناراحت بود. حضرت سؤال کردند: این قبر را برای چه کسی می کنی؟ عرض کرد: برای فلانی. حضرت فرمودند: پس چرا زمین این چنین سخت و سفت است، با این که آن شخص که می گویی آدم نرم خو و خوش اخلاق بود. ناگهان زمین به طوری نرم شد که با دست هم کنده می شد. آنگاه فرمودند:

لقد کان یحب إقراء الضیف و لا یقری الضیف إلا مؤمن تقی؛(2) این شخص میهمان داری را دوست می داشت و جز مؤمن با تقوی پذیرایی از میهمان را دوست نمیدارد.

حاتم طایی سفره دار بوده است. برادری داشته که می گوید من هم می خواهم به مقام برادرم برسم. مادرش می گوید: تو نمیتوانی. می گوید چرا؟ پاسخ می دهد: وقتی حاتم را به دنیا آوردم، شیر نمی خورد و می گذاشت تا تو بخوری، ولی تو دوتا سینه های مرا می خوردی که دیگری نخورد.

البته در حدیث آمده است: کسانی که با خود مبارزه می کنند تا دارای یک

1- دعائم الاسلام، ج 2، ص 104؛ بحارالانوار، ج 71، ص 368.
2- قرب الإسناد، ص 74؛ بحار الأنوار، ج68، ص 385.

خصلت نیکو بشوند، نسبت به کسی که ذاتاً دارای آن خصلت خوب است پاداش بیشتری دارد و برتر از اوست.

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند:

ما من مؤمن یحب الضیف إلا و یقوم من قبره و وجهه کالقمر لیله البدر فینظر أهل الجمع فیقولون ما هذا إلا نبی مرسل فیقول ملک هذا مؤمن یحب الضیف ویکرم الضیف و لا سبیل له إلا أن یدخل الجنه؛(1)هر مؤمنی که میهمان را دوست بدارد، با چهره ای همچون ماه شب چهارده از قبر خویش برمی خیزد. اهل محشر وقتی به او مینگرند، می گویند: بی تردید این پیغمبر مرسل است. فرشته ای می گوید: این مؤمنی است که میهمان را دوست می دارد و او را پذیرائی و اکرام می کند و راهی برای او نیست جز آن که وارد بهشت شود.

راه بهشت

ضیافت و میهمان نوازی در ایجاد روابط صمیمی و پایدار بین خانوداه ها و آحاد جامعه نقش مؤثری دارد و روح الفت و مهر و محبت و یگانگی در میان مردم حاکم می کند، از این رو اسلام اهمیت و ارزش ویژه ای برای میهمان نوازی قائل شده است. تا آنجا که در حدیثی از پیغمبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم می خوانیم:

الضیف دلیل الجنه؛(2) میهمان راهنمای بهشت است.

ص: 37

1- جامع الأخبار، ص 136، بحار الأنوار، ج 72، ص 461.
2- جامع الأخبار، ص 136.

کسی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم عرض کرد: پدر و مادرم فدای تو باد، برنامه من این است که وضو را به طور کامل انجام میدهم، نماز را بر پا می دارم، زکات را به موقع می پردازم، و از میهمان با آغوش باز و به خاطر خدا پذیرایی می کنم. فرمودند:

بخ بخ بخ ما لجهنم علیک سبیل إن الله قد برأک من الشح إن کنت کذلک؛ (1)آفرین، آفرین، آفرین بر تو باد! جهنم راهی به سوی تو ندارد، اگر چنین باشی، خداوند تو را از هرگونه بخل پاک ساخته است.

ص: 38

1- وسائل الشیعه، ج 24، ص 280.

2_اکرام میهمان

اشاره

ص: 39

از نشانه های ایمان

در روایات اهل بیت علیهم السلام تعبیرات فوق العاده و اعجاب انگیزی درباره میهمانی و آثار و برکات آن آمده است. میهمان داری و پذیرایی از میهمان آنقدر اهمیت دارد که پیامبر اکرام میهمان را از نشانه های ایمان برشمردند و فرمودند:

لایقری الضیف إلا مؤمن تقی؛(1) جز مؤمن با تقوی پذیرایی از میهمان را دوست نمیدارد.

اگر انسان باور داشته باشد که میهمان هدیه خداست، سفیر و نماینده خداست، او را آنگونه که باید دوست می دارد و اکرام و احترام می کند.

اگر کسی ایمان به خدا و معاد دارد، یک علامتش این است که حرمت میهمان را نگه می دارد. سنت میهمانی و اکرام میهمان از مسلمات دین ما و علامت ایمان است. یعنی اگر کسی میهمان را اکرام نکرد، یا از میهمانی بدش آمد، در ایمان خود به خدا و معاد باید شک کند.

شرط میهمان داری خانه داشتن نیست. بسیاری افراد در فقر بودند، ولی میهمان داری می کردند. در تاریخ نوشته اند: عبیدالله بن عباس، پسر عموی پیغمبر، آدم شریف و سخاوتمندی بود. در یک سفر، میهمان بادیه نشینی می شود.

انسان های بادیه نشین زندگی ساده ای داشته اند. عبیدالله بن عباس انسان

1- قرب الإسناد، ص 74؛ بحار الأنوار، ج68، ص 385.

خوش سیما و خوش زبانی بود. میزبان به خانمش می گوید: اینها میهمان های عزیزی هستند. باید آنها را عزیز بشماریم. همسرش می گوید: ما چیزی نداریم. می گوید: گوسفندی که در خانه داریم برای آنها ذبح می کنیم. همسرش می گوید: این گوسفند شیر کودکمان را تأمین می کند. می گوید: میهمان عزیز تر است. بگذار این گوسفند را برای میهمان ذبح کنیم. قربه الی الله گوسفند را برای میهمانی ذبح و از او پذیرایی می کند.

عبیدالله که گفت و گوی اینها را شنیده بود، صبح که می خواهد برود، به غلامش می گوید: چقدر پول همراهت هست؟ می گوید: پانصد سکه طلا. این، مبلغ بسیار زیادی بوده است. می گوید: همه پول را به این بادیه نشین بده که او نه تنها همه اموالش را برای ما داد، که ما را بر میوه دلش و فرزندش مقدم دانست.

صدای پای میهمان

رفت و آمد و میهمان داری، سیر فطری انسانهاست. انسان فطرتا دوست دارد میهمانی کند. دوست دارد میهمانی شود. در هر خانه ای که در آن میهمانی وارد نشود، ملائکه در آن خانه وارد نمی شوند. ملائکه مظهر رحمت خداوند هستند. ملائکه که رفت و آمد نکنند، شیاطین می آیند. امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند:

ما من مؤمن بسمع بهمس الضیف و فرح بذلک إلا غفرت له خطایاه وإن کان مطبقه بین السماء و الأرض؛ (1) هر مؤمنی که

1- بحارالانوار، ج 72، ص 460.

ورود میهمان را احساس کند و بدان شاد شود، گناهانش آمرزیده میشود، هرچند گناهانش میان آسمان و زمین را پوشش داده باشد.

اگر انسان با ورود میهمان که هدیه و برکت و لطف خداست خوشحال شود، این موجب آمرزش گناهانش می شود.

مرحوم آقای دولابی مکرر نقل می کردند که مرحوم آیت الله انصاری همدانی در اواخر عمر می فرمودند: من چیزی از اعمال خیر جز میهمانداری برایم نمانده است. دلم خوش است که از رفقایی که از دور و نزدیک به منزل ما می آیند، پذیرایی می کنم. خودشان خرید می کردند، آشپزی می کردند. طوری نبود که خانواده ایشان در این امر کمک کند. خود ایشان خدمت می کرد.

امیر المؤمنین می فرماید: اگر کسی صدای پای میهمان را شنید و خوشحال شد، خداوند گناهان او را می آمرزد، هرچند به اندازه هفت طبقه آسمان باشد.

دور هم غذا خوردن

اصلا دور هم غذا خوردن موجب برکت می شود و خداوند آن را دوست دارد. رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

أحب الطعام إلی الله تعالی ماکثرت علیه الأیدی؛(1) دوست داشتنی ترین طعام نزد خدا طعامی است که دست های بسیاری به سوی آن دراز شود.

متأسفانه یکی از فرهنگ های غلطی که در جامعه ما رایج شده است، این است که دور هم غذا نمیخوریم. بچه ساعت یازده غذا می خورد، مادر

1- طب النبی صلی الله علیه و آله وسلم ص 19.

ساعت دوازده، پدر ساعت دو بعد از ظهر، یکی دیگر ساعت چهار بعد از ظهر. هیچ وقت همدیگر را نمی بینند. سر یک سفره جمع نمی شوند.

اهل خانه سعی کنند حداقل یک وعده فرهنگ با هم نشستن و کنار هم نشستن را رواج بدهند. چیزی هم مثل غذا خوردن در کنار هم کدورتها را دور نمی کند. دیدید وقتی که سفره می اندازند چه آرامشی حاکم است !

امام خمینی رحمه الله می فرمودند: شما مسئولین را جمع کنید و بگویید با هم بنشینند غذا بخورند. همین که دور هم بنشینند خیلی آثار دارد. ولی خیلی ها حاضر نیستند سالی یک بار، با هم باشند. دور هم نشستن و با هم غذا خوردن را حفظ و مراقبت کنید. نگذارید فاصله ها زیاد شود.

شخصی که پدرش از علمای برجسته است می گفت: من خیلی وقتها سیر هستم، یا نمی خواهم غذا بخورم. ولی موقع غذا پدرم می گوید: بیا بنشین. یک لقمه بخور بعد برو. یعنی ننشین ما را نگاه بکن. خود این نشستن کنار هم خیلی آثار و برکات دارد.

میهمانی ساده و مختصر

در میهمانی دادن لازم نیست حتما غذایی داده شود و برای شام و نهار دعوت کرد. گاهی می توان با یک عصرانه مختصر میهمانی را برگزار کرد. گاهی با یک میوه و شیرینی می توان پذیرایی کرد. این ها هم مصداق میهمانی کردن و دارای اجر پاداش است. رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند:

من أطعم أخاه حلاوه أذهب الله عنه مراره المؤت؛(1) هر کس به

1- الدعوات ، ص141؛ بحارالانوار، ج 63، ص 288.

برادرش شیرینی بخوراند، خدا تلخی مرگ را از کامش ببرد.

نگوییم چند قلم غذا. یک شیرینی، چایی، شربت هم اثر و خاصیت دارد. البته ما هرچه برای اهل ایمان مایه بگذاریم کم است. امام صادق علیه السلام فرمود:

لو أن رجلاً أنفق علی طعام ألف درهم و أکل منه مؤمن لم یعد مسرفاً؛(1) اگر انسانی هزار درهم برای غذایی خرج کند و فقط یک مؤمن از آن بخورد اسراف شمرده نمیشود.

باید برای میهمان سنگ تمام گذارد. البته اسراف خوب نیست، ولی کم میهمان نگذارید. خسیس بودن خوب نیست. مبادا فکر کنی برای مؤمن کار بزرگی کرده ای این مطلب مهمی است. اگر چیزی هم زیاد آمد به دیگران می دهند تا بخورند. انسان های با تقوا غذا را دور نمی ریزند.

هزینه کردن برای مجالس اهل بیت علیهم السلام

سؤالی که مطرح است این است که انسان بهتر است فقرا را اطعام بدهد، یا برای مجالس اهل بیت علیهم السلام هزینه کند و به هیأتها بدهد؟ اولا هزینه کردن برای اهل بیت علیهم السلام و مجالسشان استثناست. امام صادق علیه السلام می فرمایند:

درهم یوصل به الإمام أفضل من ألفی ألف درهم فیما سواه من وجوه البر؛ (2) یک درهم که به امام برسد (و در راه اهل بیت علیهم السلام هزینه شود)، بهتر است از دو میلیون درهمی که در راه خیر دیگر صرف شود.

چون مجالس اهل بیت احیای امر اهل بیت علیهم السلام است. کسی که

1- مکارم الأخلاق، ص 134؛ بحار الانوار، ج 72، ص 455.
2- الکافی، ج 1، ص 538.

روضه خوانی می کند، مجلس برای اهل بیت می گیرد، چراغانی می کند، شیرینی می دهد، این از شعائر الهی است و خداوند برای آن حساب جدایی باز کرده است.

گلایه ای که هست این است که چرا ما برای شهادت معصومین علیهم السلام چندین روز مجلس می گیریم، ولی برای تولد آنها یک روزه برای تولد هم چند روز جشن بگیریم. اگر برای ولادت حضرت زهرا سلام الله علیها کسی جشن بگیرد، آیا ارزش آن کمتر از روضه هست؟ نه! اگر ثوابش بیشتر نباشد کمتر نیست. در مجالس جشن هم می توان فضائل آنها را بیان کرد. امیرالمؤمنین علیه السلام در شمار اوصاف شیعیان فرمودند:

یفرحون بفرحنا و یحزنون لحزننا و یبذلون أموالهم وأنفسهم فینا أولئک منا و إلینا؛(1) در شادی ما شاد و در اندوه ما اندوهگین میشوند. جان و مال خویش را در راه ما نثار می کنند. آنها از ما هستند و در مسیر سعادت خویش به سوی ما گام برمی دارند.

برای تولد حضرت زهرا سلام الله علیها هم باید چند روز جشن بگیریم. چه اشکالی دارد. بعضی ها چهره ای از حضرت زهرا سلام الله علیها در جامعه معرفی کرده اند که آن حضرت مدام گریه و ناله داشته است. این غلط است. در یک زمان خاصی بعد از پدر بزرگوارشان فشار مصائب زیاد بوده است. در همین مقطع خاص این طور بودند، ولی همیشه که این طور نبودند. حضرت امیر علیه السلام می فرماید:

ولقد کنت أنظر إلیها فتنکشف عنی الهموم والأحزان؛(2) و همواره به او نگاه می کردم و غم و اندوه از من برطرف میشد.

ص: 46

1- بحار الأنوار، ج 65، ص 17.
2- کشف الغمه، ج 1، ص 363؛ بحار الانوار، ج 43، ص 134.

حضرت امیر علیه السلام بیشتر در جنگها و جبهه ها بودند. صدمات فراوانی به ایشان وارد می شد، ولی می فرماید: من وقتی وارد خانه میشدم و چشمم به حضرت زهرا سلام الله علیها می افتاد، تمام هم و غم و غصه از دل من بیرون می رفت. حضرت زهرا سلام الله علیها را طوری معرفی نکنیم که مدام مشغول ناله و گریه بوده اند. این خلاف واقع است.

ادب اهل بیت علیهم السلام

امام عسکری علیه السلام فرمودند:

لیس من الأدب إظهار الفرح عند المحزون؛ (1) شادمانی کردن در حضور شخص محزون دور از ادب است. مرحوم آقای دولابی می فرمودند: اهل دنیا غمگین هستند. همه مردم مصیبت دنیا را دارند. از این رو امامان ما خوشی هاشان را ظاهر نمی کردند. چون مردم کشش نداشتند. نکته ظریف دیگر هم این است که در غم و غصه و مصیبت و گریه زمینه گناه کمتر است. کسی که فامیلش فوت شده، به قبرستان می رود و به یاد آخرت می افتد. ولی در شادی زمینه گناه بیشتر است.

فرمودند: اهل بیت الله علیهم السلام سرورشان را ظاهر نمی کردند. حضرت زهرا سلام الله علیها در یک مقطعی مصائب برایشان سنگین بود و دفاع می کردند.

در روایات در حالات پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم آمده است:

و کان أكثر الناس تبسما؛ (2) پیامبر گرامی صلی الله علیه وآله وسلم بیش از همه مردم متبسم بود.

1- مناقب آل أبی طالب علیه السلام ج 1، ص 146؛ بحارالانوار، ج 75، ص374.
2- بحار الانوار، ج 16،ص 228.

آن حضرت همواره چهره خوش و بشاش داشتند.

خلاصه آنکه پولی که برای اهل بیت علیهم السلام هزینه می شود، ارزشمندتر است از پولهایی که برای امور خیر دیگر، از جمله میهمانی هزینه می شود. چون ترویج اهل بیت علیهم السلام یعنی ترویج همه خوبی ها. این اساس خیر و مبدأ و منشأ خیر است. ترویج اهل بیت علیهم السلام یعنی ترویج همه نیکی ها. این از شعائر است و بر همه امور خیر مقدم است.

اطعام مؤمن

در مرحله بعد اطعام یک برادر مؤمن به مراتب از اطعام فقرا برتر است.

امام باقر علیه السلام فرمودند:

لأن أشبع أخاً لی فی الله أحب إلی من أن أشبع عشره مساکین؛(1) همانا اگر یک برادر ایمانی ام را سیر کنم، نزد من محبوب تر است از این که ده مسکین را سیر کنم.

فکر نکنید اطعام مؤمن کمتر از اطعام فقراست. اطعام به یک مؤمن هرچند فقیر نباشد، از اطعام ده نفر فقیر بالاتر است. امام صادق علیه السلام فرمود:

لأن أطعم مؤمناً حتی یشبع أحب إلیّ من أن أطعم أفقاً من الناس؛ یک مسلمان را خوراک دهم تا سیر شود، از خوراک دادن به افقی از مردم نزد من بهتر است.

راوی می گوید: عرض کردم: افق چقدر است؟ فرمودند: «مائه ألف؛ صد

1- المحاسن، ج 2، ص392؛ بحار الأنوار، ج 72، ص452.

هزار نفر.»(1) کسی که برادر دینی و مؤمنین و دوستداران اهل بیت علیهم السلام را اطعام بدهد خیلی بالاتر است.

امام سجاد علیه السلام فرمودند:

من أطعم مؤمنا من جوع أطعمه الله من ثمار الجنه؛(2) هرکس مؤمن گرسنه ای را سیر کند، خداوند از میوه های بهشت به او بخوراند.

درباره اطعام مسلمان هم امام صادق علیه السلام فرمودند:

لاطعام مسلم خیر من صیام شهر؛(3) هر آینه اطعام یک مسلمان از روزه یک ماه بهتر است.

ضیافت ابراهیم علیه السلام

داستان ضیافت و میهمانی کردن و نحوه پذیرایی حضرت ابراهیم علیه السلام در قرآن چنین آمده است:

هَلْ أَتَاکَ حَدِیثُ ضَیْفِ إِبْرَاهِیمَ الْمُکْرَمِینَ إِذْ دَخَلُوا عَلَیْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُنْکَرُونَ فَرَاغَ إِلَی أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِینٍ فَقَرَّبَهُ إِلَیْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْکُلُونَ؛(4) آیا خبر میهمانی های بزرگوار ابراهیم به تو رسیده است؟ در آن زمان که بر او وارد شدند و گفتند: سلام بر تو!» او گفت: «سلام بر شما که جمعیتی ناشناخته اید!»

1- وسائل الشیعه، ج 24، ص 306.
2- الکافی، ج 2، ص 201؛ بحار الأنوار، ج 71، ص 384.
3- الکافی، ج 4، ص 144؛ وسائل الشیعه، ج10، ص 434.
4- سوره ذاریات، آیه 27 - 24.

سپس پنهانی به سوی خانواده خود رفته و گوساله فربه (و بریان شده ای را برای آنها) آورد، و نزدیک آنها گذارد، ولی با تعجب دید دست به سوی غذا نمیبرند) گفت: «آیا شما غذا نمیخورید؟ !»

ملائکه بر حضرت ابراهیم علیه السلام نازل شدند. می خواستند قوم لوط را از بین ببرند. به صورت انسان آمده بودند. حضرت ابراهیم نشناخت. رفت و یک گوساله فربهی را ذبح کرد.

برای میهمان سنگ تمام بگذارید. چیزهای خوب بیاورید. همانطور که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در باره قربانی فرموده اند:

استفرهوا ضحایاکم فإنها مطایاکم علی الصراط؛ (1) قربانی هاتان را از نوع سالم و فربه و نفیس و بی عیب انتخاب کنید، زیرا که آنها در قیامت مرکب سواری شما بر فراز صراط اند.

ابراهیم علیه السلام گوساله بزرگی برای میهمانانش کشت و کباب کرد. آنها گفتند: ما فرشته هستیم و غذا نمیخوریم. ما برای مأموریت آمده ایم.

حضرت ابراهیم علیه السلام مضیاف، یا أبا أضیاف بوده است. یعنی کسی که بسیار میهمانی می دهد و پدر میهمان داری است. خدا صفت میهمان داری را بسیار دوست می دارد. این کاری است که خود خدا می کند. خدا دارد از همه پذیرایی می کند. خدا میهمان نوازی را دوست دارد و دوست دارد این صفت در ما هم باشد.

بعضی مظهر سور خوردن هستند. مدام دنبال این است که کجاسور می دهند. بعضی هم دنبال اطعام هستند. بزرگان همیشه از خودشان توقع و

1- من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 213.

انتظار دارند. ولی کوچک ها از دیگران توقع دارند. لذت افراد کریم در اطعام است. سفره که می اندازد و جمعی را سیر می کند، خودش سیر می شود. اصلا روحاً شاد می شود. ولی آدم های پست مدام دنبال این هستند که کجا بروند بخورند. لذت لئیم در خوردن است و لذت کریم در خوراندن.

میهمانی پر برکت

جابر می گوید: وقتی که احزاب عرب در جنگ خندق جمع شدند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم با مهاجرین و انصار به مشورت پرداخت. سلمان گفت: در میان عجم این گونه رسم بود که اگر سپاهی به شهری حمله می کرد و مردم شهر یارای مقاومت نداشتند، اطراف شهر را خندق میکندند و از یک طرف جنگ می کردند.

خداوند متعال به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم وحی فرستاد که به پیشنهاد سلمان عمل کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم جای خندق را تعیین کرد و برای هرکس ده ذراع (حدود پنج متر) مشخص کرد تا حفر نماید.

جابر می گوید: روزی در مسیر خندق، سنگی ظاهر شد که هیچ کس توان نداشت آن را بشکند. دوستانم مرا فرستادند تا قضیه را به عرض رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم برسانم. به محضر مبارک آن حضرت رسیدم. دیدم به پشت خوابیده و سنگی را نیز به شکم بسته است. قضیه را گفتم. حضرت برخاست و با من آمد. مقداری آب بر دهان گرفت و به سنگ پاشید. کلنگ را برداشت و به سنگ زد. برقی جهید. مسلمانان در روشنایی آن برق کاخ های یمن را دیدند. و ضربه دوم را وارد کرد، باز هم برق زد و در آن، کاخ های ایران و عراق را دیدند. هنگامی که ضربه سوم را وارد ساخت، سنگ قطعه قطعه شد.

آنگاه پرسید: در هر جهش برق چه دیدید؟ گفتند: کاخ های فلان کشورها را. فرمود: هر چه را دیدید، آنها را فتح خواهید کرد.

جابر می گوید: در خانه یک صاع جو و یک گوسفند داشتیم. به همسرم گفتم: رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم از گرسنگی سنگ به شکم بسته بود! ای کاش اینها را می پختیم و ایشان را دعوت می کردیم.

همسرم گفت: برو این مطلب را به پیامبر بگو. تا اگر اجازه داد، این کار را بکنیم. رفتم و گفتم: یا رسول الله! در خانه غذایی داریم. ناهار را میهمان ما باش. فرمود: «در خانه چه دارید؟» گفتم: یک صاع جو و یک گوسفند. فرمود: «تنها بیایم یا با کسی که دوست دارم؟» خجالت کشیدم بگویم، تنها بیا. گفتم: «با هر که دوست دارید بیاید.» و خیال کردم فقط علی علیه السلام را با خود خواهد آورد.

برگشتم به خانه و به همسرم گفتم: تو نان را بپز. من نیز گوسفند را ذبح می کنم. وقتی کار را تمام کردیم، گوسفند را قطعه قطعه کردیم و در دیگی ریختیم. و بالأخره غذا پخته شد. گفتم: یا رسول الله، غذا را حاضر کردیم. تشریف بیاورید.

حضرت بر لب خندق ایستاد و با صدای بلند گفت: ای مسلمانان! جابر شما را به ناهار دعوت می کند. دعوت او را اجابت کنید. تمام مردم به دنبال رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به راه افتادند. در راه نیز حضرت به هر کس می رسید او را به همراه خود می آورد. با سرعت دویدم به طرف خانه و جریان را به همسرم گفتم.

همسرم گفت: تو مگر به رسول خدا نگفتی ما چقدر غذا داریم؟ گفتم: چرا؟ همسرم گفت: پس نترس او به آنچه انجام می دهد داناتر است. پی بردم که همسرم از من آگاه تر است.

ص: 52

مردم آمدند. رسول خدا فرمود تا بیرون از خانه نشستند و خودش با علی ما وارد خانه شد. به تنور نگاه کرد و نان ها را دید و آن را متبرک ساخت. سر دیگ را برداشت و نگاه کرد و به همسرم گفت: نانها را از تنور در بیاور و یکی یکی به من بده. زن نانها را در می آورد و رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و علی علیه السلام آنها را در آب گوشت خرد می کردند. همسرم وقتی دوباره دستش را به تنور می کرد، می دید جای نان ها پر شده است. تا این که ظرف پر شد. سپس فرمود: «ده نفر وارد شوند و بخورند». ده نفر می آمدند و می خوردند و سیر می شدند، اما غذا به حال خود بود.

جابر می گوید: به من هم می فرمود: «ذراع گوسفند بده». پس از آن ده نفر دیگر وارد می شدند و می خوردند و سیر می شدند و از غذا چیزی کم نمی شد و پیوسته می فرمود: «ذراع بده». سه گروه آمدند و غذا خوردند. آخر گفتم: یا رسول الله، گوسفند چند ذراع دارد. فرمود: «دو ذراع» گفتم: تا به حال سه ذراع به شما داده ام.

فرمود: «اگر ساکت می ماندی، تمام مردم از ذراع می خوردند». همه خوردند و سیر شدند. سپس به من فرمود: «بیا با هم بخوریم». من، پیامبر و علی غذا خوردیم، ولی از نان و گوشت چیزی کم نشده بود. و بدین منوال چند روز از آن غذا خوردیم.(1)

سه نکته کلیدی

اشاره

امام صادق عیله السلام می فرمودند: روزی فاطمه سلام الله علیها نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم رفت و

1- الخرائج و الجرائح، ج 1، ص 152؛ بحار الأنوار، ج18، ص 32.

در باره برخی از مشکلات زندگی خود شکوه نمود. رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم لوحی در اختیار دخترشان قرار دادند و فرمودند: آنچه را که در آن نوشته شده است بیاموز. در آن لوح نوشته شده بود:

من کان یؤمن بالله و الیوم الآخر فلایؤذی جاره و من کان یؤمن بالله و الیوم الآخر فلیکرم ضیقه ومن کان یؤمن بالله و الیوم الآخر فلیقل خیراً أو لیسکت؛(1) کسی که به خداوند و آخرت ایمان دارد، همسایه خود را آزار نمیدهد. و کسی که به خداوند و آخرت ایمان دارد، میهمان خویش را گرامی میدارد. و کسی که به خداوند و آخرت ایمان دارد، یا سخن نیکو و شایسته می گوید و یا سکوت می کند.

در این حدیث سه نکته اساسی کلیدی وجود دارد. همین سه جمله کافی است که مشکلات اجتماعی ما را بر طرف کند.

1)مراعات حق همسایه

نکته نخست در باره همسایه و رعایت حق اوست، مخصوصا آنهایی که آپارتمان نشینند.

شخصی می گفت: من با کسی همسایه هستم. یک تیغه دیوار بین ما هست. سی سال است ما را اذیت می کند. ما نمی توانیم خانه مان را بفروشیم. ولی بارها از دست آنها گریه کرده ایم. خیلی باید مراعات همسایه را کرد و مراقب بود که حق او ضایع نشود. رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

1- الکافی، ج 2، ص 667؛ بحار الأنوار، ج 43، ص 62.

هل تدرون ما حق الجار ما تدرون من حق الجار إلا قليلا ألا لا يؤمن بالله واليوم الآخر من لا يأمن جاره بوائقه وإذا استقرضه أن يقرضه و إذا أصابه خير هناه و إذا أصابه شر عزاه ولا يستطيل عليه فی البناء يحجب عنه الريح إلا بإذنه و إذا اشتهی فاکهه فليهد له فإن لم يهد له فليدخلها سراً و لايعطی صبيانه منها شيئا يغايظون صبيانه؛ آيا ميدانيد حق همسايه چيست؟ شما از حقوق همسايه به جز اندکی نمی دانيد، هشيار باشيد. کسی که همسايه اش از وی در امان نباشد، ايمان به خدا و روز قيامت نياورده است. هرگاه از او وام خواست بايد به او بدهد، و هرگاه خيری به او رسيد، به او تبريک گويد، و اگر شری به او رسيد، به او تسليت بگويد. خانه خود را بلند نسازد که مانع ورود هوا به خانه اش گردد، مگر با اجازه او. هر گاه به ميوه ای احتياج پيدا کرد، به او هديه کند. و اگر هديه نکرد، پنهانی برايش بفرستد. و به کودکان خود چيزی ندهد که بچه های او را ناراحت کند.

سپس رسول خدا صلی الله عليه وآله وسلم فرمود: الجيران ثلاثه فمنهم من له ثلاثه حقوق حق الإسلام و حق الجوار وحق القرابه و منهم له حقان حق الإسلام و حق الجوار ومنهم من له حق واحد الکافر له حق الجوار؛ (1)همسايه ها سه دسته اند: بعضی از آنها سه حق دارند؛ حق اسلام، حق همسايگی ،حق خويشاوندی. و بعضی از آنها دو حق دارند؛ حق اسلام و حق همسايگی. و بعضی يک حق؛ کافر فقط حق همسايگی دارد.

1- روضه الواعظين، ج 2، ص 388؛ مستدرک الوسائل، ج 8، ص 424.

2)اکرام میهمان

دومین نکته ای که در لوحی که از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم به فاطمه سلام الله علیها رسیده است درباره اکرام میهمان است. فرمودند: اگر کسی خدا و معاد را قبول دارد، باید میهمان را اکرام کند. اکرام میهمان از لوازم ایمان به خدا و روز قیامت است. میهمان عزیز و هدیه خداست. هر چه در توان انسان است باید در جهت اکرام و احترامش تلاش کند و برای او سنگ تمام بگذارد. البته از آداب میهمانی این است که تکلفی به خرج ندهد، در عین حال از آنچه دارد دریغ و مضایقه نکند.

3)سخن خوب، یا سکوت

در سومین نکته فرمودند: کسی که مؤمن است و واقعا به خدا و قیامت ایمان دارد، یا حرف خوب بزند، یا ساکت باشد. اگر می توانی واقعا دلجویی کنی، آب روی آتش بریزی، دعواها و اختلافات را کم کنی، با محبت و زبان لطیف و قلب مهربان، انجام بده. اما اگر نمی توانی سکوت کن.

اگر کسی واقعا به خدا و معاد اعتقاد دارد، علامتش این است که زبانش را حفظ بکند. کسی که زبانش را حفظ نمی کند، مؤمن بودنش جای تأمل دارد. اگر نمی توانی حرف خوب بزنی سکوت کن. امیر المومنین علیه السلام می فرمایند:

کلام العاقل قوت و جواب الجاهل سکوت؛ (1) سخن عاقل قوت است، و جواب نادان سکوت است.

سخن عاقل قوت است، یعنی قوت روح و جان انسان است. گاهی یک جمله از انسان عاقل و حکیم آتشی را خاموش می کند و اوضاع را آرام

1- عیون الحکم و المواعظ، ص 395.

می نماید و به انسان قوت درک و فهم مطلب را می دهد.

نوشته اند: کسی میهمان حکیمی شد. این حکیم خانمی بداخلاق داشت. سفره انداختند. خواستند غذا بخورند. این خانم بداخلاق ناراحت بود. آمد سفره را کشید و همه چیز را به هم ریخت. میهمان خیلی ناراحت شد. آن مرد حکیم به میهمان گفت: آرام باش. حوادث جهان ناپایدار است و مهم نیست.

بعد مثالی برای او زد و گفت: اگر ما سفره انداختیم و آماده خوردن غذا شدیم، ناگهان مرغی وسط سفره پرید و با پر و بالش اوضاع سفره را به هم ریخت، چه کار می کنیم؟ گفت: پرنده است عقلش نمی رسد. گفت: خانم من را یک پرنده حساب کن. عقلش به اندازه یک پرنده است. گفت راست می گویی.

توصیه های امیرالمؤمنین علیه السلام

بر اساس روایات اهل بیت علیهم السلام با کسی که در این دنیا اهل میهمانی و رفت و آمد نباشد، می توان گفت از خط اسلام بیرون است. چنان که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

ومن کان یؤمن بالله و الیوم الآخر فلیکرم ضیفه؛(1) و کسی که به خداوند و آخرت ایمان دارد، میهمان خویش را گرامی میدارد.

اگر کسی اعتقاد به خدا و قیامت دارد، باید حرمت میهمان را نگه دارد. میهمان دوست باشد. به میهمان اهمیت بدهد. این سفارش را هم مولا امیر المؤمنین علیه السلام به هنگام شهادت به امام حسن مجتبی علیه السلام فرمودند:

أوصیک بحسن الجوار و إکرام الضیف و رحمه المجهود و

1- الکافی، ج 2، ص 667؛ بحار الأنوار، ج 43، ص 62.

أصحاب البلاء و صله الرحم و حب المساکین ومجالستهم؛(1)به تو سفارش می کنم به خوش همسایگی، و گرامیداشت میهمان و ترحم بر رنجکش و گرفتارها، و صله رحم، و دوستی مستمندان و همنشینی با آنان.

خوب زیستن با افرادی که با آنها مصاحبت و معاشرت داریم، یکی از اصول اولیه اخلاق اسلامی است. یک مسلمان در هر ارتباطی وظیفه خاصی به عهده دارد. با همسایه باید حسن همجواری داشته باشد و حق همسایگی را که جز نیکی نیست ادا کند. وظیفه در برابر میهمان اکرام و احترام و بزرگداشت و پذیرایی است. همین طور در برابر ضعیفان جامعه و خویشان و بستگان وظایف سنگینی بر دوش دارد. امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: «أوصیک بحسن الجوار»؛ فرزندم، اول خوب زیستن با افرادی که با ما زندگی می کنند را به تو توصیه می کنم. «و إکرام الضیف»؛ و حرمت نگه داشتن میهمان و گرامی داشتن او. «ورحمه المجهود و أصحاب البلاء»؛ یعنی با افرادی که در رنج و زحمت هستند مهربان باشیم. یکی گرفتار بی پولی و فقر هست، یکی گرفتار معلولیت است، یکی در جامعه طرد شده است، کسی او را تحویل نمی گیرد.

مرحوم حاج شیخ عباس تهرانی می فرمود: بروید سراغ کسانی که دل شکسته هستند. بروید با آنها هم نشینی کنید. «وصله الرحم، صله رحم کنید. «و حب المساکین و مجالستهم»؛ افراد مستمند و ضعیف را دوست بدارید و با آنها معاشرت داشته باشید.

1- بحار الأنوار، ج 71، ص 411.

از ما نیست

جمعیت زیادی از ملیتهای مختلف در منزل امام صادق علیه السلام جمع بودند. جمعیت به قدری زیاد بود که جای نشستن نبود. حضرت خطاب به جمعیت فرمودند:

یا شیعه آل محمد اعلموا أنه لیس منا من لم یملک نفسه عند غضبه ومن لم یحسن صحبه من صحبه و مخالقه من خالقه و مرافقه من رافقه و مجاوره من جاوره و ممالحه من مالحه یاشیعه آل محمد اتقوا الله ما استطعتم و لا حول و لا قوه إلا بالله؛(1) ای شیعه آل محمد، آگاه باشید که از ما نیست آن کس که هنگام خشم نتواند خود داری کند، و از ما نیست کسی که با هم نشین خود خوشرفتاری نکند، و با هم خوی خود خوش خلقی نکند، و با رفیق خود رفاقت نکند، و با همسایه خود خوش همسایگی نکند، و با هم خوراک خود مراعات خوراک نکند، ای شیعه آل محمد تا میتوانید از خدا بپرهیزید. و لا حول و لا قوه الا بالله.

این که فرمودند: از ما نیست، تعبیر بسیار تندی است. شیعه ما نیست، جزو ما نیست، یعنی ارتباط و اتصالش با ما قطع است. کسی که مالک غضبش نباشد، به یک تلنگر جوش می آورد. خیلی مواظب باشیم. مالک غضبمان باشیم. با یک بوق ماشین از کوره در نرویم. فرمودند: کسی که مالک غضب و خشمش نباشد جزو ما نیست.

نخستین علامت شیعه بودن این است که بر خشمت کنترل داشته باشی.

1- الکافی، ج 2، ص 637.

ممکن است گاهی انسان ناراحت شود، این طبیعی است. ولی کسی که انتقاد پذیر نیست و به هر بهانه ای تند می شود، جزو دوستان اهل بیت نیست. شک نکند.

فرمودند: از ما نیست کسی که معاشرتش با دیگران پسندیده نباشد. باید حقوق آنهایی را که با ما هم نمک و هم سفره می شوند مراعات کرد. یکی می گفت: شوهر من این قدر پررو و بی انصاف است که مغز هندوانه را خودش می خورد و بقیه اش را برای ما می گذارد. این خیلی نامردی است. بعضی ها انسانیت ندارند.

ص: 60

3_اهمیت اطعام

اشاره

ص: 61

سورهٔ انسان که به سوره دهر یاهل أتی معروف است، درباره اهل بیت علیهم السلام نازل شده است. شاید نظیر این سوره در قرآن نداشته باشیم. تعبیرهایی که در این سوره آمده است بسیار جالب توجه است.

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا؛(1) همانا نیکان از جامی مینوشند که آمیزه ای از کافور دارد، چشمه ای که بندگان خدا از آن مینوشند و به دلخواه خویش جاریش می کنند.

وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلاً عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلاً وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَنْثُورًا؛(2)و در آنجا از جامی که آمیزه زنجبیل دارد به آنان مینوشانند. از چشمه ای در آنجا که «سلسبیل» نامیده میشود. و بر گرد آنان پسرانی جاودانی می گردند. چون آنها را ببینی، گویی که مرواریدهایی پراکنده اند.

عَالِيَهُمْ ثِيَابُ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُّوا أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ وَ

1- سوره انسان، آیه 5 و 6.

2- سور انسان، آیه 19 - 17

سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا؛(1) [بهشتیان را] جامه های ابریشمی سبز و دیبای ستبر در تر است و پیرایه آنان دستبندهای سیمین است و پروردگارشان باده ای پاک به آنان مینوشاند.

امثال این تعبیرها را هیچ کجای قرآن نداریم. معمولا در قرآن وقتی ذکر بهشت می شود، از حورالعین نامی برده می شود، ولی در آیات این سوره به احترام حضرت زهرا سلام الله علیها نامی از حورالعین برده نشده است.

چرا خداوند در این سوره این همه طبل برای اهل بیت علیهم السلام زده است. نمی گوید اهل بیت به میدان جنگ رفته و جهاد کرده اند. موضوع جهاد نیست. نمی گوید نماز شب خوانده اند، یا عبادت فوق العاده داشته اند. می فرماید:

وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا؛(2) و به پاس دوستی خدا، بینوا و یتیم و اسیر را خوراک میدادند.

محور فضیلتی که در این سوره برای اهل بیت علیهم السلام آمده و خدا این همه آثار و برکات برایش ذکر کرده است، به خاطر اطعام است.

با این که خودشان نیاز به آن طعام داشتند، از روی عشق و محبت به خدا ایثار نمودند و غذای خودشان را به دیگران دادند. نکته مهم در این آیه این است که می فرماید: «مسکینا ویتیما و أسیرا». نمی گوید مساکین، ایتام و اسرا یعنی یک نفر بوده است.

آیا فرشته ای بوده و به شکل آدم در می آمده است، یا یک فقیر واقعی بوده است، چندان اهمیت ندارد. این که همه غذای خودشان را به آن داده اند مهم

1- سوره انسان، آیه 21.
2- سوره انسان، آیه 8.

است. اهل بیت چه می دیدند که لقمه را از دهان خودشان و فرزندانشان می زدند و حاضر می شدند گرسنگی بکشند تا دیگری گرسنه نماند؟!

انفاق مازاد بر نیاز

زیادی اموال را باید انفاق کرد. چنان که در قرآن آمده است:

یَسْأَلُونَکَ مَاذَا یُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ؛(1) از تو میپرسند: «چه چیزی انفاق کنند؟» بگو: «مازاد بر نیازمندی خود را.»

بعضی فکر می کنند اگر خمس و زکات دادند، دیگر چیزی به گردنشان نیست. اگر حتی غیر مسلمان هم گرفتار باشد، باید انفاق کرد. مگر اهل بیت علیهم السلام به غیر مسلمان اتفاق نمی کردند؟ مگر نفرمودند: «أکرم الضیف و لو کان کافراً»(2) میهمان یا سائل شرطش مؤمن بودن و مسلمان بودن نیست.

البته به کسانی که با اهل بیت علیهم السلام دشمنی می کنند، نباید کمک کرد. ولی اگر دشمن اهل بیت، مثل ابن ملجم اسیر شده باشد، باید به او انفاق کرد. دیدید که امیر المؤمنین علیه السلام چگونه غذای خود را برای او فرستادند. دیدید که وقتی سپاه معاویه از نظر آب به مخاطره افتادند به آنان آب دادند. به خاطر این که یک موجود زنده باید تشنگی اش برطرف شود. نه این که بخواهیم به دشمن کمک کنیم. این ناجوانمردانه است که حتی به دشمن آب ندهیم. یا به خاطر گرسنگی زجرکش شود.

به جز خمس و زکات انفاق های دیگر بعضی جاها واجب است و بعضی جاها مستحب است.

1- سوره بقره، آیه 219.
2- جامع الاخبار، ص 84.

ایثار از خود

اگر انسان بخواهد ایثار کند، باید از خودش مایه بگذارد، نه از دیگران. خانمی می گفت: شوهر من فرش های خانه را برده به فقرا داده و گفته است خودمان روی موکت زندگی کنیم. اگر خانواده راضی هستند اشکالی ندارد. وگرنه نمی توانی به خاطر این که ایثارکنی از خانواده کم بگذاری. از لقمه خودت می توانی به دیگری بدهی.

حضرت زهرا سلام الله علیها یا فضه خادمه خودشان دوست داشتند ایثار کنند. ایثار یعنی دیگران را بر خود مقدم کردن. این خیلی مهم است. در بعضی روایات آمده است که اسیری که به خانه فاطمه سلام الله علیها آمد مسلمان نبود، مشرک بود. این یعنی لقمه دهانشان را به غیر مسلمان دادند. و این آیات عجیب درباره شان نازل شد. خداوند در این سوره هفده نعمت از نعمت های مهم آخرتی و بهشتی را بر می شمارد، بعد می فرماید:

إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا؛(1) این پاداش شماست، و سعی و تلاش شما مورد قدردانی است!

این تعبیر و این گونه تقدیر در همین یک مورد از قرآن آمده است. چه کسی حاضر است سه روز تنها با آب افطار کند و غذای خود را به دیگران بدهد. شاخصه مهم سوره هل اتی اطعام است.

سه عمل برگزیده

اشاره

آیات و روایاتی که در باره اطعام و میهمانی آمده است شگفت انگیز است.

1- سوره انسان، آیه 22.

پیغمبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

خیرکم من أطعم الطعام و أفشی السلام و صلی و الناس نیام؛ (1) بهترین شما کسی است که سفره دار باشد، و ترویج سلام کند، و در دل شب که مردم در خواب اند نماز بگزارد.

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم سه چیز را از میان این همه عمل برگزیدند؛ اول اطعام، دوم ترویج سلام، و سوم نماز شب.

1)اطعام طعام

در اطعام برکات فراوانی هست. گاهی یک اطعام موجب نجات انسان از عذاب دوزخ می شود. امام صادق علیه السلام فرمودند: عابدی هشتاد سال عبادت کرد. بعد از هشتاد سال عبادت، شیطان فریبش داد و دامنش به گناه آلوده شد و با خانمی ارتباط نامشروع برقرار کرد.

باید به خدا پناه ببریم. عبادت، علم، موقعیت، شرایط، اسم و رسم یک وقت گولمان نزند. نگوییم به جایی رسیدیم و تفاخر کنیم. ممکن است همان وسیله زمین خوردن ما باشد. هشتاد سال حیثیت و آبرو جمع می کند، ولی در ظرف چند دقیقه همه را به آتش می کشد. خراب کردن خیلی آسان است. ولی ناامید هم نباشیم. چیزهایی هست که همه آتش ها را خاموش می کند و باغ و گلستان درست می کند.

خدای متعال هم آن عابد را توبیخ و عبادات هشتاد ساله اش را پاک کرد. چون در روایات آمده است: کسی که این عمل را انجام دهد، روح ایمان از او

1- الکافی، ج 4، ص 50؛ وسائل الشیعه، ج16، ص 330.

گرفته می شود. البته اگر توبه کند بر می گردد. اما اگر به همان حال بمیرد، بی ایمان از دنیا رفته است.

این عابد گناهکار بعد از مدتی بیمار شد و به حالت احتضار افتاد. در این حال فقیر گرسنه ای آمد و گفت: به من کمک کن. در حال جان دادن بود و زبانش بند آمده بود. نمی توانست حرف بزند، ولی با چشم به آن سائل فقیر اشاره کرد که از انبان غذایی که در کنارش بود غذا بردارد و استفاده کند.

امام صادق علیه السلام فرمودند: به خاطر این اطعام و انفاق و احسان، خدای متعال، هم گناهی را که مرتکب شده بود بخشید و هم هشتاد سال عبادتش را به پرونده اعمالش برگرداند.(1)

همین یک حدیث در اهمیت اطعام کافی است. اطعام هم گناهان را پاک می کند و هم عبادت محو شده را بر می گرداند. هشتاد سال عبادتش را برگرداند.

حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام از خداوند پرسید: «یا رب من أطعم جائعا فما جزاؤه؛پروردگارا، پاداش کسی که گرسنه ای را سیر کند چیست؟» خداوند فرمود:

جزاؤه الغفران و إن کان ذنوبه یملا ما بین السماء والأرض؛(2) پاداش او بخشش گناهان است، هرچند گناهانش بین زمین وآسمان را پر کرده باشد.

2)افشای سلام

افشای سلام، یعنی رواج دادن و علنی کردن سلام. هم سلام کند و هم سلام را ترویج دهد. تظاهر به سلام کار خوبی است. افشاء یعنی اظهار کردن.

1- ثواب الاعمال، ص 139، وسائل الشیعه، ج 9، ص 380؛ بحار الانوار، ج 93، ص 123.
2- جامع الأخبار، ص 109؛ بحار الأنوار، ج69، ص 47.

خیلی عجیب است. پیغمبر سیره ای که به چشم نمی آید چقدر دوست داشتند! سلام کردن هزینه ندارد. بدون هزینه انسان می تواند به خدا و رسولش تقرب بجوید. پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

أولی الناس بالله و برسوله من بدأ بالسلام؛(1) نزدیک ترین مردم به خدا و رسولش کسی است که گفتارش را با سلام آغاز کند.

نمی گوید: کسی که سالها ریاضت بکشد، از همه به خدا و پیغمبر نزدیک تر است. چه اشکالی دارد که در محل کار هر وقت به یک آدم برخورد می کنیم سلام کنیم. این افشای سلام است. اگر همین سلام کردن در جامعه رایج شود، جامعه بهشتی می شود. سلام نام خداست. یعنی خدا با تو باشد. خدا بین من و تو باشد. خدا با ما باشد. قرآن هم می فرماید:

فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُیُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَی أَنْفُسِکُمْ تَحِیَّةً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَکَةً طَیِّبَةً؛(2) هنگامی که داخل خانه ای شدید، بر خویشتن سلام کنید ،سلام و تحیتی از سوی خداوند، سلامی پر برکت و پاکیزه!

امام باقر علیه السلام در این باره فرمودند:

إذا دخل الرجل من بیته فإن کان فیه أحد یسلم علیهم و إن لم یکن فیه أحد فلیقل السلام علینا من عند ربنا یقول الله تحیه من عند الله مبارکه طیبه؛ (3) چون کسی از شماها به خانه در آید، اگر در آن کسی باشد، بر آنها درود گوید. و گرنه بگوید: درود بر ما از سوی پروردگار ما. خداوند می فرماید: سلام و تحیتی از سوی

1- الکافی، ج 2، ص 644؛ وسائل الشیعه، ج 12، ص 56.
2- سوره نور، آیه 61.
3- بحار الأنوار، ج 73، ص 3؛ تفسیر نور الثقلین، ج 3، ص 627.

خداوند، سلامی پر برکت و پاکیزه!

انس می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به من فرمودند:

یا أنس سلم علی من لقیت یزید الله فی حسناتک و سلم فی بیتک یزید الله فی برکتک؛(1) ای انس، به هرکس بر خوردی، سلام کن تا خداوند بر حسنات تو بیفزاید. و در خانه خودت سلام کن تا خداوند در برکت تو بیفزاید.

بنابراین، اگر وارد خانه یا اتاق شدید و هیچ کس نبود، بگویید: «السلام علینا من عند ربنا؛ درود بر ما از سوی پروردگار ما!» در حقیقت خودت به خودت سلام نموده ای و برای خود آرزوی سلامت کرده ای.

3)خلوت شب

سوم این که در خلوت شب تاریک که همه خوابند و بوی ریا نمی آید، نماز بگزارد و با خدا راز و نیاز کند. خداوند در باره اهل ایمان می فرماید:

تَتَجَافَی جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ یَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ یُنْفِقُونَ فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِیَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْیُنٍ جَزَاءً بِمَا کَانُوا یَعْمَلُونَ؛ (2) پهلوهایشان از خوابگاه ها جدا می گردد و پروردگارشان را از روی بیم و طمع میخوانند، و از آنچه روزی شان داده ایم انفاق میکنند. هیچ کس نمی داند چه چیز از آنچه روشنی بخش دیدگان است به پاداش آنچه انجام میدادند برای آنان پنهان شده است.

1- بحار الأنوار، ج 73، ص 3.
2- سوره سجده، آیه 17 و 18.

هم در خلوت شب به نماز و راز و نیاز می پردازند و هم اهل انفاق هستند. و خداوند پاداشی به آنها می دهد که در تخیل انسان نمی گنجد و قابل تصور نیست. امام باقر علیه السلام در باره این آیه فرمودند:

أنزلت فی أمیر المؤمنین علیه السلام و أتباعه من شیعتنا ینامون فی أول اللیل فإذا ذهب ثلثا اللیل أو ما شاء الله فزعوا إلی ربهم راغبین راهبین طامعین فیما عنده فذکرهم الله عزوجل فی کتابه لنبیه و أخبرهم بما أعطاهم و أنه أسکنهم فی جواره و أدخلهم جنته و آمن خوفهم و آمن روعتهم؛(1) این آیه در باره امیرالمؤمنین علیه السلام و پیروان آن حضرت که از شیعیان ما هستند نازل شده است. ایشان در آغاز شب می خسبند و چون دو سوم از شب یا اندکی بیش و کم چندان که خدا خواهد بگذرد، برخیزند و باحال اشتیاق و ترس از عذاب و امیدواری و چشمداشت به ثواب هایی که نزد اوست، ملتمسانه به پروردگارشان توسل جویند. پس خداوند عز و جل در کتاب خویش برای پیامبرش آنان را یاد می کند، و ایشان را از آنچه به آنان عطا می فرماید آگاه می سازد و خبردارشان می کند که آنان را در جوار خویش جای می دهد و داخل بهشت می کند و از بیم و هراس و خوف، ایمنشان می سازد.

قدیم مردم زود می خوابیدند. این وسائل غفلت زا مثل رسانه ها و وسائل ارتباطی به این گستردگی نبود. زود میخوابیدند و به هنگام سحر که خلوت ترین زمان در شب و بهترین وقت برای ارتباط با خداست بلند

1- من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 481؛ بحار الأنوار، ج 84 ص 151.

می شدند و به عبادت می پرداختند. زمان سحر تا طلوع آفتاب بهترین زمان در شبانه روز است و حیف است انسان آن را به خواب غفلت بگذراند.

همت در اطعام

مرحوم آقای دولابی می فرمودند: کشاورزان یک کار اصلی دارند، مثلا برنج یا گندم می کارند. در عین حال در باغچه، یا کنار جوی آب هم چند تا درخت می کارند تا میوه بدهد. یا محصول دیگری در کنار کار اصلی خود می کارند تا اگر محصول اصلی خراب شد، یا به بار ننشست، کنارش چیز دیگری داشته باشند.

بعضی مواقع می بینی آن سرمایه اصلی آفت می خورد، ولی آن کار کناری می گیرد. بنابراین، هیچ عمل کوچکی را دست کم نگیرید. شاید آن کاری که روی آن حساب می کردیم نمی گیرد و کاری که به حساب نمی آوردیم می گیرد. بیاییم در کنار کارهایمان خدماتی، احسانی، اطعامی هم برای خود داشته باشیم. امام صادق علیه السلام فرمودند:

أوحی الله عز وجل إلی داؤد علیه السلام إن العبد من عبادی لیأتینی بالحسنه فأبیحه جنتی؛ خداوند به داوود وحی کرد که بنده ای از بندگان من حسنه ای به جا می آورد و من به سبب آن حسنه بهشت را بر وی مباح می گردانم.

داوود علیه السلام عرض کرد: «یا رب و ما تلک الحسنه؛ پروردگارا، آن حسنه کدام است؟» فرمود:

یدخل علی عبدی المؤمن سروراً و لو بتمره؛ این که بر بنده

مؤمن من یک سرور و خوشحالی وارد سازد، هرچند به یک دانه خرما باشد.

داوود علیه السلام گفت:

یا رب حق لمن عرفک أن لا یقطع رجاءه منک؛(1) ای پروردگار من، کسی که تو را شناخت سزاوار است از تو قطع امید نکند.

برخی می گویند: ما می خواهیم اطعام بدهیم، اما پول می خواهد، جا می خواهد، مقدمات می خواهد. خیر! همت می خواهد. نیت می خواهد. من کسی را می شناسم که شاید آسمان جل است، ولی در طول سال منزلش میهمان دارد. سفره پهن می کند و خیرین هم کمکش می کنند. ولی بانی اصلی اوست. زحمتی که او می کشد خیلی مهم تر است.

فاصله گرفتن از آتش جهنم

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در ضمن خطبه ای در فضیلت ماه مبارک رمضان، در باره اطعام به هنگام افطار فرمودند:

أیها الناس من فطر منکم صائماً مؤمناً فی هذا الشهر کان له بذلک عند الله عز و جل عتق رقبه ومغفره لما مضی من ذنوبه فقیل له یا رسول الله لیس کلنا یقدر علی ذلک فقال اتقوا النار ولو بشق تمره اتقوا النار ولو بشربه من ماء؛(2) ای مردم هر کس در این ماه، روزه داری مؤمن را افطاری دهد، در مقابل این کار نزد خداوند، ثواب آزاد سازی یک برده و نیز بخشش گناهان

1- الکافی، ج 2، ص 189؛ بحار الأنوار، ج 14، ص 34.
2- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص: 295؛ بحار الأنوار، ج93، ص 317.

گذشته اش را خواهد داشت. گفته شد: یا رسول الله، همه ما توان این کار را نداریم. حضرت فرمودند: آتش را از خود دفع کنید، هرچند با تکه ای از یک خرما. آتش را از خود دفع کنید، هرچند با

یک جرعه آب.

ممکن است یک دانه خرمای یک آدم بی بضاعتی به اندازه یک ثروتمندی که صدها نفر را اطعام می دهد برابری کند؛ چون بی بضاعتی به اندازه وسعش اطعام می کند، ولی ممکن است یک ثروتمندی کمتر از وسعش اطعام کند.

می فرماید: از آتش جهنم فاصله بگیرید هر چند به نصف خرما. یعنی ممکن است نصف خرما شما را از آتش جهنم نجات دهد.

گاهی در راه سنگی افتاده است که ممکن است به دیگران آسیب برساند. شما سنگ را بر می دارید. خدا می فرماید: برای دیگران خیر خواستی من بهشت را بر تو واجب کردم. در کوچه یک شاخه سر راه آمده است. ممکن است به صورت کسی بخورد. این مانع را بر می داری، خدا می فرماید: به خاطر همین، بهشت را بر تو واجب کردم.

خدا دوست دارد به دیگران خیر برسانید، هرچند در نظر شما اندک باشد. بی تفاوت نباشید. کار برای خدا اگر چه کم باشد بزرگ است.

انفاق به دست خویش

هیچ وقت به این امید نباشید که وصیت کنید که بعد از ما چنین و چنان کنند. چیزی که انسان در زمان حیات خودش بدهد، هر چند یک لقمه نان باشد، از ده هزار دیناری که وصیت کند که بعد از او بدهند بالاتر است.

ص: 74

یک نفر یک انبار خرما وصیت کرد و پیغمبر را وصی خودش قرار داد. پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم بعد از فوتش در انبار را باز کردند و شروع کردند به فقرا انفاق کردن. وقتی خرماها تمام شد، یک خرمای مانده را در دست گرفتند و فرمودند: اگر این آدم در زمان حیاتش این دانه خرما را با دست خودش میداد، بالاتر از یک انبار خرماست که من رسول الله بعد از او دادم.(1)

یک لقمه در برابر یک لقمه

می گویند: خانمی در بیابان با کودک خردسالش زندگی می کرد. درویش گرسنه ای نزد او آمد و گفت: به من کمک کن. او هم قرص نانی که برای ناهار خودش آماده کرده بود به او داد. همان طور که مشغول لباس شستن بود، گرگی آمد و بچه او را که مشغول بازی بود، گرفت و برد. و او کاری از دستش برنیامد. بعد از لحظاتی دید کسی بچه را سالم آورد و گفت: «لقمه بلقمه» من فرشته ای هستم که خدا من را خلق کرد و مأمور ساخت تا به خاطر آن لقمه طعامی که به آن درویش دادی، بچه تو را نجات دهم.

مرحوم آیت الله مرعشی نجفی رحمه الله فرموده بودند: ما حاضریم پول دکتر و دوا را بدهیم، اما وقتی به ما می گویند یک گوسفند بکش و به فقرا بده، یا چند نفر از فامیل را به خانه ات دعوت کن میهمانی بده، برایمان سخت است. یکی از آثار مهم اطعام و میهمانی دادن و سفره داری این است که بلاها را از خانه می برد.

برتری میهمان

ابومحمد وابشی می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام از اصحاب ما (شیعیان)

1- گناهان کبیره. ج 2، ص 211.

یاد شد. من گفتم: من صبحانه و شامی نمیخورم، مگر با دو تن و سه از آنها. حضرت فرمودند:

فضلهم علیک أعظم من فضلک علیهم؛ فضیلت آنها بر تو بیش از فضیلت تو بر آنهاست.

عرض کردم: قربانت، چگونه چنین است، در صورتی که من خوراک خودم را به آنها می خورانم و از مالم به آنها انفاق می کنم و عیالم را خدمتگزارشان می سازم ؟! فرمودند:

إنهم إذا دخلوا علیک دخلوا برزق من الله عز و جل کثیر و إذا خرجوا خرجوا بالمغفره لک؛(1)آنها چون وارد می شوند، همراه روزی بسیاری از جانب خدای عز و جل وارد میشوند و چون خارج می گردند، آمرزش را برای تو به جا می گذارند.

خیلی جالب است. حضرت فرمودند: آنهایی که می آیند و میهمان شما می شوند، برتر از تو هستند که از آنها پذیرایی می کنی؛ چون آنها باعث خیر می شوند. میهمان به ما خیر می رساند، روزی ما را زیاد می کند. میهمان هدیه خداست. وقتی می آید برای خود و خانواده ات آمرزش می آورد. وقتی هم که از خانه بیرون می رود، گناهان خود و خانواده ات را می برد. انسان نباید بر میهمان منت بگذارد، بلکه باید منت پذیر میهمان باشد.

میهمان امام زمان علیه اللسام

پیغمبر خدا مشغول نماز بودند. وسط نماز حضرت عده ای از آنجا گذر

1- الکافی، ج 2، ص 202؛ بحار الأنوار، ج 71، ص 375.

می کردند. فهمیدند که پیغمبر اینجاست. چون عجله داشتند، رفتند و گفتند: سلام ما را به پیغمبر برسانید. بعد از تمام شدن نماز پیغام را به حضرت رساندند. حضرت آنها را توبیخ کردند که چرا از آنها پذیرایی نکردید.(1)

ما همه میهمان امام زمان علیه السلام هستیم و سر سفره آن حضرت نشسته ایم، ولی ای کاش قدری این مطلب را درک می کردیم. در زیارت امام زمان علیه السلام در روز جمعه می خوانیم:

و أنا یا مولای فیه ضیفک و جارک و أنت یا مولای کریم من أولاد الکرام و مأمور بالضیافه و الإجار فأضفنی و أجرنی؛(2) و من ای مولایم، در این روز میهمان تو و در پناه توام. و تو ای مولای من، کریم و از خاندان گرم و بزرگواری هستی و مأمور به میهمان نوازی و پناه دادن به خلقی. پس مرا به میهمانی بپذیر و در جوار خود پناهم ده!

حاج شیخ عباس قمی می گوید: سید بن طاووس بعد از این زیارت به این شعر متمثل می شده است:

نزیلک حیث ما اتجهت رکابی

وضیفک حیث کنت من البلاد(3)

یعنی ای امام زمان من هر کجا که می روم میهمان شما هستم. و هر کجا که باشم سر سفره شما هستم. ولی نعمت ما شما هستید. انسان باید با این دید نگاه کند که همه وقت و همه جا میهمان امام زمان و اهل بیت علیهم السلام است. میزبان ما چهارده معصوم علیهم السلام هستند. خدای مهربان است. این به انسان خیلی

1- المحاسن، ج 2، ص 416؛ بحار الأنوار، ج72، ص 457.
2- جمال الأسبوع ، ص 37.
3- مفاتیح الجنان، ص 125.

آرامش می دهد. یکی از بزرگان می فرمودند: اگر می خواهید آرامش کامل پیدا کنید، خود را میهمان خدا و اهل بیت علیهم السلام بدانید.

صاحبخانه در هزار فکر و خیال است. اگر به شما بگویند فردا شب چهل تا میهمان به خانه شما می آید، از حالا به فکر هستید که چه تهیه کنم. ولی میهمان بی خیال است. فکر و خیالی ندارد. صاحبخانه صدتا فکر و خیال پذیرایی دارد.

می فرمودند: اگر می خواهید از خیالات دنیا راحت باشید، خود را میهمان خدا بدانید. میهمان هر طور که پذیرایی شود، نباید شکایت کرد. باید راضی بود. در این صورت، هم به خودش خوش میگذرد، هم به میزبان.

یک سفارش دیگر هم این بود که بیاید خانه تان را خانه اهل بیت علیهم السلام قرار دهید. یعنی آقای خانه به قصد حضرت زهرا و ائمه علیهم السلام به خانواده اش خدمت کند. خانم خانه هم به قصد امیر المؤمنین و امام زمان عله به شما خدمت کند.

بزرگی می فرمود: من به خانم هایی که به قصد اهل بیت خدمت می کنند، غبطه می خورم. به بچه هاتان به قصد بچه های اهل بیت خدمت کنید. همه هم خودمان را میهمان اهل بیت و خدا بدانیم. بعد ببینید زندگی چقدر زیبا می شود !

برترین اعمال

پیغمبر سوار بر مرکب بودند. مردی لگام مرکب رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم را گرفت و عرض کرد: «یا رسول الله أی الأعمال أفضل؛ای رسول خدا، کدام یک از اعمال برتر است.» حضرت فرمودند:

إطعام الطعام و إطياب الكلام؛(1) خورانیدن طعام و گفتار نیک.

در باره افضل اعمال چندین روایت آمده است. این افضل نسبی است. یعنی نسبت به برخی از اعمال افضل است. مثلا در میان عبادات یکی افضل است. در میان علوم یکی افضل است. در میان مستحبات یکی افضل است. نسبت به زمان ها و مکان ها و موقعیت ها ممکن است افضل متفاوت باشد. ممکن است در میان آنها نیز یکی برتر و بالاتر از همه باشد. مثل این که نخبه زیاد است. باز در میان آنها یکی نخبه تر باشد.

در این روایت این شخص از پیغمبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم سؤال کرد، افضل اعمال چیست؟ پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: طعام دادن، یعنی خدا اطعام را دوست دارد. حتی اگر اطعام به کافر باشد. فرعون تا وقتی که سفره داری می کرد، عذاب نشد. وقتی میهمانخانه اش تعطیل شد، بعد از چند روز غرق شد. یعنی برای فرعون هم اثر دارد، چه برسد به مؤمن و مسلمان.

پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: ابن جزعان، در زمان جاهلیت کافر بود. به خاطر کفرش بهشت نمیرود، ولی عذابش کم است؛ چون سفره داری می کرد.(2)

پذیرایی معنوی

دیگر«اطیات الکلام» است. یعنی کلام پاکیزه و طیب گفتن. کلام اگر پاکیزه باشد، معجزه می کند.

إِلَیْهِ یَصْعَدُ الْکَلِمُ الطَّیِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ یَرْفَعُهُ؛(3) سخنان پاکیزه

1- المحاسن، ج 2، ص 387: بحار الأنوار، ج 68، ص 312.
2- دعائم الاسلام، ج 2، ص 104؛ بحار الانوار، ج 71، ص 368.
3- سوره فاطر، آیه 10.

به سوی او صعود می کند، و عمل صالح آن را بالا می برد.

عمل صالح گفتار پاکیزه را بالا می برد و به اوج می رساند. انسان باید حرف خوب بزند، خیرش هم به دیگران برسد، اطعام هم بدهد. میهمانی هم فقط به خوراک و خوراندن نیست. افرادی هم هستند که با علم خود از دیگران پذیرایی می کنند.

مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ؛(1) و از آنچه به آنها روزی داده ایم، انفاق می کنند.

بزرگان با دعاهایشان از ما پذیرایی می کنند، با علم و دانش و صفات و اخلاق و محبتشان از ما پذیرایی می کنند. اگر انسان پول ندارد، با محبت از دیگران پذیرایی کند. از آنان دلجویی کند، در غم و شادی آنها شریک شود. همدل و همنوا شود. میهمانی را هم توسعه بدهیم. ما که در خانه مان جا نداریم، پول هم نداریم، با همه چیز می شود پذیرایی کرد.

اگر نمی توانیم با مال پذیرایی کنیم، ولی با اخلاق خوب و خوش رویی می توان. حداقل آن یک سلام کردن است. رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم به فرزندان عبدالمطلب فرمودند:

یا بنی عبد المطلب إنکم لن تسعوا الناس بأموالکم فالقوهم بطلاقه الوجه و حسن البشر؛(2)ای فرزندان عبدالمطلب، شما نمی توانید با اموال خود به همه مردم گشایش دهید، پس با چهره باز و خوشرویی با آنان برخورد کنید.

1- سوره انفال، آیه 3.
2- الکافی، ج 2، ص 103؛ مشکاه الأنوار، ص 222؛ بحار الانوار، ج 71، ص 169.

کلام پاکیزه بالا می رود. چه چیز آن را بالا می برد؟ عمل صالح. گفتار خوب بالا می رود، ولی چاشنی آن عمل صالح است. هم سفره داری کنید و هم حرف پاکیزه بزنید. احسانمان را با منت و اذیت باطل نکنیم.

لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى؛(1) بخشش های خود را با منت و آزار، باطل نسازید.

تغییر شخصیت

وقتی می گویید: من چقدر برای تو زحمت کشیدم، من چقدر عرق ریختم، با این منت همه را خراب می کنید. مدام می گویند: فلانی مرد، آیا می شود یک روز هم بگویند منیت من مرد.

مرحوم آقای دولابی می فرمودند: یکی از لاتهای چاله میدان تهران به کربلا رفت. اسمش اکبر سبیل بود. از آن لات های ناجور بود. وقتی از کربلا برگشت، گفت: دیگر اکبر سبیل مرد. این اکبر غیر آن اکبر است.

کی می شود این نفس بمیرد. البته نمی میرد عوض می شود. نفس اماره نفس ملهمه و مطمئنه می شود. نفس راضیه و مرضیه می شود. مگر امامان تبدیل نمی کردند. ائمه علیهم السلام مظهر تبدیل کننده سیئات به حسنات هستند.

اکبر سبیل قبل از این که به کربلا برود شمر بود. وقتی برگشت، نوکر امام حسین علیه السلام شد. گفت: اکبر سبیل مرد. دورش را خط بگیرید. او فتنه گر بود. چاقوکش بود. این اکبر، همه مهربانی و محبت است.

افرادی لاابالی بودند، اما با یک تجلی و جذبه، با یک زیارت، با یک نگاه،

1- سوره بقره، آیه 264.

شخصیت دیگری شدند.

در حالات مرحوم ملا حسین قلی همدانی نوشته اند: یکی از شیوخ عرب که انسان مغرور و بی باک و شری بود، با اعوان و انصارش به زیارت آمده بود و برای خودش قیافه گرفته بود. ملا حسین قلی همدانی هم با شاگردانش در صحن امیرالمؤمنین علیه السلام بودند.

آن شیخ عرب با حالت تحقیر آمیزی گفت: این شیخ ها چه می گویند؟ این کیست که اینجا نشسته؟ ملا حسین قلی سرش را بالا می آورد و از او می پرسد: اسمت چیست؟ می گوید: ابو فره. می گوید: «أفرتت من الله أمن رسوله؛ از خدا فرار کرده ای یا از پیغمبر؟» که این قدر غرور تو را گرفته است.

این کلام او را منقلب و متحول می کند و دست از همه بدی هایش می کشد. بعد از مدت کمی از خوف خدا از دنیا می رود و ملا حسین قلی به تشییع جنازه او می رود و بر او نماز می خواند. در دعای ندبه می خوانیم:

وانظر إلینا نظره رحیمه، نستکمل بها الکرامه عندک، ثم لا تصرفها عنا بجودک؛ و بر ما به نظر لطف و رحمت نظر فرما تا با آن نظر لطف کرامت نزد تو را به حد کمال برسانیم. آن گاه دیگر هرگز نظر لطف را از ما برمگیر!

ص: 82

4_آداب میهمانی/1

اشاره

ص: 83

در باره ارزش و اهمیت میهمانی روایت فراوان است، ما به همین قدر بسنده می کنیم و به آداب و شرایط میهمانی می پردازیم که از اهمیت ویژه ای برخوردار است. ان شاء الله همه میهمان دوست هستیم و دوست داریم به میهمانی برویم و میهمانی بدهیم. اما میهمانی شرایط و آداب دارد که در اینجا به آن می پردازیم.

شناختن صاحبخانه

یکی از مهم ترین شرایط و آداب میهمانی، شناختن صاحبخانه است. شما میهمان می شوید. میهمان چه کسی می شوید؟ اول صاحبخانه را بشناسید.

در ماه رجب و شعبان و رمضان می خواهیم میهمان خدا شویم، صاحبخانه را باید بشناسیم. از این رو در شب اول ماه رمضان، مستحب است دعای جوشن کبیر خوانده شود. اصل ورود دعای جوشن کبیر در شب اول ماه رمضان است. مرحوم علامه مجلسی فرموده است: خوب است در شبهای قدر هم خوانده شود. یعنی شب اول باید ببینیم صاحبخانه کیست.

یا أجود الأجودین یا أکرم الأکرمین یا خیر مونس و أنیس یا خیر صاحب و جلیس؛ ای بخشنده ترین بخشندگان، ای کریم ترین کریمان، ای بهترین مونس و انیس، ای بهترین همراه و همنشین!

شب اول صاحبخانه را بشناس. خوب صاحبخانه ای داریم. انسان هوس می کند همیشه با این صاحبخانه باشد. بعضی ها وارد مجلس میهمانی می شوند، ولی اصلا نمی دانند صاحبخانه کیست. این اشتباه است. باید بدانیم آیا صاحبخانه آدم خوبی است یا نه. سخی است یا بخیل. دوست اهل بیت است یا دشمن اهل بیت. حلال و حرام را مراعات می کند یا نه.

تأثیر لقمه حرام

شریک بن عبدالله، از علمای برجسته در زمان خلفای عباسی است. چون عالم برجسته ای بود، مهدی عباسی به او گفت: تو عالم بزرگی هستی، باید یکی از این سه کار را قبول کنی؛ یا منصب قضاوت را قبول کن، یا معلم و مربی فرزندان من شو. اگر این دوتا را قبول نمی کنی، یک روز میهمان ما شو.

قبول نکرد. وقتی خیلی فشار آورد، فکری کرد و پیش خود گفت: قضاوت که کار خیلی سختی است. معلم خلیفه ناحق هم نمی شوم. ناچار میهمانی را قبول می کنم. حاکم جائر هم که تأثیر لقمه حرام را می دانست، به آشپزش گفت: از آن غذاهای حرام حاضر کن. خلاصه حرام را به خوردش دادند

شریک بن عبدالله از لقمه های چرب و حرام سلطان جائر خورد و بعد از چند روز خودش پیشنهاد داد که من حرفی ندارم معلم فرزندان تو بشوم. چند روز بعد از آن هم گفت: حاضرم قضاوت را هم قبول کنم. بالاخره همه را قبول کرد.

یک روز سر ماه آمد حقوقش را گرفت و نشست تا بشمرد. حسابدار خلیفه گفت: عجب آدم نفهمی هستی! تو با این همه سرمایه، پول هایت را

میشماری که کم نباشد؟ گفت: تو نفهمی، من دینم را به این پولها فروختم. (1)

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

من أكل الحلال قام على راسه ملک یستغفر له حتی یفرغ من أكله؛ هرکس روزی حلال بخورد، فرشته ای بالای سرش می ایستد و تا هنگام فراغت او از خوردن، برایش آمرزش می طلبد.

همچنین فرمودند:

إذا وقعت اللقمه من حرام فی جوف العبد لعنه كل ملک فی السماوات و فی الأرض وما دامت اللقمه فی جوفه لا ینظر الله إلیه و من أكل اللقمه من الحرام فقد باء بغضب من الله فإن تاب تاب الله علیه و إن مات فالنار اولی به؛ (2) چون لقمه ای از حرام در شکم بنده قرار گیرد، همه فرشتگان آسمانها و زمین او را نفرین می کنند و تا چیزی از آن لقمه در درونش باشد، خدا به او نمی نگرد. و هر کس لقمه ای از حرام بخورد، همانا گرفتار خشم خداست. اگر توبه کند، خدا توبه اش را می پذیرد و اگر مرگ او را در رباید و توبه نکرده باشد، آتش بر او سزاوارتر است.

تعفن غذای حرام

بعضی بزرگان از بوی بد غذای حرام اذیت می شدند و آن را نمی خوردند. پسر علامه جعفری در احوالات پدر می گوید: در خارج از کشور کسی ما را دعوت کرد. برای ما خوراک مرغ آوردند. علامه هرکاری

1- تاریخ الإسلام زهبی، ج 11، ص 173.
2- روضه الواعظین، ج 2، ص 457؛ بحار الأنوار، ج63، ص 314.

کرد نتوانست بخورد. گفت: مزاجم نمی کشد.

بعد که به خانه برگشتیم، پرسیدم: چرا نخوردید. گفت: حالم بد میشد. نمی توانستم بخورم. من زنگ زدم از صاحبخانه عذرخواهی کنم. گفت: خوب شد نخورد. راستش فروشگاه اسلامی تعطیل بود، من این مرغ را از یک فروشگاه غیر اسلامی خریدم و ذبح آن شرعی نبود.

مرحوم آیت الله شیخ عبدالکریم حائری، مؤسس حوزه علمیه قم هم فرموده بود: من اگر به سمت لقمه حرام دست دراز کنم، حالم بد میشود. نمی توانم بخورم.

طعام سخاوتمند و بخیل

انسان باید میزبان خود را بشناسد و نشناخته میهمانی و دعوت هر کسی را قبول نکند. مهم ترین شرط میهمانی، شناختن صاحبخانه است. رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

طعام الجواد دواء و طعام البخیل داء؛(1) غذای شخص سخاوتمند دواست و غذای شخص بخیل بیماری است.

باید ببینیم کسی که میهمانش می شویم سخاوتمند است یا بخیل. اگر از رودربایستی، یا از روی چشم و هم چشمی و تظاهر و ریاست، اصلا رفتن به این میهمانی ها صلاح نیست. سفره های ریائی، سفره هایی که از خون فقرا درست شده، یا برای کوبیدن یک عده ای است، یا به خاطر چشم و هم چشمی است، خیر و برکت در آن نیست. البته نمی گوییم همه اینها حرام

1- طب النبی صلی الله علیه و آله وسلم ص21: بحار الأنوار، ج 59، ص 289.

است، ولی خوردن ندارد.

فرمود: طعام آدم سخی درمان دردهاست و طعام آدم بخیل درد می آورد. آدمی که بخیل و کنس و خسیس است، میهمانش نشوید که درد و بلا را زیاد می کند. میهمان آدم سخی شوید که وقتی غذا می آورد دلش جلوتر آمده است. دوست دارد همه بخورند. غذای اینها خوردن دارد.

غذای ربا خوار

خدا رحمت کند آقای آزادگان، شاعر اهل بیت بود. ایشان از قول آیت الله مرعشی نجفی رحمه الله که از علمای برجسته حوزه علمیه قم بودند، نقل می کرد که من در جوانی چشم و گوشم کمی باز بود. یعنی خدا برخی از حقایق را به ایشان می فهماند. در یکی از مدارس قم حجره داشتم. ماه مبارک رمضان بود. کاسبی ما را دعوت کرد که برای افطار به منزلشان برویم. ده بیست تا طلبه بودیم که به میهمانی ایشان رفتیم.

پس از افطاری و پذیرایی برگشتیم. شب خوابیدم. خواب دیدم که وارد خانه این شخص شدیم، ولی کنار اتاقی که در آن سفره پهن بود، یک پستویی بود که آدم ها را مثل گوسفندی که قصاب ها آویزان می کنند، آویزان کرده بودند و گوشت آنها را می بریدند و جلوی ما در بشقابها می گذاردند. از خواب بیدار شدم. وحشت مرا گرفت. پیش خود گفتم: ما دیشب کجا رفتیم ؟! این غذا چه بود؟! آمدم و به رفقا گفتم خیلی اشتباه کردیم. من چنین خوابی دیده ام. رفتیم تحقیق کردیم فهمیدیم که او رباخوار بوده است.

پایی که قادر به حرکت نبود !

استاد بزرگواری می فرمود: من یک موقع پای خودم را بوسیدم. گفتیم: چرا؟ گفت: شخصی در قم روضه گرفته بود. روضه ای که همه چیزش مرتب بود. پیش خود گفتم: بروم روضه. هر کاری کردم دیدم نمی توانم بروم. خودم را ملامت کردم که اینجا روضه امام حسین است، چرا نمیروی؟ ! سفره حرام و گناه و معصیت نیست، ولی دیدم یکی قفلم کرده است. گفت: همین طور در فکر بودم.

فردای آن روز می خواستم جایی بروم، کسی جلوی مرا گرفت. گفت: یک انگشتر خیلی قیمتی است، می خواهی از من بخری؟ گفتم: چطور؟ گفت: این انگشتر عقیق خیلی ارزش دارد. قدیمی است. مثلا پنجاه هزار تومان می ارزد. آن زمان این مبلغ پول زیادی بود. فلانی (منظورش همان کسی بود که روضه خوانی داشت) گفت: این انگشتر مال خانمی بود که از پدرش به او ارث رسیده بود. نمی دانست که این انگشتر چقدر ارزش دارد. من به یک دهم قیمت از دستش در آوردم. به من هفت تومان فروخته است و من حاضرم به همین قیمت به تو بدهم.

استاد ما می فرمود: خدا جواب سؤال مرا داد. دیدم این مرد حقه باز بوده و کلاه سر مردم می گذاشته است. کسی که واقعا مؤمن باشد، خدا او را کنترل می کند. خیلی باید مواظب باشیم که صاحبخانه کیست؟

پرهیز از بخیل

در رفتن به میهمانی بی گدار به آب نزنیم. هر دعوتی را نپذیریم. باید بدانیم

صاحبخانه کیست؟ کسبش حلال است یا حرام؟ بخیل است یا سخی؟

حضرت امیر علیه السلام می فرماید:

النظر إلی البخیل یقسی القلب؛(1) نگاه به بخیل انسان را سنگدل می کند.

نگاه کردن به برخی از چیزها عبادت است. و نگاه به برخی دیگر هم نکبت آور است. انسان بخیل آنقدر پست و لئیم و فرومایه است که نگاه کردن به او قساوت قلب می آورد. مراقب باشید، مبادا میهمان بخیل شوید.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

شاب سخی مرهق فی الذنوب أحب إلی الله من شیخ عابد بخیل؛(2) جوان سخاوتمندی که در گناه غوطه ور است، نزد خداوند از پیر عابد بخیل محبوب تر است.

امام علیه السلام می فرماید: جوانی را که در گناه فرو رفته، ولی سخاوتمند است، بیشتر دوست دارم تا عابد پیری که بخیل است. این فرد کبوتر مسجد است. به خانه خدا می رود و طواف می کند. نماز شب می خواند. ولی برای بخشش دستش می لرزد. حاضر نیست یک خرما به کسی بدهد. حاضر نیست یک سفره بیندازد. آن جوان اوباش که سخاوتمند و لوطی مسلک است، پیش امام صادق علیه السلام دوست داشتنی تر از این مرد عابد بخیل است.

بخل انسان را به کفر و مقابله با پیغمبر خدا می کشاند. ولی سخاوت انسان را با پیغمبر خدا محشور می کند.

1- تحف العقول، ص 214؛ بحار الأنوار، ج 75، ص 53.
2- الکافی، ج 2، ص 41، وسائل الشیعه، ج 21، ص 546؛ بحار الانوار، ج 70، ص 307.

سخی تر از قیس

قیس بن سعد بن عباده آدم سخی ای بوده است. به او گفتند: از خودت سخی تر دیده ای؟ گفت: آری. من در بیابان می رفتم، میهمان کسی شدم. این قدر سخاوتمند بود که شب اول برای ما یک شتر نحر کرد و غذا درست کرد. فردا هم قرار شد بمانیم. فردا هم یک شتر دیگر نحر کرد. گفتیم: شتر را چند روز می توان خورد. گفت: نه، ما غذای مانده به میهمان نمی دهیم. خیلی عجیب است. دو روز ماندیم. روز سوم هنگام خدا حافظی صد دینار پول به همسر این آقا دادم که هدیه ای از طرف من باشد.

موقع هدیه دادن متوجه نشد. یک مقداری که حرکت کردیم، آفتاب بالا آمد. دیدیم کسی با شتاب پشت سر ما می آید. دیدم همان صاحب خیمه است. صد دینار را برگرداند. گفتیم: ما آن را به عنوان هدیه دادیم. گفت: ما از میهمان هدیه دریافت نمی کنیم. اگر پس نگیرید، با نیزه شما را زخمی می کنم.

واقعا انسان هایی که سخاوت دارند و از پول می گذرند، چقدر ارزش دارند.

اطاعت از صاحبخانه

یکی از آداب میهمانی این است که میهمان از صاحبخانه اطاعت کند. اگر صاحبخانه می گوید اینجا بنشین، اینجا بخواب، اینجا برو، اطاعت کند. باید تسلیم صاحبخانه باشم؛ چون اوست که شرایط خانه را می داند. بزرگان فرموده اند:

صاحب البیت أعرف و أدری بما فی البیت؛ (1) صاحبخانه به آنچه در خانه است آگاه تر و داناتر است.

1- عوالم العلوم، ص، 336.

یکی از بزرگان می گفت: این که فرموده اند میهمان مطیع صاحبخانه باشد واقعا حرف درستی است. ما در خانه ای میهمان شدیم. اتاقی که در آن نشسته بودیم پرده ای به طرف حیاط داشت. صاحبخانه پرده را کنار زده بود و خانم ها پیدا بودند. البته باحجاب بودند. گفتم: پرده را بکش. گفت: نه. خودم پرده را کشیدم دیدم پرده تمامش پاره پاره است. او کنار زده بود که معلوم نباشد. با این کار پیش من آبرویش رفت و سرخ و زرد شد. امام صادق علیه السلام می فرمایند:

إذا دخل أحدكم على أخيه فى رحله فليقعد حيث يأمره صاحب الرحل فإن صاحب الرحل أعرف بعوره بيته من الداخل عليه؛(1) هنگامی که یکی از شما وارد منزلگاه برادر مسلمانش می شود، هرجا به او پیشنهاد می کند بنشیند؛ چرا که صاحب منزل به وضع منزل خود و آن قسمت هایی که نباید آشکار گردد آشناتر است.

این هم فرمایش پیغمبر خداست که فرمودند:

إذا دخل أحدكم على أخيه المسلم فى بيته فهو أمير عليه حتى يخرج؛(2) هرگاه یکی از شما بر برادر مسلمانش در خانه او وارد گردد صاحبخانه بر او امیر است تا آن گاه که بیرون رود.

یعنی اگر به عنوان میهمان وارد خانه کسی شدید، صاحبخانه امیر بر شماست. وقتی در خانه خودت هستی آزادی. ولی جایی که میهمان شدی باید تابع صاحبخانه باشی. او هر چه دستور داد انجام بده. صاحبخانه به کم و

1- وسائل الشیعه، ج 5، ص 322.
2- الکافی، ج2، ص، 659؛ وسائل الشیعه، ج 12، ص 104.

کو ضیافت کاستی خانه و چیزهایی که در خانه است، آگاه تر است. هرطور که دستور می دهد باید گوش داد و در کار صاحبخانه دخالت نکرد.

تجسس ممنوع

حضرت لقمان علیه السلام در وصیت به فرزندش فرمود:

وإن كنت فی بیت الغیر فاحفظ عینیک؛(1) و هرگاه در خانه دیگری بودی از چشمان خود مراقبت کن.

وقتی به میهمانی کسی وارد شدی، چشم چرانی نکن. بعضی ها می خواهند سر از کار صاحبخانه در بیاورند. یکی از آداب میهمانی نگهداری چشم است. این که انسان به هر کجا نگاه نکند، تجسس نکند. بعضی افراد وقتی وارد خانه ای می شوند می خواهند ببینند چه دارد، چقدر خریده است، از کجا آورده است. از این کار در روایات ما نهی شده است.

میهمان باید امین باشد. تجسس نکنند و چشم خود را حفظ کند. اگر هم عیب و نقصی از خانه و اهل خانه دید نباید جای دیگر بیان کند.

احترام به میهمان

گفتیم: میهمان از نظر اسلام یک هدیه آسمانی، و فرستاده و رسول خداست، و باید او را همچون جان گرامی داشت و نهایت احترام را در باره او انجام داد. رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

إذا أراد الله بقوم خيراً أهدى إليهم هديه؛ هنگامی که خداوند اراده

1- تفسیر روح البیان، ج 4، ص 322.

کند نسبت به جمعیتی نیکی نماید، هدیه گرانبهایی برای آنها میفرستد.

عرض کردند: «و ما تلک الهدیه؛ آن هدیه چیست؟ حضرت فرمودند:

الضیف ینزل برزقه یرتحل بذنوب أهل البیت؛(1) آن هدیه میهمان است. با روزی خویش وارد می شود، و گناهان خانواده را با خود می برد (و بخشوده می شوند.)

احترام به میهمان آنقدر اهمیت دارد که امیر مؤمنان علی علیه السلام از پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم نقل می کند که فرمودند:

من حق الضیف أن تمشی معه فتخرجه من حریمک إلی الباب؛(2) از حقوق میهمان آن است که او را تا در خانه بدرقه کنی.

استقبال از میهمان به هنگام ورود و بدرقه او به هنگام خروج، نشانگر احترام به میهمان و اظهار محبت به اوست. این است که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم به این نکته توجه و توصیه کرده و فرموده اند:

من حق الداخل علی أهل البیت أن یمشوا معه هنیهه، إذا دخل و إذا خرج؛ (3) از حقوق شخصی که بر اهل خانه وارد می شود، این است که به هنگام ورود و خروجش کمی با او راه بروند.

یعنی چند قدم استقبال و چند قدم بدرقه اش کنند.

اکرام بدون شرط

اکرام میهمان تا بدانجا اهمیت دارد که حتی اگر کافر بود، موظف به اکرام

1- بحار الأنوار، ج 72، ص 461.
2- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 70.
3- الکافی، ج 2، ص. 659: وسائل الشیعه، ج 12، ص 104.

و پذیرایی از او هستیم. رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم خطاب به امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند:

أکرم الضیف و لو کان کافراً؛(1) میهمان را اکرام کن، هرچند کافر باشد.

سیره پیغمبر و اهل بیت علیهم السلام این بوده است که حتی از منافقین و دشمنان خودشان هم پذیرایی می کردند. به آنها آب و غذا می دادند. چقدر حضرت امیر سفارش ابن ملجم را کردند. به امام حسن علیه السلام فرمود: به حقی که من بر تو دارم، از همان غذائی که خودت میخوری به او هم بده. از همان نوشیدنی که خودت می نوشی به او بنوشان.

به جز از علی که گوید به پسر که قاتل من

چون اسیر توست اکنون به اسیر کن مدارا

مرحوم شیخ ابوالحسن خرقانی که عارف برجسته ای بوده است، سردر خانه اش نوشته است : «هر که در این سرای در آید، نانش دهید و از دینش نپرسید؛ که آن را که به جانی ارزد به نانی ارزد.» خداوند شرط رزق دنیا را ایمان قرار نداده است. حتی مسلمان بودن قرار نداده است. خدا به همه رزق و روزی می دهد. ما هم باید همان صفات خدا را داشته باشیم.

میهمان نوازی عرب ها

عرب ها یک غیرتی دارند که به میهمان آسیب نمی رسانند. حتی اگر کسی میهمان آنها بشود و پیشنهادی بدهد قبول می کنند. در حالات نواب صفوی نوشته اند: نواب صفوی با مرحوم علامه جعفری برای زیارت عتبات به عراق

1- جامع الأخبار، ص 83.

می روند. در مسیر به سارقی بر می خورند که قصد دزدیدن پول آنها را داشته است. مرحوم نواب با شجاعت خاصی او را به زمین می زند و یقه اش را می گیرد. دزد می ترسد و عذرخواهی می کند.

بعد دعوتشان می کند که به منزلش بروند. نواب هم به علامه می گوید برویم. علامه می گوید: این دزد و خطرناک است. نواب می گوید: عربها یک غیرتی دارند که به میهمان آسیب نمی رسانند. علامه جعفری می گوید: رفتیم و میهمان او شدیم. اما من خوابم نمی برد، ولی نواب با خیال راحت خوابید.

نه تنها به میهمان آسیب نمی رسانند، بلکه حتی گاهی که خویشان قاتل پسرشان، میهمانشان شده اند و گفته اند: ما این غذا را نمی خوریم، مگر این که قاتل را عفو کنید، عفو کرده اند تا از غذایشان بخورند. یعنی به خاطر میهمان حاضرند از قاتل بگذرند. خدا هم قطعا از آنها می گذرد. این صفات را خدا دوست دارد.

اما بنی امیه دقیقا برعکس عمل کردند. به جای اکرام میهمان آنان را کشتند. امام حسین و اهل بیت علیهم السلام را به کوفه دعوت کردند و از دادن یک آب مضایقه کردند. ولی اهل بیت از دشمنانشان هم در شرایط سخت و مشکلات پذیرایی می کردند.

کمک به میهمان

یکی دیگر از آداب میهمانی این است که وقتی میهمان وارد می شود، میزبان باید برای ورودش به او کمک کند، ولی برای خروج و رفتنش کمک نکند. به یک معنا از آمدنش خوشحال شود، ولی از رفتنش استقبال و اظهار شادمانی نکند.

ص: 97

میهمانانی بر امام کاظم علیه السلام وارد شدند. چون خواستند بروند، آن حضرت غلامانش را از کمک به آنان منع کرد. میهمانان گفتند: یا ابن رسول الله، کاش می فرمودی غلامانت در رفتن به ما کمک می کردند! امام به آنها فرمودند: «اما و أنتم راحلون عنا فلا؛(1) اما چون شما می خواهید از نزد ما بروید،

کمکی نمی کنیم»

میزبان باید رفتارش به گونه ای باشد که میهمان احساس کند با آمدنش اهل خانه را خوشحال کرده است و از رفتنش ناخرسند و ناراحت هستند.

در روایت آمده است که گروهی از قبیلۀ جهینه بر امام صادق علیه السلام وارد شدند. حضرت از آنان پذیرایی کردند. زمانی که خواستند بروند، به آنها توشه دادند، صله دادند، و بخشش کردند. سپس به غلامانشان فرمودند: دور شوید و به آنها کمک ندهید.

وقتی برای رفتن مهیا شدند و آمدند تا با آن حضرت خدا حافظی کند، به آن حضرت عرضه داشتند: ای فرزند رسول خدا، خوب پذیرایی کردی و بخشش شایانی نمودی، سپس به غلامانت فرمودی: در مهیا شدن برای رفتن به ما کمک ندهند!؟ آن حضرت فرمودند:

إنا أهل بیتی لا نعین أضیافنا علی الرحله من عندنا؛(2) ما خاندانی هستیم که به میهمان های خود به هنگام رفتن از نزدمان کمک نمیدهیم.

البته هر چیزی استثنا دارد. این ادب در جایی است که میهمان بتواند از

1- السرائر، ج 3، ص 570؛ بحار الأنوار، ج 72، ص 455.
2- الأمالی (للصدوق)، ص 544؛ بحار الأنوار، ج 72، ص 452.

عهده رفتن برآید. اما اگر پیرمردی میهمان شما شد و نمی تواند ساکش را بلند کند، نگویید ما کمک نمی کنیم. اینجا جای رعایت این ادب نیست. بلکه تکریم و ادب آن است که به او کمک کنیم.

به خدمت گرفتن میهمان

یکی دیگر از آداب میهمانی این است که میهمان را به خدمت نگیریم. میهمان یعنی کسی که همه کارهایش به عهده میزبان است. میهمان حرمت دارد، عزیز خداست. میهمان گناهان اهل منزل و آفات و بلاها را می برد. وقتی هم وارد می شود رزق و روزی با خود می آورد. برای ما جز رحمت و برکت چیزی به همراه ندارد. بر میهمان منت نگذاریم. از او کار نکشیم.

راوی می گوید: برای حضرت رضا علیه السلام میهمانی آمد. آن حضرت با او نشسته بودند و صحبت می کردند. شب بود. چراغ کم نور شد. میهمان دست دراز کرد تا آن را درست کند. اما حضرت رضا علیه السلام مانع شدند و خود مشغول اصلاح چراغ گردیدند تا درست شد. آن گاه فرمودند:

إنا قوم لا تستخدم أضيافنا؛(1) ما خانواده ای هستیم که میهمان خود را به خدمت نمی گیریم.

اهل بیت علیهم السلام آنقدر برای میهمان حرمت قائل بودند که حاضر نمی شدند میهمان به جز میهمان بودن و پذیرایی شدن به کار دیگری مشغول باشد.

ابن ابی یعفور می گوید: میهمانی خدمت امام صادق علیه السلام بود. از جا حرکت کرد تا کاری انجام دهد. آن حضرت او را از آن کار باز داشتند و خودشان از

1- بحار الأنوار، ج 49، ص 102؛ الكافی، ج6، ص 283.

جای حرکت کردند تا آن کار را انجام دهند و فرمودند:

نهی رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم عن أن یستخدم الضیف؛[(1)] رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم از این که میهمان به خدمت گرفته شود نهی فرمودند.

البته در مواردی این ادب استثنا دارد. گاهی مثلا بچه ها و اقوام خودمان هستند. خودی ها از اهل خانه هستند. میهمان که می گوییم، یعنی میهمان غریبه.

آقایی می گفت: ما چند داماد داریم. هر شب هفت هشت ده تا میهمان داریم. خانم خانه الآن پیر شده است و نمی تواند کار بکند. خودشان می آیند و همه کارها را می کنند. اینها از اهل بیت و صاحبخانه به حساب می آیند. اما میهمان محترمی که سالی یک بار می آید، از اهل خانه محسوب نمی شود.

البته هرکس وظیفه ای دارد. میزبان حق ندارد به میهمان دستور بدهد و از او کار بکشد. اما روایتی هم نداریم که میهمان بنشیند و هیچ کمکی نکند. گاهی میزبان دست تنهاست و به تنهایی نمی تواند از عهده پذیرایی برآید و ممکن است در پذیرایی از میهمانان خللی وارد شود. در چنین مواردی خود میهمان ها باید انصاف داشته باشند و کمک کنند. این کار پسندیده ای است. میزبان نباید و حق ندارد میهمانش را به کار بگیرد. اما نگفتند میهمان هم دست به هیچ چیز نزند. شما هم کمک کن.

مرحوم حاج آقای دولابی می فرمودند: من معتقدم تمام مجالس میهمانی های محبان اهل بیت علیهم السلام مجالس اهل بیت است. در میهمانی ها سعی کنید یک حدیث کسا بخوانید. سعی کنید مجالس به اهل بیت علیهم السلام ختم شود.

می فرمودند: در تمام مجالس میهمانی یک عده میهمان هستند، عده ای هم

1- الکافی ، ج 6، ص 283؛ بحار الأنوار، ج 47، ص 41.

پذیرایی می کنند. آنهایی که میهمان هستند که میهمان هستند. اما آنهایی که خدمت می کنند، صاحبخانه هستند. یعنی دست و بازوی امام زمان هستند. کدام بهتر است؟

امام رضا علیه السلام با خدمتگزاران به گونه ای رفتار می کردند که گویی از اهل بیت هستند. در روایت آمده است:

کان الرضا علیه السلام إذا کان خلا جمع حشمه کلهم عنده الصغیر و الکبیر فیحدثهم و یأنس بهم و یؤنسهم و کان علیه السلام إذا جلس علی المائده لا یدع صغیراً و لا کبیراً حتی السائس و الحجام إلا أقعده معه علی مائدته؛(1) امام رضا علیه السلام زمانی که خلوت می کرد تمامی کارگزاران و خدمتکاران خویش را از کوچک و بزرگ گرد خود جمع می کرد و برای آنان سخن می گفت و با آنان گفت وگو می نمود و انس می گرفت و هم صحبت میشد. و روش آن حضرت در هنگام صرف غذا این بود که همه را سر یک سفره می خواند، و کوچک و بزرگ، حتی تیمارگر اسبان و حجامت کن را فرو نمی گذاشت، مگر آن که بر سر سفره حاضر می ساخت.

آیا شما می خواهید جزو اهل بیت باشید، یا میهمان اهل بیت؟ جزو اهل بیت شدن بسیار بالاتر است. آنهایی که خدمت می کنند جزو اهل بیت اند. آنهایی که می نشینند و می خورند میهمان اهل بیت هستند.

پس میزبان وظیفه دارد که میهمان را به خدمت نگیرد و به استخدام خود در نیاورد. استخدام نکند یعنی طلب خدمت نکند. حالا اگر میهمان خودش با

1- عیون أخبار الرضاعلیه السلام، ج 2، ص 159؛ بحار الأنوار، ج49، ص 164.

میل و اصرار خواست کمکی بکند، نباید جلویش را گرفت. اجازه دهید خدمت کند.

امام باقر علیه السلام هم در باره نحوه رفتار با میهمان فرمودند:

من الجفاء استخدام الضیف فإذا نزل بکم الضیف فأعینوه و إذا ارتحل فلا تعینوه فإنه من النذاله؛(1) به کار گرفتن میهمان جفا و ناجوانمردی است. اگر میهمانی بر شما وارد شد کمکش کنید، اما وقتی خواست برود کمکش نکنید، که کمک کردن میهمان به هنگام رفتن از پستی و فرومایگی است.

پذیرایی از میهمان

یکی دیگر از آداب میهمانی مهیا نمودن وسایل پذیرایی برای میهمان است. میزبان تا آنجا که به تکلف نینجامد، باید وسایل پذیرایی و آسایش و راحتی میهمان را فراهم کند. حتی در حدیثی آمده است که یکی از حقوق میهمان این است که خلال دندان را هم برای او فراهم سازد. رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

إن من حق الضیف أن یعد له الخلال؛(2) از حقوق میهمان این است که خلال دندان برای او مهیا کنی.

گاه می شود میهمان ها افرادی کمرو و خجالتی هستند. به همین دلیل دستور داده شده است که از آنها در باره غذا خوردن سؤال نکنند، بلکه سفره غذا را آماده سازند. اگر مایل بود بخورد. چنان که امام صادق علیه السلام می فرماید:

1- الکافی، ج6، ص، 283.
2- المحاسن، ج 2، ص 564.

لا تقل لأخیک إذا دخل علیک أکلت الیوم شیئا و لکن قرب إلیه ما عندک فإن الجواد کل الجواد من بذل ماعنده؛(1) هنگامی که برادرت بر تو وارد شود، از او سؤال نکن که آیا امروز غذا خورده ای یا نه؟ آنچه داری برای او حاضر کن؛ چرا که سخاوتمند واقعی کسی است که از بذل آنچه حاضر دارد مضایقه نکند.

در داستان حضرت ابراهیم علیه السلام آمده است: چند نفر میهمان او شدند. حضرت فورا یک گوساله فربه برای آنان کباب کرد و آورد.

وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ؛(2) و به راستی، فرستادگان ما برای ابراهیم مژده آوردند، سلام گفتند، پاسخ داد: «سلام». و دیری نپایید

که گوساله ای بریان آورد.

نپرسید شما که هستید؟ نپرسید میل دارید یا نه؟ بعد دید آنها دست به غذا نمی برند. تعجب کرد. گفتند: ما غذا نمی خوریم. ما فرشته ایم. آمده ایم قوم لوط را عذاب کنیم.

سؤال کردن از میهمان در باره این که میل به غذا دارید، به خصوص سؤال های منفی خارج از ادب میهمانی است. نباید گفت: آیا میل دارید؟ میل نداری؟ غذا که خورده اید؟ این خلاف ادب است. اصلا سؤال نکنید. شما برو چای و غذا و میوه بیاور. و به این هم اعتقاد داشته باش.

کسانی که روزه مستحبی می گیرند، اگر جایی رفتند و میهمان شدند، وقتی

1- بحار الأنوار ، ج 72، ص 455.
2- سوره هود، آیه 9.

پذیرایی برایشان آوردند، لازم نیست بگویند روزه هستم. بخورند تا از فضیلتی که خداوند برای اجابت مؤمن قرار داده است بهره مند گردد. امام صادق علیه السلام فرمودند:

من دخل دار أخیه المؤمن وهو صائم فأفطر دون أن یظهر أنه صائم لیمن علیه فإن الله تعالی یکتب له ثواب صیام سنه؛(1)کسی که با زبان روزه وارد خانه برادر مؤمنش شود و بدون اینکه اظهار کند که روزه است و بخواهد بر صاحبخانه منت بگذارد، دعوت صاحبخانه را اجابت کند و روزه خود را افطار کند، بی تردید

خدای تعالی ثواب یک سال روزه را برای او می نویسد.

اگر دلت نمی آید، ثواب همان یک روز روزه را ببر. مگر خدا احتیاج به گرسنگی ما دارد؟ اگر دل یک مؤمن را شاد کنی، هم برای او ثواب دارد و هم برای تو. مشکل بزرگ ما این است که حرف گوش نمی کنیم و سخن خدا و اهل بیت علیه السلام را باور نداریم.

در هر صورت، از آداب میهمانی این است که اگر کسی میهمان شما شد، در اولین فرصت از او پذیرایی کنیم و از او نپرسیم چه برایت بیاورم، چه می خواهی؟ بعد فرمودند: «قرب إلیه ما عندک فإن الجواد کل الجواد من بذل ما عنده»؛ هر چه در امکانت هست و در اختیار داری برایش بیاور. آدم جواد و بخشنده این است که خودش را به تکلف نیندازد، هر چه دارد بیاورد.

پرهیز از بیان مشکلات و مصائب

تکریم میهمان باید در حد اعلا انجام گیرد. اگر ناگواری ها و تلخی های

1- زاد المعاد، ص287.

روحی و مادی و معنوی هست، به میهمان انتقال ندهد و کام میهمان را تلخ نکند. اگر کسی از فامیل و دوست و رفیق میهمان شما شده است، ننشینید از مشکلات اقتصادی و قسط عقب افتاده خود برای او بگویید تا دیگر میل به غذا هم نداشته باشد و اصلا از آمدن پشیمان شود. یا این که از مصیبت های خود برایش بگویید.

کتمان مصائب و کتمان فقر از صفات ارزشمند است و در روایات به آن خیلی سفارش شده است. از گنجهای بهشت است. اگر مصیبت و یا حادثه تلخی پیش آمده است، با بیان آن میهمان خود را غصه دار نکنید.

مرحوم آیت الله بهاء الدینی می فرمودند: شبی با جمعی از اهل علم منزل کسی میهمان بودیم. در همان شب پسر جوانش در حادثه ای از دنیا رفته بود. به خانواده و مادرش خبر داده بودند. این آقا رفته بود و از خانواده خواهش کرده بود آرام باشید. امشب میهمان داریم. نگذاشته بود ما متوجه شویم. چون اگر متوجه میشدیم، کام ما خیلی تلخ می شد. این مصیبت بزرگ را کنترل کرده بود تا مصائب به ما نرسد. اینها خیلی ارزش دارد.

در حالات میرزا جواد آقای ملکی آمده است: ایشان هر سال روز عید غدیر را بسیار بزرگ می داشت و جشن مفصلی می گرفت. در یکی از این روزهای غدیر فرزند نوجوانش می رود آب بیاورد، در حوض آب می افتد و جان می دهد. به خانواده اش می گوید: سر و صدا نکنید تا از میهمانها پذیرایی کنیم. موقع خداحافظی به بعضی از میهمان ها می گوید: خدا به ما عیدی داده است. فردا بیایید تشیع جنازه. نگذاشت میهمانها از پذیرایی بمانند. باید خودمان را سپر تلخیها و ناگواریها و مصیبت ها قرار دهیم تا میهمان خوش باشد.

ص: 105

تواضع در برابر میهمان

یکی از آداب میهمانی تواضع و فروتنی در مقابل میهمان است. انسان باید با میهمانش با ادب و تواضع برخورد کند. دست میهمان را قبل از غذا بشوید. بعد از غذا بشوید. خودش را کوچک کند. خودش پایین مجلس بنشیند و میهمان را بالاتر بنشاند.

البته تواضع و ادب همه وقت و همه جا خوب است، مخصوصا در میهمانی. امام عسکری علیه السلام فرمودند:

اعرف الناس بحقوق إخوانه و اشدهم قضاء لها أعظمهم عند الله شأناً و من تواضع فی الدنیا لإخوانه فهو عند الله من الصدیقین و من شیعه علی بن أبی طالب علیه السلام حقاً؛ هرکس به حقوق برادرانش شناساتر باشد و بیشتر آنها را رعایت کند، مقامش نزد خدا بالاتر است. و هر کس در دنیا برای برادرانش فروتن باشد، نزد خدا از صدیقان است، و به راستی از شیعه علی بن ابیطالب علیه السلام است.

یعنی آن کسانی که از همه بیشتر حقوق برادران دینی خودشان را ادا می کنند، نزد خدا از همه عزیزترند. کسانی که بیشتر از همه به برادران و همنوعان خودشان می رسند و حقشان را ادا می کنند، شأن و منزلتی بزرگ نزد خداوند دارند. از صدیقان هستند، یعنی جزء اهل بیت هستند. چون از اهل بیت علیهم السلام تعبیر به صدیقین شده است.

تواضع امیرالمؤمنین علیه السلام در برابر میهمان

آنگاه امام عسکری علیه السلام این داستان جالب و آموزنده از سیرهٔ

امیر المؤمنین علیه السلام را بیان کردند:

«و لقد ورد علی أمیر المؤمنین أخوان له مؤمنان أبٌ و ابنٌ»؛ امیر المؤمنین علیه السلام دو دوست خوب داشتند که پدر و پسر بودند. آنها یک روز میهمان آن حضرت شدند.

«فقام إلیهما و أکرمهما و أجلسهما فی صدر مجلسه و جلس بین أیدیهما»؛ حضرت وقتی فهمیدند این دو دوست مؤمن آمده اند، با شوق به سمتشان رفتند. آنها را اکرام کردند و در صدر مجلس نشاندند. و خود در برابرشان نشستند. میهمان هدیه خداست. فرستاده خداست. حضرت آن دو را فرستاده خدا می دانند.

«ثم أمر بطعام فأحضر فاکلا منه»؛ آن گاه به غلامشان فرمودند: غذا بیاورید. غذا آوردند و آن دو از آن غذا میل کردند.

«ثم جاء قنبر بطست، و إبریق من خشب ومندیل للیبس»؛ آن گاه قنبر، غلام امیرالمؤمنین علیه السلام یک تشت و یک آفتابه چوبی و حوله ای برای خشک کردن دستهاشان آورد. قبلا برای شستن دست ها بعد از غذا آفتابه و لگن می آوردند.

«و جاء لیصب علی ید الرجل فوئب أمیر المؤمنین علیه السلام و أخذ الإبریق لیصب علی ید الرجل»؛ قنبر آمد که آب به دست آن مرد بریزد که ناگاه امیر المؤمنین علیه السلام جست و آفتابه را از دستش گرفت تا خود آب به دست آن مرد بریزد.

حضرت امیر علیه السلام آفتابه و تشت را از دست قنبر گرفت. امیرالمؤمنین علیه السلام افتخار اولین و آخرین است. بلند می شود تا خودش آب روی دست میهمان

بریزد. هیچ شخصیتی این کار را نمی کند. معمولا ما به پادگانها که می رویم سربازها می آیند پذیرایی می کنند. در یک مراسمی یک فرمانده خوش ذوق به سربازها گفته بود: شماها بنشینید تا فرمانده ها بیایند از شما پذیرایی کنند. بعد بین آن سربازها چگونه مطیع می شوند.

این اسلام است. امیر المؤمنین علیه السلام از قنبر آفتابه و لگن را گرفت تا خودش دست میهمانش را بشوید. «و صب» یعنی از جا پریدند و آفتابه و لگن را از دست قنبر گرفتند.

«فتمرغ الرجل فی التراب وقال یا أمیر المؤمنین الله یرانی و أنت تصب علی یدی»، آن مرد به خاک افتاد و گفت: آیا خدای من بنگرد که تو آب به دستهایم بریزی؟!

گفت: من غلط می کنم که شما دست مرا بشویید. من بنشینم که شما دست مرا بشویید؟! من در محضر خدا خجالت نکشم، آب نشوم، خاک نشوم، که بنشینم و دستم را دراز کنم أمیر المؤمنین دست مرا بشوید؟ بعد ببینید حضرت چه می فرماید. فرمودند:

اقعد و اغسل فإن الله عز و جل یراک و أخوک الذی لا یتمیز منک و لا یتفضل علیک یخدمک یرید بذلک فی خدمته فی الجنه مثل عشره أضعاف عدد أهل الدنیا و علی حسب ذلک فی ممالیکه فیها؛ بنشین و بشوی که خدای عز و جل تو و برادرت را که امتیاز و فضیلتی بر تو ندارد ببیند که به تو خدمت می کند، تا در بهشت ده برابر مردم دنیا به او خدمت کنند و به همان اندازه هم غلام دارد.

یعنی من کار پسندیده ای می کنم. با تو تمایزی ندارم. من عبد خدا هستم و تو هم عبد خدایی. من این را دوست دارم. خدا از دیدن این کار من خشنود می شود. من خدمتی که به تو می کنم خدا می بیند و ده برابر عدد اهل دنیا در بهشت ثواب به من می دهد. و همچنین در ممالک دیگرش، به غیر از بهشت، ده برابر اهل دنیا پاداش می دهد. ببینید تواضع چه می کند! آن مرد نشست و امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند:

أقسمت علیک بعظم حقی الذی عرفته و بجلته و تواضعک لله حتی جازاک عنه بأن ندبنی لما شرفک به من خدمتی لک لما غسلت مطمئناً کما کنت تغسل لو کان الصاب علیک قنبر؛ تو را به عظمت حق خودم که آن را می شناسی و بزرگش میشماری و به حق تواضع خودت برای خدا تا تو را در باره آن پاداش دهد، به خاطر این که مرا به چیزی فرا خواند که افتخار خدمت من به تو نصیبت گردد، قسمت میدهم که با همان آرامشی دستت را بشویی که اگر قنبر آب را می ریخت و میششتی.

همان طور که اگر قنبر دستت را می شست، و تو آرام بودی، الآن هم همان طور با آرامش کامل بنشین تا من دست تو را بشویم. تو حق مرا می شناسی و بزرگ می شماری. برای خدا قبول کن من دست تو را بشویم. تا آن خدایی که می خواهد به تو جزا بدهد به من بدهد.

وقتی حضرت دست این پدر را شست، آفتابه را به دست پسرش، محمد بن حنفیه که آنجا بود داد و فرمود:

یا بنی لو کان هذا الابن حضرنی دون أبیه لصببت علی یده و

لکن الله عز و جل یأبی أن یسوی بین ابن و أبیه إذا جمعها مکان لکن قد صب الأب علی الأب فلیصب الابن علی الابن؛ اگر این پسر جدا از پدر آمده بود، به دست او آب می ریختم، ولی خدای عز و جل نخواسته است که چون پدر و پسر همراه باشند با هم برابر باشند. پدر آب به دست پدر ریخت و پسر هم باید آب بر

دست پسر ریزد.

و محمد بن حنفیه آب به دست پسر ریخت. آنگاه امام عسکری علیه السلام فرمودند:

فمن اتبع علیاً علیه السلام علی ذلک فهو الشیعی حقاً؛[1] هرکس در این امر پیرو علی علیه السلام باشد به راستی شیعه است.

هرکس مثل علی تواضع کند، شیعه اوست. یک ضربت او بالاتر از عبادت جن و انس است، ولی آفتابه به دستش می گیرد و دست یک اهل ایمان را می شوید. با فقرا هم غذا می شود. اینها انسان را بالا می برد. این بی راهه است که ما می رویم. ببینید تواضع و فروتنی تا کجاست! با اشتیاق به استقبال او می رود، میهمان را در صدر مجلس می نشاند. خودش متواضعانه در برابر او می نشیند و دستش را می شوید.

1- التفسیر المنسوب إلی الإمام الحسن العسکری علیه السلام ، ص325؛ بحار الأنوار، ج 72، ص 117.

5_آداب میهمانی/2

اشاره

ص: 111

غذای حلال

یکی از آداب میهمانی این است که میزبان غذای حلال برای میهمان تهیه کند. گاهی ما به مستحبات می پردازیم و از واجبات و محرمات غافلیم. بعضی ها فکر می کنند به هر شکلی شده است، از راه حرام و شبهه ناک می توان میهمانی داد. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: خداوند در شب معراج به پیامبر فرمود:

یا أحمد إن العباده عشره أجزاء تسعه منها طلب الحلال فإن أطیب مطعمک ومشربک فأنت فی حفظی و کنفی؛(1) ای احمد، عبادت ده جزء است. نه جزء آن در طلب حلال است. اگر خوردنی

و آشامیدنی تو حلال بود، پس تو در محافظت و پناه منی.

ما وقتی نام عبادت را می بریم، نماز و روزه و ذکر و دعا به ذهنمان می آید. ولی خداوند می فرماید: نود درصد عبادت کسب حلال است.

می گویند: کسی فرزندش طلبه شد. می خواست او را امتحان کند ببیند فرزندش پیشرفت کرده است یا نه. یک روز به او گفت: فرزندم، شما که چند سال است درس دینی می خوانی، می توانی آداب غذا خوردن را برای من بگویی؟ گفت: آداب غذا خوردن این است که انسان دستش را بشوید،

1- إرشاد القلوب، ج 1، ص 203؛ بحار الأنوار، ج 74، ص 27.

بسم الله بگوید، با یاد خدا شروع و با الحمدلله ختم کند، از جلوی خودش غذا بخورد.

پدرش گفت: من از تو ناامید شدم! گفت: چرا؟ گفت: عزیز من، لقمه باید حلال باشد، از کسب حلال باشد. اگر از کسب حلال بود، مستحبات آن هم مراعات نشد، خیلی مهم نیست. اصل حلال و طیب بودن غذاست. اگر حلال و پاکیزه بود، بسم الله و مستحبات آن هم یادت رفت خیلی مهم نیست.

بعد از چند وقت باز به فرزندش گفت: از تو سؤالی دارم. آداب خوابیدن را برای من بگو. گفت: آداب خواب این است که قبل از خواب وضو بگیریم، تسبیحات اربعه بگوییم، سه تا قل هو الله بخوانیم، به سمت قبله بخوابیم.

گفت: باز هم از تو ناامید شدم. کسی که می خوابد باید حقی بر گردنش نباشد، نه حق الناس و نه حق الله. کینه کسی به دلش نباشد. گناهی که باعث عقوبت بشود بر گرده اش نباشد. یعنی پاک سازی کند، بعد بخوابد. در این صورت اگر بسم الله و مستحبات هنگام خوابیدن را هم فراموش کرد و یا نگفت چندان مهم نیست. رسول خدا به مولا امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

إذا رأیت الناس یشتغلون بالفضائل فاشتغل أنت باتمام الفرائض؛(1) هرگاه دیدی مردم سرگرم مستحبات هستند، تو مشغول به انجام رساندن واجبات باش.

طوری نباشد که ما واجبات و محرمات را اهمیت ندهیم و به مستحبات بپردازیم. اول باید مسائل اصلی را مراعات کنیم. مسأله اصلی در اطعام چه برای

1- المواعظ العددیه، ص 229.

خودمان و چه خانواده مان، و چه برای دیگران، حلال و طیب و پاکیزه بودن آن است. خداوند هم در قرآن می فرماید:

یَا أَیُّهَا الرُّسُلُ کُلُوا مِنَ الطَّیِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا؛(1) ای پیامبران، ازغذاهای پاکیزه بخورید، و عمل صالح انجام دهید.

اول «کلوا من الطیبات» است، بعد «اعملوا صالحاً». همانطوری که غذای مسموم جسم ما را مسموم می کند، غذای ناپاک هم روح و جان و دینمان را ناپاک می کند. بنابراین، خیلی باید مراقب باشیم که لقمه حلال سر سفره مان نگذاریم.

بی تکلفی در میهمانی

یکی دیگر از آداب میهمانی تکلف نداشتن است. هم میهمان و هم میزبان باید از تکلف و به رنج و زحمت انداختن خود و دیگران در میهمانی بپرهیزند. بعضی ها وقتی می خواهند به میهمانی بروند، برای تهیه کادر خود را به زحمت می اندازند، به طوری که میهمانی رفتن برایشان یک مصیبت می شود. میزبان ها هم سعی کنند تشریفات و تجملات و تکلفات را کنار بگذارند.

یکی از آفات مهمی که خیلی از میهمانی ها را تعطیل کرده است، تشریفات، تجملات، پذیرایی کردن بیش از معمول، چند رقم غذا تهیه کردن، زیبا سازی سفره، و دکوراسیون است که باعث می شود انسان میهمانی دادن را کم کند، یا اصلا از آن پشیمان شود.

پذیرایی های پر تکلف و پر زرق و برق از نظر اسلام نه تنها کار خوبی

1- سوره مومنون، آیه 51.

نیست، بلکه رسماً از آن نهی شده است. اسلام توصیه می کند که پذیرایی ها ساده باشد، و یک خط جالب عادلانه در میان میهمان و میزبان ترسیم کرده است و آن این که میزبان از آنچه دارد مضایقه نکند، و میهمان نیز بیش از آن را انتظار نداشته باشد. سلمان فارسی از پیغمبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم نقل می کند که فرمودند:

أن لا نتکلف للضیف ما لیس عندنا و أن نقدم إلیه ما حضرنا؛(1) برای میهمان نسبت به آنچه نداریم تکلف نکنیم، و از آنچه موجود است مضایقه ننماییم.

در میهمانی ها نه میهمان میزبان را به تکلف بیندازد و او در محذور قرار دهد، و نه میزبان خودش را برای میهمان به تکلف بیندازد. که هر دو از نظر اهل بیت علیهم السلام کار ناپسندی است. امام صادق علیه السلام می فرمایند:

المؤمن لا یحتشم من أخیه و لایدری ایهما أعجب الذی یکلف أخاه إذا دخل أن یتکلف له أو المتکلف لأخیه؛(2) افراد با ایمان از برادر مؤمن خود رودربایستی ندارند، و من نمیدانم کدام یک از این دو عجیب تر است؟ کسی که به هنگام ورود بر برادر خود او را به تکلف می افکند، و یا کسی که شخصاً به سراغ تکلف برای میهمان می رود؟

در عین حال که اکرام و احترام و پذیرایی از میهمان کار پسندیده ای است و به آن توصیه شده است، تکلف و به رنج و زحمت انداختن خود برای میهمان کار ناپسندی است. نباید طوری خود را به زحمت انداخت که از اصل میهمانی دادن پشیمان شویم.

1- المحجه البیضاء، ج 3، ص 29.
2- الکافی، ج6، ص 276.

گاهی خانم یک صورت حساب بلند بالا برای خرید می نویسد تا سفرهای رنگین از مدل های مختلف غذا بیاراید، این علاوه بر اسراف و زیاده روی، میهمانی دادن را هم مشکل می کند. کاری نکنیم که از اطعام و میهمانی دادن صرف نظر کنیم. رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

من مکرمه الرجل لأخیه أن یقبل تحفته و أن یتحفه بما عنده ولا یتکلف له شیئاً؛(1) از شرافت و بزرگواری مرد نسبت به برادر مسلمانش این است که هدیه اش را قبول کند، و از آنچه دارد به او

هدیه دهد، و خود را به خاطر او به تکلف و مشقت نیندازد.

همچنین فرمودند:

لا أحب المتکلفین؛(2) من کسانی را که خود را به زحمت می اندازند، دوست ندارم.

بیزاری از تکلف

تکلف نه تنها در میهمانی ها مذمت شده است، بلکه در هر کاری مذموم و ناپسند است. خداوند در باره تکلف به پیامبر خود می فرماید:

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ؛(3) ای رسول ما، به آنها بگو: «من در باره تبلیغ رسالت از شما مزدی نمی خواهم و خود را هم به مشقت و سختی نمی اندازم.»

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم هم فرمودند:

1- الکافی، ج6، ص: 276؛ وسائل الشیعه، ج 24، ص 275.
2- الکافی، ج6، ص: 276؛ وسائل الشیعه، ج 24، ص 275.
3- سوره ص، آیه 86.

نحن معاشر الأنبياء والأولياء براءٌ من التکلف؛(1) ما گروه انبیا و اولیا از تکلف بیزاریم.

چیزی که الآن مردم را در بحران فرو برده است، تشریفات و تجملات و تکلفات است. قناعت را از دست داده اند و دچار تکلف شده اند. انسان باید پای خود را به اندازه گلیمش دراز کنند. به اندازه خودت بار بلند کن. چشم و هم چشمی را کنار بگذار. کسی که قناعت را از دست بدهد و به تشریفات روی آورد، دنیا و آخرتش را فانی کرده است. حضرت امیر علیه السلام می فرمایند:

و من اقتصر علی بلغه الکفاف فقد انتظم الراحه و تبوا خفض الدعه و الرغبه مفتاح النصب و مطیه التعب؛(2) و هر کس به آنچه به او رسیده است اکتفا کند، به آسودگی پیوسته دست یافته و در آسایش فرود آمده است. و رغبت و میل به دنیا کلید سخت ترین رنج و مرکب گرفتاری است.

اگر راحتی و خوشی و سلامتی و عافیت می خواهید، تکلف در زندگی را کنار بگذارید، حتی در عبادت، چه رسد امور بی ارزش و پوچ دنیایی. مگر یک رقم خورش درست کردن برای میهمان چه اشکالی دارد که خود و دیگران را به زحمت می اندازید تا ده رقم خورش فراهم کنید؟ !

مرحوم آقای دولابی می فرمود: یک روز به منزل آمدم. دیدم یادم رفته است برای منزل وسائل فراهم کنم. خانمم گفت: ما امروز چیزی نداشتیم آماده کنیم. از این جهت ناراحت بود. من هم رفتم ماست و خیاری خریدم و

1- بحار الأنوار، ج 70، ص 394.
2- نهج البلاغه، حکمت 371.

آب دوغ خیاری آماده کردم. بچه ها می گفتند: ما در عمرمان چنین غذای خوشمزه ای نخوردیم. چون هیچ زحمت و تکلف در آن نبود.

مرحوم آیت الله بهاءالدینی می فرمودند: گاهی می خواهیم یک مستحب را انجام دهیم، در کنارش چندین گناه انجام می دهیم. میهمانداری مستحب است، ولی بداخلاقی، زورگویی، مال مردم خوردن، حرام است. اول بدهی خود را بپرداز، بعد میهمانی بده.

گاهی می خواهیم یک میهمانی بدهیم، با خانم مان بد اخلاقی می کنیم. به او زور می گوییم، باید اینها را دعوت کنیم. باید چند رقم غذا درست کنیم. یا خانم به آقا لیست مفصلی بدهد و بگوید: باید اینها را بخری. به خاطر همین تکلفات گاهی اصل میهمانی ها ترک می شود.

پذیرش میهمانی با سه شرط

مردی امیر المؤمنین علیه السلام را به خانه خود دعوت کرد. امام علیه السلام به او فرمودند: «قد أجبتک علی أن تضمن لی ثلاث خصال؛ در صورتی که سه شرط را برایم تضمین کنی دعوت تو را می پذیرم.» آن مرد گفت: آن سه شرط کدام است؟ حضرت فرمودند:

لا تدخل علی شیئا من خارج و لا تدخر عنی شیئا فی البیت و لا تجحف بالعیال؛ نخست آن که برای من چیزی از خارج به خانه نیاوری. دیگر آن که هر چه در خانه داری برایم بیاوری و از من دریغ نکنی. و سوم آن که در حق خانواده ات اجحاف نکنی و آنها را به زحمت نیندازی.

عرض کرد: ای امیر مؤمنان، آنچه شما فرمان دهید اطاعت می کنم. آنگاه حضرت دعوت او را پذیرفتند.(1)

اگر ما می خواهیم میهمانی یا جلسه ای برای دوستان بگیریم، نباید فشاری روی خانواده باشد. گاهی میهمان خودش می آید. به اصطلاح میهمان ناخوانده است. این عزیز خداست. باید او را اکرام کرد. اما اگر می خواهی میهمان دعوت کنی، باید با هماهنگی و رضایت خانواده باشد. اگر خانم هم میهمان دعوت می کند، با رضایت شوهر باشد. تکلیف و فشار روحی و جسمی و بداخلاقی و خط و نشان نباشد. اجحاف به عیال از گناهان کبیره است، اما میهمانی دادن مستحب است. پس یک شرط مهم میهمانی دادن عدم تکلف بر خود و خانواده است.

پیشدستی میزبان در غذا خوردن

یکی دیگر از آداب میهمانی این است که میزبان قبل از همه شروع به غذا خوردن کند و پس از همه از غذا دست بکشد تا میهمان راحت غذا بخورد و خجالت نکشد. اگر همه از غذا خوردن دست کشیدند، میزبان هم دست بکشد، میهمانی که هنوز میل به غذا دارد خجالت می کشد ادامه بدهد. این شیوه را در سیره میهمان داری رسول خدا را به خوبی می توان مشاهده کرد. امام صادق علیه السلام فرمودند:

کان رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم إذا أکل مع القوم طعاماً کان أول من یضع یده و آخر من یرفعها لیأکل القوم؛(2)زمانی که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم با

1- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 42؛ بحار الأنوار، ج 72، ص 451.
2- الکافی، ج6، ص 285؛ بحار الأنوار، ج 72، ص 454.

مردم غذا می خورد، نخستین کسی بود که دست به غذا می برد و آخرین کسی بود که از غذا دست می کشید تا همه بخورند.

همچنین امام کاظم علیه السلام فرمودند:

أن رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم کان إذا أتاه الضیف أکل معه و لم یرفع یده من الخوان حتی یرفع الضیف؛(1)هنگامی که میهمان برای رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم می آمد، با او غذا می خورد و تا زمانی که میهمان سیر نمیشد، آن حضرت دست از غذا نمی کشید.

میهمانی های بدون دعوت

یکی دیگر از آداب مهم میهمانی، این است که کسی را بدون دعوت به همراه خود نبریم. اگر ما را به تنهایی دعوت کرده اند، حق نداریم بچه هامان را همراه ببریم. اگر در کارت دعوت مجالس عروسی و عزا می نویسند خانم و آقا، من حق ندارم بچه ها را هم دنبال خود راه بیندازم. این حرام است. رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

إذا دعی أحدکم إلی طعام فلا یستتبعن ولده فإنه إن فعل ذلک کان حراماً و دخل غاصباً؛(2) هرگاه یکی از شما به میهمانی دعوت شد، فرزندش را به دنبال خود نبرد؛ که اگر چنین کند حرام است و

غاصبانه وارد آن میهمانی شده است.

من پنجاه نفر زن و مرد را دعوت کرده ام. اگر هر خانواده ای بخواهند یک بچه بیاورند! بیست و پنج نفر اضافه می شود. میزبان تهیه ندیده و آمادگی

1- الکافی، ج6، ص: 286؛ وسائل الشیعه، ج 24، ص 320.
2- الکافی، ج6، ص 270؛ بحار الأنوار، ج 72، ص 445.

ندارد. یا اگر در جاهایی بچه ها را دعوت می کنند، والدین حق ندارند به همراه آنها بروند. این عمل موجب اهانت و بی احترامی به ما می شود که در این صورت خودمان را باید ملامت کنیم. در سفارش های پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم به امیر المؤمنین علیه السلام آمده است:

یا علی ثمانیه إن أهینوا فلا یلوموا إلا أنفسهم الذاهب إلی مائده لم یدع إلیها و...؛ ای علی، هشت چیز است که اگر مردم بر آن اهانت شوند، جز خودشان کسی را سرزنش نکنند: یکی آنکه به

یک میهمانی بروند که به آن دعوت نشده اند و ... .

البته در موارد خاصی این حکم استثناست. مثلا منزل پدر و برادر است، میدانیم یادشان رفته است بگویند بچه ها را بیاورید. اگر نبریم ناراحت می شوند. آنها استثناست. ولی اگر دعوت رسمی است، طرف هم با توجه نوشته است فقط با خانم، در اینجا باید رعایت کرد. دستور شرع این است.

در سیره پیغمبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم آمده است: جمعی از مردم مدینه آن حضرت را را به طعامی دعوت کردند که برای ایشان و پنج نفر از یارانش فراهم آورده بودند. پیامبر دعوت آنها را پذیرفت. در مسیری که می رفتند نفر ششمی به ایشان پیوست. پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم به او فرمودند:

إن القوم لم یدعوک فالجلس حتی نذکر لهم مکانک و نستأذنهم لک؛(1) این مردم تو را دعوت نکرده اند، بنابراین، همین جا بمان تا این که در باره تو (و این که در راه به ما پیوستی) با آنان گفت و گو کنیم، و اجازه آمدن تو را نیز بگیریم.

1- مکارم الأخلاق، ص 22؛ بحار الأنوار، ج16، ص 236.

پیغمبر خدا مظهر حیا بودند. اینجا جایی نیست که رودربایسی کنیم، باید حیا را کنار بگذاریم. متن دین را باید پیاده کنیم و گرنه کار مشکل می شود. او اصرار داشت که بیاید. حضرت فرمودند: تا در خانه همراه ما بیا، من از صاحبخانه اجازه می گیرم. اگر اجازه داد، با هم می رویم. اگر اجازه نداد، برگرد. این خیلی زیباست.

بنابراین، به همراه بردن افرادی که به میهمانی دعوت نشده اند، یا رفتن به میهمانی بدون دعوت جایز نیست، مگر این که صاحبخانه اجازه بدهد، یا یقین داشته باشیم که قلب راضی است.

میهمان های سرزده

یکی از مواردی که زیاد اتفاق می افتد این است که گاهی سرزده و بدون اعلام قبلی برای انسان میهمان می رسد. در این صورت وظیفه میزبان چیست؟ آیا باید وظایف میزبان و آداب میهمانی را به طور کامل مراعات کند؟

بر اساس روایاتی که پیش از این مطرح کردیم، میهمان فرستاده خدای متعال و هدیه ای گرانمایه از سوی اوست و برکات فراوانی به همراه خود برای میزبان می آورد، به ویژه اگر سرزده و بدون تدبیر قبلی باشد. از این رو باید تا آنجا که امکان دارد و به تکلف نمی انجامد او را اکرام نمود و از او پذیرایی کرد.

تنها چیزی که در این مورد از میهمانی با میهمانی هایی که با دعوت قبلی انجام می گیرد متفاوت است، این است که به دلیل این که میزبان از قبل آماده نبوده است، برای پذیرایی به آنچه در منزل موجود است می تواند اکتفا کند. امام صادق علیه السلام در این باره می فرمایند:

إذا أتاک أخوک فاته بما عندک و إذا دعوته فتکلف له؛[(1)] اگر برادر ایمانی ات ناخوانده وارد شد، با حاضری خانه ات از او پذیرایی کن و اگر او را دعوت کردی، برایش وسائل پذیرایی را مهیا کن.

این همان است که بین خودمان هم معمول است که وقتی میهمانی سر زده می رسد می گوییم: هر چه داریم با هم می خوریم. در این صورت نه به میهمان سخت می گذرد و نه میزبان به زحمت می افتد، بلکه از یک صمیمیت و یگانگی حکایت می کند.

نشانه محبت به میزبان

در جاهایی که سفره اهل بیت علیهم السلام گسترده است و انسان میهمان دوستان خوبی است، مستحب است بیشتر غذا بخورد. این خود نشانه دوستی و محبت نسبت به میزبان است.

عبد الرحمن بن حجاج می گوید: در محضر امام صادق علیه السلام غذا خوردیم. آن حضرت ظرف برنجی آوردند و ما از خوردن عذر خواستیم. فرمودند:

ما صنعتم شیئاً إن اشدکم حبا لنا أحسنکم أکلا عندنا؛ شما کاری نکردید. همانا کسی از شما ما را بیشتر دوست دارد که نزد ما بهتر بخورد.

عبد الرحمن می گوید: پس از فرمایش امام علیه السلام هر چه در ظرف بود خوردیم. آن گاه فرمودند: اکنون خوب شد و شروع کردند به بازگو کردن جریانی از رسول خدا وصلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: کاسه برنجی از سوی انصار برای

1- الکافی، ج 6، ص 276؛ بحار الأنوار، ج 72، ص453.

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم هدیه آوردند. آن حضرت سلمان و مقداد و ابوذر را برای خوردن آن دعوت کردند. اما آنها عذر می آوردند. پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

ما صنعتم شیئا ان اشدکم حبا لنا احسنکم اکلا عندنا؛ شما کاری نکردید. همانا کسی از شما ما را بیشتر دوست دارد که نزد ما بهتر بخورد.

از این رو آنان خوب خوردند. سپس امام صادق علیه السلام در حق آنها دعا کردند و فرمودند:«رحمهم الله وصلی علیهم؛ خدا آنها را رحمت کند و بر آنان درود فرستد !»(1)

هشام بن سالم می گوید: به همراه عبد الله بن ابی یعفور نزد امام صادق علیه السلام رفتم. ما یک گروه بودیم. حضرت ما را به غذا دعوت فرمودند. ما به همراه آن حضرت غذا خوردیم. من جوان تر از همه بودم و در خوردن کوتاهی می کردم. به من فرمودند:

کل ا ما علمت أنه تعرف موده الرجل لأخیه باکله من طعامه؛(2) بخور ! آیا نمی دانی که محبت انسان نسبت به برادر ایمانی اش به خوردن از غذای او شناخته شود.

و در جایی دیگر به مردی که داشت می خورد فرمودند:

أما علمت أنه یعرف حب الرجل أخاه بکثره اکله عنده؛(3) آیا نمی دانی که دوستی و محبت هرکس نسبت به برادرش به این شناخته شود که نزد او بیشتر بخورد.

1- الکافی، ج6، ص 278؛ بحار الأنوار، ج 47، ص 39.
2- المحاسن، ج 2، ص 413؛ بحار الأنوار، ج 72، ص 449.
3- وسائل الشیعه، ج 24، ص 286؛ بحار الأنوار، ج 72، ص 448.

مرحوم آقای دولابی می فرمود: میزبانهایی که انسان دوستشان دارد، آدم از خوردن در نزدشان سیر نمی شود. اشتها باز می شود.

خدا می گوید: اگر کسی ایمان و عمل صالح داشته باشد، به او رضوان می دهم. خشنودی و بهشت می دهم. در این دنیا هم به او می دهد. منتها او نمی بیند. می فرمودند: آنهایی که دوستشان دارید، اگر شما را دعوت کردند، از الآن لقمه گرفتن را تمرین می کنید؛ چون جایی را که آدم دوست دارد اشتهایش باز است. از همین حالا آماده است. برای رفتن لحظه شماری می کند. اما جاهایی که دوستشان نداریم، وقتی کارت دعوت می فرستد، می گوید: حالا ببینیم می توانیم برویم! اصلا رفتن به میهمانی یادش می رود. چند وقت بعد می گوید: یادم رفت.

مدت میهمانی

مدتی که برای میهمان به عنوان میهمانی معین فرموده اند، حداکثر سه روز است. رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

الضیف یلطف لیلتین فإذا کان اللیله الثالثه فهو من أهل البیت یأکل ما أدرک؛(1) میهمان دو شب به عنوان میهمان مورد لطف و احسان قرار می گیرد. زمانی که شب سوم فرا رسید، او از اهل خانه

است؛ هرچه بود می خورد.

میهمان اگر بیش از این بماند، به عنوان یکی از اعضای خانه است. باید با او عادی برخورد کنند. نوه شما و عروس و داماد ممکن است بیش از سه

1- الکافی، ج1، ص 283؛ وسائل الشیعه، ج 24، ص 314.

روز هم بمانند. آنها اهل خانه اند. میهمان نیستند.

گاهی خود میزبان اصرار بر ماندن بیش از این دارد. می گوید: دوست دارم بمانی و نمی گذارد برود. در اینجا چون خود میزبان اصرار به ماندن میهمان دارد فرق می کند. ولی قاعده در مدت میهمانی حداکثر سه روز است. اگر از سه روز بیشتر ماند، بر اساس برخی از روایات پذیرایی صدقه و بخشش است. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

الضیافه أول یوم حق و الثانی و الثالث وما بعد ذلک فإنها صدقه تصدق بها علیه؛ پذیرایی از میهمان تا سه روز حق اوست، افزون بر آن در حکم صدقه ای است که میزبان به او میدهد.

آنگاه فرمودند:

لا ینزلنّ أحدکم علی أخیه حتی یوثمه؛ چندان نزد میزبان نمانید که وی را به زحمت بیندازید و گناهکار سازید.

گفتند: چگونه یا رسول الله؟ فرمودند:

حتی لا یکون عنده ماینفق علیه؛(1) چندان بمانید که هزینه میهمانی نداشته باشد.

کاری نکنید که میزبان از میزبانی پشیمان شود و به گناه بیفتد. گاهی میزبان درآمدش کم است. نمی تواند از عهده هزینه میهمان برآید. میهمانی آمده و ده روز مانده است. باید قرض کند و به دیگران رو بیندازد. فرمودند: با طولانی کردن میهمانی میزبان را از میهمانی کردن پشیمان نکنید.

می گویند: یک نفر میهمان کسی شد. جا خوش کرده بود و قصد رفتن

1- الخصال، ج 1، ص 149، وسائل الشیعه، ج 24، ص 314.

نداشت. میزبان هم پذیرایی خوبی می کرد. دید قصد رفتن ندارد. همسایه ای داشت خیلی زیرک بود. مشکل را با او مطرح کرد. همسایه گفت: من یک تفنگی دارم صدای بلندی دارد. می آیم روی دیوار خانه شما تیری می اندازم. اگر میهمانت پرسید چیست؟ بگو: یک روز ما یک تیری در کردیم. به میهمان همسایه خورد و کشته شد. الآن می خواهد انتقام بگیرد. میهمانش را کشته ایم می خواهد میهمان ما را بکشد. خلاصه تیری شلیک شد و این میهمان ترسید و فرار کرد. شاعر می گوید:

میهمان گرچه عزیز است ولی همچو نفس

خفگی آرد اگر آید و بیرون نرود

دعوت فقرا و اغنیا برای میهمانی

یکی از آداب میهمانی این است که در دعوت از میهمان و همچنین در پذیرایی بین فقیر و غنی فرق نگذاریم. سعی کنیم همه نوع میهمان به منزلمان دعوت کنیم. بعضی ها در دعوتها گزینشی رفتار می کنند. از افراد اسم و رسم دار و ثروتمند دعوت می کنند و کم بضاعتها را محل نمی گذارند. امام صادق علیه السلام فرمودند:

نهی رسول الله عن ولیمه یخص بها الأغنیاء ویترک الفقراء؛(1) پیامبر خدا از آن میهمانی که به ثروتمندان اختصاص داده شود و تهیدستان نادیده گرفته شوند نهی فرمودند.

در بعضی از میهمانی ها می بینیم که همه رؤسای شهر هستند، یا فامیل های ثروتمند و اسم و رسم دار هستند، اما از فقرا و ضعفا و انسانهای متوسط

1- وسائل الشیعه، ج 24، ص: 300؛ هدایه الأمه، ج 8 ص111.

خبری نیست. در میهمانی ها اغنیا و فقرا باید قاطی باشند، مثل نماز جماعت. امتیازهای غیر الهی و دنیایی را ملاک دعوتها و پذیرایی هایمان قرار ندهیم.

امیر المؤمنین علیه السلام در نامه ای به فرماندار بصره، عثمان بن حنیف انصاری را که دعوت میهمانی سرمایه داری از مردم بصره را پذیرفت، مورد سرزنش قرار می دهند و می نویسند:

أما بعد یا ابن حنیف فقد بلغنی أن رجلا من فتیه أهل البصره دعاک إلی مأدبه فأسرعت إلیها تستطاب لک الألوان و تنقل إلیک الجفان و ما ظننت أنک تجیب إلی طعام قوم عائلهم مجفؤ و غنیهم مدعو فانظر إلی ما تقضمه من هذا المقتضم؛(1)؛ اما بعد از یاد خدا و درود بر پیامبرش؛ ای پسر حنیف، به من گزارش داده اند که مردی از سرمایه داران بصره، تو را به میهمانی خویش فرا خوانده و تو به سرعت به سوی آن شتافتی. خوردنی های رنگارنگ برای تو آوردند، و کاسه های پر از غذا پی در پی جلوی تو نهادند. گمان نمی کردم میهمانی مردمی را بپذیری که نیازمندانشان با ستم محروم شده، و ثروتمندانشان بر سر سفره دعوت شده اند. اندیشه کن در کجایی؟ و بر سر کدام سفره می خوری؟

یک آقایی می گفت: دامادی که ثروتمند است میهمان می شود و چند مدل غذا برای او آماده می کنند. و دامادی که فقیر است غذای ساده به او می دهند. انسان باید خدا را در نظر بگیرد. سر سفره ما باید همه نوع افراد باشند. به خصوص فقرا. به آنها بیشتر باید تکریم شود.

1- نهج البلاغه، نامه 45.

در روایت آمده است: امام حسین علیه السلام به گروهی از فقرا گذر کرد که عبای خود را گسترده بودند و چند پاره ای نان روی آن ریخته و مشغول خوردن بودند. آنان به امام حسین علیه السلام گفتند: یا بن رسول الله، بیا با ما غذا بخور. امام علیه السلام نشست و با آنها مشغول غذا خوردن شد. و این آیه را تلاوت کرد: «إِنَّهُ لَا یُحِبُّ الْمُسْتَکْبِرِینَ؛(1) خداوند مستکبران را دوست نمی دارد.»

سپس به فقرا فرمود: «قد أجبتکم فأجیبونی؛ من دعوت شما را پذیرفتم. شما هم دعوت مرا اجابت نمایید!» گفتند: اطاعت می کنیم یا بن رسول الله. آنگاه برخاستند و با آن حضرت وارد منزل امام حسین علیه السلام شدند. آن بزرگوار به کنیزک خود فرمود: «أخرجی ما کنت تدخرین؛ آنچه را که ذخیره نموده ای بیاور!»(2)

امام حسن مجتبی علیه السلام میهمانخانه داشتند. در میهمانخانه همیشه باز بود. حتی غیر مؤمن و یهودی و نصرانی و خوب و بد و دوست و دشمن می آمدند و از آن سفره بهره می بردند.

شخصی میهمان امام حسن علیه السلام شد. حضرت دیدند با ولع غذا می خورد. امام حسن علیه السلام که مظهر کرامت بودند، از غذا خوردن آن شخص خوششان آمد. از او پرسیدند: عیال داری یا مجردی؟ گفت: عیالمندم. فرمودند: چند فرزند داری؟ گفت: هشت دختر دارم که آنها از من پرخورترند. امام علیه السلام تبسم کردند و ده هزار درهم به او دادند و فرمودند: این مال تو و همسر و هشت دخترت باشد.(3)

1- سوره نحل، آیه 23.
2- تفسیر العیاشی، ج 2، ص 257؛ بحار الأنوار، ج 44، ص 189.
3- 3.هزار و یک حکایت اخلاقی، ص 355.

ابوحمزه ثمالی می گوید: روز جمعه ای با علی بن الحسین علیه السلام نماز صبح را در مدینه به جای آوردیم. آنگاه حضرت به کنیز خود سکینه فرمودند: هر سائلی را که از در خانه او می گذرد اطعام نماید. ابوحمزه می گوید: گفتم: ممکن است بعضی از آنها واقعا مستحق اطعام نباشند. حضرت در پاسخ فرمودند: خوف آن دارم که در این میان مستحقی از در خانه ام بی بهره بیرون رود و در مورد ما اهل بیت همان حادثه ای تکرار شود که در باره یعقوب اتفاق افتاد.

عادت یعقوب بر آن بود که هر روز قوچی را قربانی می کرد و مقداری از آن را به صدقه در میان مستمندان تقسیم می نمود. شبی به هنگام افطار سائلی روزه دار و مؤمن به نام «ذمیال» بر در خانه یعقوب حاضر گشت و از اهل خانه خواست تا مقداری از طعام خویش را به او که گرسنه و غریب است تصدق نمایند. اما اهل خانه حرف او را باور نکردند.

ذمیال با ناامیدی از آنجا دور شد و در حالی که از گرسنگی به خود می پیچید، شب را با حمد و سپاس الهی به صبح رسانید. از طرفی یعقوب و فرزندانش آن شب را با شکمی سیر خوابیدند و مقداری از غذای آنها نیز از شب قبل اضافه مانده بود.

صبح فردا خداوند به سوی یعقوب وحی فرستاد که ای یعقوب، تو به بنده مخلص من ذمیال رحم نیاوردی و او را از کنار خانه ات با شکمی گرسنه راندی، در حالی که در منزل غذای کافی در دسترس داشتید. اینک تو و

فرزندانت می بایست تأدیب گردید. و بدان که عقوبت و بلا، اولیای مرا بسیار زودتر از دشمنانم فرا خواهد گرفت؛ چرا که به این ترتیب دوستان من دچار استدراج و عذاب تدریجی نخواهند گشت.

امام سجاد علیه السلام می فرمایند: رؤیای یوسف دقیقا در شبی اتفاق افتاد که ذمیال از در خانه یعقوب ناامید بازگشت و هنگامی که یوسف خواب خود را برای پدرش بازگو کرد، یعقوب به خاطر آن که بر او وحی فرو فرستاده شده بود که آماده تحمل بلا باشد، از فرزندش خواست تا راز خویش را برای کسی بیان ندارد. اما یوسف راز خویش را از برادران کتمان نداشت و اولین بلیه ای که بر یعقوب نازل گشت حسد برادران یوسف نسبت به او بود.(1)

امام صادق علیه السلام فرمودند:

فکان بعد ذلک ینادی منادیه کل صباح من لم یکن صائماً فلیشهد غداء یعقوب و إذا أمسی نادی من کان صائماً فلیشهد عشاء یعقوب؛(2) پس از آن جارچی یعقوب هر بامداد جار میزد: هرکس روزه نیست به چاشت یعقوب آید و شب جار میزد هرکس روزه است به شام یعقوب آید.

خیلی عجیب است. فرموده اند: «حسنات الأبرار سیئات المقربین؛(3) کارهای خوب نیکان به منزله گناهان مقربان درگاه خداوند است.» ممکن است این کار برای ما مکروه باشد، ولی برای انبیا و اولیای الهی گران تمام

1- علل الشرائع، ج 1، ص 45؛ بحار الأنوار، ج 12، ص 271.
2- بحار الأنوار، ج63، ص 348.
3- بحار الأنوار، ج 25، ص 205.

شود. لذا حضرت یعقوب بعد از این، سفره مفصل می انداخت و ندا میداد هر کس می خواهد بیاید سر سفره.

اکرام میهمانان اهل بیت علیهم السلام

فقیری که لباسش کهنه است، یا به دنبال سور در مجالس اهل بیت علیهم السلام است، نباید تحقیر کنیم. مرحوم شیخ عبدالله بختیاری که از اولیای الهی بود می فرمود: من در نجف در مجالس روضه که می رفتم، یک نفر بود که به دنبال سور بود. یعنی فقط به خاطر چایی یا غذا به روضه امام حسین علیه السلام می آمد. نمی اشک از چشمش نمی آمد. فقط سیاهی لشکر بود. قبل از انقلاب که صدام ایرانی ها را از عراق بیرونشان کرد، به قم آمدم. دیدم در قم هم همین طور است. فقط به خاطر سور به روضه می آمد. من هم با او لج افتادم.

اتفاقا فوت کرد. او را در خواب دیدم که در جای خوبی است و میهمان امام حسین علیه السلام است. گفت: من سیاهی لشکر امام حسین بودم. اینجا هم میهمان امام حسین هستم. او را به اعلی درجه نمی برند، ولی عزیز است.

یکی از رفقای ما که انسان بزرگواری بود می گفت: من در مجلس روضه شرکت کردم. ایام محرم بود. یک نفر در مجلس آمده بود که خل و دیوانه بود. بر عکس همه سینه می زد. یا شکلک در می آورد. من کمی تند شدم. در میهمانی ها کافر و دیوانه و بچه و فقیر و ضعیف همه حرمت دارند. چه میهمانی اهل بیت چه میهمانی دوستانشان. ما هم خانه هامان جزو خانه اهل بیت است. امام صادق علیه السلام فرمودند:

أکرم کل من وجدته یذکر منا أو ینتحل مودتنا ثم لیس علیک

صادقاً کان أؤ کاذبا إنما لک بیتک و علیه کذبه؛(1) هر کس را یافتی که از ما خاندان یاد می کند، گرامی دار و همچنین هر کسی که ادعای دوستی ما را (راست یا دروغ) می نماید، محترم دار. آن گاه بر تو چیزی نیست. خواه راست گوید و خواه دروغ. جز این نیست که تو از نیتت ثواب بری و او جزای دروغ خود را یابد.

فرمودند: کسانی که ادعای مودت ما را دارند و مودت ما را به خودشان نسبت می دهند، آنها هم مورد تکریم هستند. حتی دیوانه ها هم که در مجالس اهل بیت شرکت می کنند، باید تکریم شوند.

گفت: من به این خل خندیدم و مسخره اش کردم. خواب دیدم که امام حسین علیه السلام در مجلس تشریف دارند. سفره انداخته اند تا از میهمانها پذیرایی کنند. یکی یکی دست ها را می شستند تا برای خوردن غذا آماده شوند. نوبت به من که رسید، به خادمشان گفتند: دست این آقا را نشور. فرمودند: چرا به میهمان ما بی ادبی کردی؟ از خواب بیدار شدم. خیلی اظهار ندامت و پشیمانی کردم که من غلط کنم به پست ترین افراد و گنهکاران در مجلس اهل بیت اهانت کنم.

قبول دعوت

یکی از آداب میهمانی قبول دعوت برادران ایمانی است. سیره پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم این چنین بود که دعوت دیگران را اجابت می کردند و به آن توصیه می فرمودند. امام باقر علیه السلام فرمودند:

1- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص4؛ بحار الأنوار، ج 70، ص351.

كان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يجيب الدعوه؛ (1) شيوه رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم اين بود كه دعوت را پذيرا مى شدند.

امام صادق عليه السلام هم فرمودند:

من الحقوق الواجبات للمؤمن على المؤمن أن يجيب دعوته؛ (2) از حقوق واجب مؤمن بر مؤمن اين است كه چون دعوتش كنند بپذيرد.

در توصيه هاى پيامبر گرامى اسلام صلى الله عليه وآله وسلم هم مى خوانيم:

أوصى الشاهد من أمتى و الغائب أن يجيب دعوه المسلم ولو على خمسه أميال فإن ذلك من الدين؛ سفارش كنم حاضر و هم غائب امتم را كه دعوت مسلمان را بپذيرند، هرچند مسافت پنج

ميل (ده كيلومتر) باشد؛ زيرا اين از ديندارى است.

خود آن حضرت فرمودند:

لو أن مؤمنا دعانى إلى ذراع شاه لاجبته و كان ذلك من الدين أبى الله لى زى المشركين والمنافقين و طعامهم؛ (3) اگر مؤمنى مرا براى صرف پاچه گوسفندى دعوت كند، بپذيرم كه آن از ديندارى است. خدا براى من نخواسته است كه شيوه بت پرستان و منافقان و خوراكشان را پيش گيرم.

حتى در روايتى اجابت نكردن دعوت مؤمن جفا شمرده شده است. رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمودند:

ثلاثه من الجفاء أن يصحب الرجل الرجل فلا يسأله عن اسمه

1- المحاسن، ج 2، ص 410؛ بحار الأنوار، ج 72، ص 447.
2- بحار الأنوار، ج 72، ص 447.
3- بحار الأنوار، ج 72، ص 448.

و کنیته و ان یدعی الرجل إلی طعام فلا یجیب أو یجیب فلا یأکل و... ؛(1) سه چیز است که جفا شمرده می شود. این که کسی با کسی هم صحبت شود و نام و کنیه اش را نپرسد. و این که کسی به خوراکی دعوت شود و نپذیرد. یا بپذیرد و از آن نخورد. و ...

دعوت فامیل فقیر، یا همسایه فقیر، و میزبان هایی را که نمی توانند درست پذیرایی کنند با جان و دل بپذیریم. پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم دعوت یک مؤمن فقیر را برای یک غذای خیلی ساده، از راه دور می پذیرند. پیغمبر، خدا را می بیند. شخص را نمی بیند. اگر فامیل فقیر و ضعیفی ما را به پذیرایی کمی دعوت کرد، پذیرا باشیم.

امام حسن علیه السلام دعوت مساکین را می پذیرفت و با آنها هم نشین می شد. آن گاه این آیه را تلاوت می فرمود:

إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ ؛(2) خداوند مستکبران را دوست نمیدارد.(3)

کوچک نشمردن غذای میهمانی

از جمله وظایف میزبان در پیشگاه خدا این است که غذایی را که آماده ساخته است تحقیر نکند؛ چرا که نعمت خدا هر چه باشد عزیز و محترم است. در میان مترفین و اهل تکلف معمول است که هر قدر سفره را رنگین کنند می گویند: چیز ناقابلی بیش نیست ولایت مقام شما نمی باشد. این یک کفر نعمت به حساب می آید.

نه تنها میزبان نباید سفره پذیرایی را کوچک شمارد، که میهمان هم وظیفه

1- قرب الإسناد، ص 160؛ بحار الأنوار، ج 72، ص447.
2- سوره نحل، آیه 23.
3- عمده عیون صحاح الأخبار ، ص 400؛ حلیه الأبرار، ج 4، ص 136.

دارد آن را کوچک نشمرد. رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

کفی بالمرء إثما أن یستقل ما یقرب إلی إخوانه و کفی بالقوم إثما أن یستقلوا ما یقربه إلیهم أخوهم ؛(1) همین گناه برای آدمی بس که آنچه نزد برادرانش گزارد کم شمارد، و همین گناه برای میهمانان بس که آنچه برادرشان نزدشان بگذارد کم شمارند.

همین که میزبانی که غذا می آورد بگوید قابل ندارد، گناه است. اگر میهمان هم آن را ناچیز شمارد، گناهکار است؛ چون نعمت خدا تحقیر شده است. امام صادق علیه السلام هم تحقیر غذای میهمانی را موجب هلاکت انسان می شمارند و می فرمایند:

هلک امرؤ احتقر لأخیه ما یخضره و هلک امرؤ احتقر لأخیه ما قدّم إلیه؛(2) هلاک باد آن میزبانی که حاضری خانه را برای میهمانش حقیر و ناچیز شمارد. و هلاک باد آن میهمانی که حاضری میزبانش را برای پذیرایی لایق نشناسد.

بر اساس روایات، اگر نان وارد سفره شد، نباید منتظر غذای دیگری باشیم. نان که رسید مشغول شوید. نگویید نان غذا نیست. معمولا می گویند: بگذارید دو سه رقم غذا بیاید تا شروع کنیم. این بی ادبی و سبک شمردن نان است. میهمان و میزبان هیچ کدام حق ندارند غذایی که سر سفره آورده شده است را تحقیر کنند. این اهانت به نعمت خدا و کفران نعمت است.

قدردان باشیم و نعمت خدا را کم نشماریم. بگوییم: الحمد لله ! الهی شکر ! اگر من کوتاهی کردم و مقصر هستم، ولی این نعمت خداست. میهمان ها هم

1- المحاسن، ج 2، ص 414؛ بحار الأنوار، ج 72، ص 453.
2- المحاسن، ج 2، ص 415؛ الکافی، ج6، ص 276.

نگویند: از ما خوب پذیرایی نشد. این گناه است، قدر نعمت را ندانستن و ناشکری کردن گناه است.

مرحوم آقای دولابی همیشه می فرمودند: ما خودمان را میهمان خدا و چهارده معصوم بدانیم، چه در حیات چه در ممات. موقع مردن هم در دعا می گوییم: خدایا، ما میهمان تو هستیم. وقتی شب اول قبر میهمان خدا شدیم. خدا به میهمان نمی گوید چه آوردی؟ از او پذیرایی می کند. در دنیا هم خودمان را میهمان بدانیم.

در هر یک از زیارتهای چهارده معصوم در ایام هفته که در «مفاتیح الجنان» هم آمده است می گوییم: ما میهمان شماییم. از ما به نیکوترین وجه پذیرایی کنید.

البته ما هر کجا باشیم و هر کجا برویم میهمان امام زمان علیه السلام و سر سفره آن حضرت هستیم. آنها ولی نعمت ما هستند. میزبان هستند و ما میهمانیم. و به یک معنا هر کجا می رویم رزاق خداست. اگر با این دید نگاه کنیم، خیلی نورانی می شویم. ادب حضور در میهمانی خدای متعال و اولیای کرامش را مراعات می کنیم.

پرهیز از شرمنده کردن میهمان

یکی از نکات مهم در آداب میهمانی این است که کاری نکنیم که میهمان خجالت زده یا شرمنده شود. بعضی ها آنقدر مفصل پذیرایی می کنند که طرف شرمنده و خجالت زده می شود. میزبان آنچنان پذیرایی نکند که میهمان نتواند پاسخ او را بدهد و عرق شرم و خجالت زدگی بر پیشانی او بنشیند. این نکته بسیار ظریفی است.

ص: 138

حسین بن ابی العلا می گوید: با بیست و چند نفر به سوی مکه راه افتادیم. من در هر منزلی گوسفندی می کشتم. وقتی خواستم بر امام صادق علیه السلام وارد شوم فرمود: «واهاً یا حسین أتذل المؤمنین؛ وای بر تو ای حسین! آیا مؤمنین را خوار می کنی؟»

عرضه داشتم: به خدا پناه می برم! فرمود: «بلغنی أنک کنت تذبح لهم فی کل منزل شاةً؛ خبر شدم که در هر منزل برای آنها گوسفندی می کشتی؟»

گفتم: مولای من به خدا قسم من جز برای رضایت خدای تعالی گوسفند نکشتم. فرمود: «أ ما کنت تری أن فیهم من یحب أن یفعل مثل فعالک فلا یبلغ مقدرته ذلک فتتقاصر إلیه نفسه؛ آیا ندیدی که در بین ایشان عده ای بودند که می خواستند همانند تو رفتار کنند، ولی قدرت بر آن کار را نداشتند و خویش را حقیر شمردند؟!»

عرضه داشتم: «أستغفر الله و لا أعود: از خداوند طلب مغفرت می کنم و دیگر تکرار نمی کنم.»(1)

چقدر روانشناسی امام های ما دقیق بوده است که کمترین تحقیر به میهمان نشود. کمترین شرمندگی برای آنها ایجاد نشود. هرچند نیت او تحقیر و شرمندگی میهمانانش نبوده است، ولی این کار عملا موجب تحقیر و شرمندگی است. می توانست این کار را به اسم دیگران یا به گونه ای دیگر انجام بدهد که به اینجا نینجامد.

اینها هر روز می آمدند سر سفره این آقا می نشستند، شرمنده می شدند و خجالت می کشیدند. اصل کار، کار خوبی است. ولی روش انجام آن

1- عده الداعی و نجاح الساعی، ص 191؛ بحار الأنوار، ج 73، ص 269.

پیامدی ناگوار دارد.

حتی کسانی را که برای میهمانی دعوت می کنیم، اگر تمکن مالی ندارند و چند مدل غذا برای آنان بگذاریم، وقتی نمی توانند همانند ما رفتار کنند، احساس شرمندگی می کنند. این کار خوبی نیست.

یکی از آداب میهمانی این است که بسم الله را بلند بگوییم. چه میهمانها، چه میزبان، الحمدلله را بلند بگوییم. خجالت نکشیم. همه به یاد خدا بیفتند.

حل مشکلات

در میهمانی هایی که دور هم جمع می شوند، بسیار خوب است که به داد هم برسند، مشکلات هم دیگر را حل کنند، مخصوصا خانواده هایی که متوسط هستند یا تمکن مالی دارند. که کار بسیار پسندیده ای است و ثواب و در جهاش از اصل میهمانی به مراتب بالاتر است.

در هر فامیلی چهار نفر بزرگتر بنشینند و ببیند چه کسی جهیزیه می خواهد، چه کسی قرض می خواهد، چه کسی بیماری سختی دارد و نیازمند هرینه دارو و درمان است، و از فامیل گره گشایی کنند. مواردی برای ازدواج دخترها یا پسرهاشان پیدا کنند. این همیاری و همکاری و همدلی در برنامه ی خانوادگی بسیار ارزشمند و با اهمیت است و خشنودی خدا و امام زمان ما را به دنبال دارد.

خداوند به همه ما توفیق میهمان دوستی، میهمان پذیری، و رعایت آداب الهی میهمانی را عطا فرماید و توفیق دهد که زحمات میزبان و افرادی که از ما پذیرایی می کنند را با تشکر و هدیه و دعا در حقشان جبران کنیم!

ص: 140

منابع

اشاره

ص: 141

ص: 143

ص: 144

فهرست روایات ودعاها

الجيران ثلاثه فمنهم من له ثلاثه حقوق حق الإسلام و حق الجوار وحق القرابه و منهم له حقان حق الإسلام و حق الجوار ومنهم من له حق واحد الكافر له حق الجوار...55

ص: 148

ص: 149

لا تقل لأخيک إذا دخل عليک أکلت اليوم شيئا و لکن قرب إليه ما عندک فإن الجواد کل

ص: 150

ما اتخذ الله إبراهيم خليلا إلا لإطعامه الطعام و صلاته بالليل و الناس نيام...23

ص: 151

ما صنعتم شيئا ان اشدكم حبا لنا احسنكم اكلا عندنا...125،124

ما من مؤمن يحب الضيف إلا و يقوم من قبره و وجهه كالقمر ليله البدر فينظر أهل الجمع فيقولون ما هذا إلا نبى مرسل فيقول ملک هذا مؤمن يحب الضيف ويكرم الضيف و لا سبيل له إلا أن يدخل الجنه...37

ما من مؤمن بسمع بهمس الضيف و فرح بذلک إلا غفرت له خطاياه وإن كان مطبقه بين السماء و الأرض...42

من أطعم أخاه حلاوه أذهب الله عنه مراره المؤت...44

من أطعم مؤمنا من جوع أطعمه الله من ثمار الجنه...49

من أطعم مسلماً حتى يشبعه لم يدر أحد من خلق الله ما له من الأجر فى الآخره لا ملک مقرب و لا نبى مرسل إلا الله رب العالمين...31

من أكرم الضيف فقد أكرم سبعين نبياً و من أنفق على الضيف درهما فكأنما أنفق ألف ألف دينار فى سبيل الله تعالى...29

من أكل الحلال قام على راسه ملک يستغفر له حتى يفرغ من أكله...87

من الجفاء استخدام الضيف فإذا نزل بكم الضيف فأعينوه و إذا ارتحل فلا تعينوه فإنه من النذاله...102

من الحقوق الواجبات للمؤمن على المؤمن أن يجيب دعوته...135

من حق الداخل على أهل البيت أن يمشوا معه هنيهه، إذا دخل و إذا خرج...95

من حق الضيف أن تمشى معه فتخرجه من حريمک إلى الباب...95

من دخل دار أخيه المؤمن وهو صائم فأفطر دون أن يظهر أنه صائم ليمن عليه فإن الله تعالى يكتب له ثواب صيام سنه...104

من كان يؤمن بالله و اليوم الآخر فلايؤذى جاره و من كان يؤمن بالله و اليوم الآخر

و ما تلک الهدیه...95

و من اقتصر علی بلغه الکفاف فقد انتظم الراحه و تبوا خفض الدعه و الرغبه مفتاح النصب و مطیه التعب...118

یا رب و ماتلک الحسنه...72

ص: 154

یا رسول الله ای اعمال افضل...78

یا شیعه آل محمد اعلموا أنه لیس منا من لم یملک نفسه عند غضبه ومن لم یحسن صحبه من صحبه و مخالقه من خالقه و مرافقه من رافقه و مجاوره من جاوره و ممالحه من مالحه یاشیعه آل محمد اتقوا الله ما استطعتم و لا حول و لا قوه إلا بالله...59

یا علی أکرم الجار و لو کان کافراً و أکرم الضیف و لؤ کان کافراً و أطع الوالدین ولو کانا کافرین و لا ترد السائل و إن کان کافراًً...24

یا علی ثمانیه إن أهینوا فلا یلوموا إلا أنفسهم الذاهب إلی مائده لم یدع إلیها و... ...122

یا موسی إنک لن تطیق ذلک و لکن أریک منزله من منازله جلیله عظیمه فضلته بها علیک وعلی جمیع خلقی...20

یدخل علی عبدی المؤمن سروراً و لو بتمره...72

یفرحون بفرحنا و یحزنون لحزننا و یبذلون أموالهم وأنفسهم فینا أولئک منا و إلینا...46

ص: 155

فهرست منابع

1.قرآن کریم

۲. احیاء العلوم / ابوحامد، محمد بن الغزالی، دار الفکر، بیروت، 1411 ق - 1991 م.

3. ارشاد القلوب إلی الصواب (للدیلمی) / دیلمی، حسن بن محمد، الشریف الرضی، قم، چاپ اول، 1412 ق.

4. الأمالی للصدوق / ابن بابویه، محمد بن علی، کتابچی، تهران،چاپ ششم، 1376 ش.

5. بحارالانوار / مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، 1403 ق.

6. تاریخ الاسلام / ذهبی، دار الکتاب العربی.

7. تحف العقول / ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، جامعه مدرسین،قم، چاپ دوم، 1404 ق.

8. تصنیف غررالحکم و درر الکلم / تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، دفتر تبلیغات، قم، چاپ اول، 1366 ش.

9. تفسیر العیاشی / عیاشی، محمد بن مسعود، المطبعه العلمیه، تهران، چاپ اول، 1380 ق.

10. التفسیر المنسوب الی الامام الحسن العسکری علیه السلام/ حسن بن

ص: 156

على عليه السلام امام يازدهم، مدرسه الامام المهدى عليه السلام، چاپ اول، 1409 ق.

11. تفسير روح البيان / حقى بروسوى اسماعيل، دار الفكر، بيروت.

12. تفسير نورالثقلين / العروسى الحويزى، عبد على بن جمعه، اسماعيليان، قم، چاپ چهارم، 1415 ق.

13. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال / محمد بن على بن بابويه، دار الشريف الرضى للنشر، قم، چاپ روم، 1406 ق.

14. جامع الاخبار (للشعيرى) / محمد بن محمد شعيرى، مطبعه حيدريه، نجف، چاپ اول.

15. جمال الأسبوع بكمال العمل المشروع / ابن طاووس، على بن موسى، دار الرضى، قم، 1330 ق.

16. حليه الأبرار فى احوال محمد و اله الاطهار عليهم السلام / بحرانى، سيد هاشم بن سليمان، مؤسسه المعارف الاسلاميه، قم، چاپ اول،1411 ق.

17. الخرائج و الجرائح / قطب الدين راوندى، سعيد بن هبه الله، مؤسسه امام مهدى عليه السلام قم، چاپ اول، 1409 ق.

18. الخصال / ابن بابويه، محمد بن على، جامعه مدرسين، قم، چاپ دوم، 1362 ش.

19. دعائم الإسلام / ابن حيون، نعمان بن محمد مغربى، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، 1385 ق.

20. الدعوات (للراوندى) / قطب الدين راوندى، سعيد بن هبه الله،انتشارات مدرسه امام مهدى عليه السلام، قم، چاپ اول، 1407 ق.

ص: 157

21. روضه الواعظين و تبصره المتعظين / فتال نيشابورى، محمد بن احمد، انتشارات رضى، قم، چاپ اول، 1375 ق.

22. زاد المعاد - مفتاح الجنان / مجلسى، محمدباقر بن محمد تقى،مؤسسه الأعلمى للمطبوعات، بيروت، چاپ اول، 1423 ق.

23. السرائر الحاوى لتحرير الفتاوى (و المستطرفات) / ابن ادريس،محمد بن احمد، دفتر انتشارات اسلامى، قم، 1410 ق.

24. شواهد التنزيل لقواعد التفضيل / حسكانى، عبيدالله بن عبدالله،مجمع احياء الثقافه الاسلاميه، تهران، چاپ اول، 1411 ق.

25. طب النبى صلى الله عليه وآله وسلم / مستغفرى، جعفر بن محمد، مكتبه الحيدريه،نجف 1385 ق.

26. عده الداعى و نجاح الساعى / ابن فهد حلى، احمد بن محمد،دار الكتب الاسلامى، چاپ اول، 1407 ق.

27. علل الشرايع / ابن بابويه، محمد بن على، كتاب فروشى داورى، قم، چاپ اول، 1385 ش.

28. عمده عيون صحاح الأخبار فى مناقب إمام الأبرار / ابن بطريق، يحيى بن حسن، جماعه المدرسين بقم، مؤسسه النشر الاسلامى،قم، 1407 ق.

29. عوالم العلوم و المعارف و الاحوال / بحرانى اصفهانى، عبدالله بن نورالله، مؤسسه الامام المهدى عليه السلام، قم، چاپ دوم، 1382 ش.

30. عيون اخبار الرضا عليه السلام/ ابن بابويه، محمد بن على، نشر جهان،تهران، چاپ اول، 1378 ق.

ص: 158

31. عیون الحکم و المواعظ الیثی واسطی، علی بن محمد،دار الحدیث، قم، چاپ اول، 1376 ش. 32. قرب الاسناد / حمیری، عبد الله بن جعفر، مؤسسه آل البیت علیهم السلام قم، 1413 ق.

33. الکافی / کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، 1407 ق.

34. کشف الغمه فی معرفه الائمه علیهم السلام/ اربلی، علی بن عیسی، بنی هاشم، تبریز، چاپ اول، 1381 ش.

35. گناهان کبیره / دستغیب شیرازی، سید عبدالحسین، جهان، تهران، چاپ ششم.

36. المؤمن / حسین بن سعید کوفی اهوازی، مؤسسه الامام المهدی علیه السلام، قم، 1404 ق.

37. مجموعه ورام / ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، مکتبه فقیه،قم، چاپ اول، 1410 ق.

38. المحاسن / احمد بن محمد بن خالد برقی، دارالکتب الاسلامیه قم، چاپ دوم، 1371 ش.

39. المحجه البیضاء فی تهذیب الأحیاء / الفیض الکاشانی، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1428 ق.

40. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل / نوری، حسین بن محمد تقی، مؤسسه آل البیت علیهم السلام قم، چاپ اول، 1408 ق.

41. مشکاه الأنوار فی غررالاخبار / طبرسی، علی بن حسن، المکتبه

الحیدریه، نجف، چاپ دوم، 1385 ش.

42. مفاتیح الجنان / حاج شیخ عباس قمی، چاپ و نشر قدسیان، قم، چاپ اول، 1389 ش.

43. مکارم الاخلاق / طبرسی، حسن بن فضل، شریف رضی، قم،چاپ چهارم، 1412 ق.

44. من لا یحضره الفقیه / ابن بابویه، محمد بن علی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ دوم، 1413 ق.

45. مناقب آل ابی طالب علیه السلام / ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، علامه، قم، چاپ اول، 1379 ش.

46. المواعظ العددیه / ابن قاسم الحسینی العاملی، سید محمد بن محمد بن الحسن، طلیعه النور، قم، چاپ اول، 1384 ش.

47. نهج البلاغه / شریف الرضی، محمد بن حسین، هجرت، قم، چاپ اول، 1414 ق.

48. وسائل الشیعه / شیخ حر عاملی، محمدبن حسن، مؤسسه آل البیت علیهم السلام قم، چاپ اول، 1409 ق.

49. هدایه الأمه إلی أحکام الأئمه علیهم السلام / شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، آستانه الرضویه المقدسه، مجمع البحوث الإسلامیه، مشهد،1414 ق.

50. هزار و یک حکایت اخلاقی / محمد حسین محمدی، زمینه سازان ظهور امام عصر علیه السلام، قم، 1388ش.

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ
آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
1.JAVA
2.ANDROID
3.EPUB
4.CHM
5.PDF
6.HTML
7.CHM
8.GHB
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
1.ANDROID
2.IOS

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109